****

**طرح پیشنهادی تشکیل هسته های مستقل و مخفی مردمی جهت مبارزه بانظام استبدادی جمهوری اسلامی و تاسیس نظام دموکراتیک ملی (قدم دوم)**

**پیشگفتار**

با توجه به طرح گذار از جمهوری اسلامی به نظام دموکراتیک ملی (قدم اول)، در گذار از جمهوری اسلامی ما تکیه به نیروهای مردمی و توانائیهای ملت بزرگ ایران خواهیم داشت. از این رو نیازمندم سازمان و ساماندهی تمامی نیروهای مردمی و پیوند جنبشهای دموکراسی خواه و آزادی طلب ملی هستیم. همچنین با توجه به پتانسیل موجود در مردم و رواج و شکوفائی تکنولوژی ارتباطات در بین مردم، بویژه در نسل جوان، میباید روشهائی انتخاب شود که از این امکانات بوجود آمده استفاده های کامل بشود.

در خصوص گذار و نحوه مبارزه با نظام استبدادی روشهای بسیاری تا کنون پیشنهاد شده است؛ در این خصوص میتوان از تحقیقات و رساله جین شارپ (1) نام برد. اما این یاداشت بیشتر بر اساس تجربیات خودم که در سالهای 60 تا 70 که با پخش اعلامیه و دیوار نویسی و تشکیل گروه کوچکی برای مبارزه با استبداد تشکیل داده بودیم و انها را بصورت پیشنهاد در اختیار قریب بیست تن از فعالین داخل و خارج از کشور قرار داده بودم ، تنظیم کرده ام.

در واقع هسته اولیه بررسی و تحقیق را همین بیست فعال تشکیل داده و قریب به یک سال از اجرای میدانی این طرح میگذارد. نحوه بررسی اولیه را جهت حفظ امنیت فعالین طوری تنظیم کرده بودم که حفاظت آنها کاملا در نظر گرفته شود. از سوی دیگر بر اساس طبیعت خود طرح فعالین از تمامی گرایشهای سیاسی انتخاب شده بودند وجه مشترک آنها دموکراسی خواهی و آزاد منشی آنها بود.

هدفها و روش اجرا پروژه را برای آنها توضیح داده شده بود، انها در سه گروه جدا گانه که از طریق من به هم متصل شده بودند در جریان تصمیمات یکدیگر قرار میگرفتند. البته بسیار وقت گیر بود، ولی راهکار بهتری برای حفظ امنیت آنها پیدا نکرده بودم. همراهان این پروژه، بعد از توضیحات اصول این پروژه، موافقت شان را با آن اعلام کردند. این اصول به صورت ساده عبارت بودند از؛

1- هسته های جنبش آردا میباید مستقل و از نظر ساختاری به صورت افقی اداره شوند.

2- اعضاء هسته ها میتوانند با هر گرایشی، جمهوری خواه، پادشاهی، لیبرال، سوسیال دموکرات، تمرکزگرا، غیر متمرکز یا فدرالیست، باشند.

3- تمام اعضاء میباید به اصول زیر باورمند و در جهت آنها گام بردارند.

الف) تمامیت ارضی و استقلال سیاسی کشور

ب) باورمندی به اعلامیه جهانی حقوق بشر.

ت) جدائی دین و ایدئولوژی از نهادهای حکومتی

پ) نفی کامل جمهوری اسلامی

ث) عدم ترویج سیستم سیاسی خاص و سازمان یا نهاد سیاسی خاص

4- فعالیتهای هسته ها در جهت رسیدن به آزادی، رفع تبعیضات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در جامعه و مبارزه برای برقراری عدالت و رفاه اجتماعی، تمرکز یابد.

بعد از بحثها و گفتگوها؛ اعضاء گروه تصمیم به انتخاب نامی برای خودشان شدن گرفتند. این نام را از روی هدفهائی که بدنبالش بودند؛ آزادی، رفاه و دادگری، انتخاب کردند. آنها نام جنبش "آزادی، رفاه و دادگری ایرانیان" که مخفف آن- آردا- معنا دار هم شود، انتخاب کردند. اینگونه انتخاب نام، که از آخر و مفهوم خواسته ها بر آمده بود، برایم جالب بود. آنها هدفهای گروه را مد نظر گرفته بودند و از سوی دیگر با مخفف کردن آنها بدنبال بدست آوردن کلمه "پر" معنی بودند که نمایانگر محتوای خواسته گروه شان باشد.

کلمه اردا، به معنی؛

الف) **اردا**. [ اَ ] (اوستایی، ص ) ارتا. ارت. ارد. مأخوذ از اَرتَه و اَرِتَه اوستائی و رتَه سانسکریت بمعنی درستی و راستی و پاکی و تقدس و مجازاً مقدس.

ب) **اردا** ( مصدر ) هک کردن، هک ساختن، نابود کردن، نیست گردانیدن .

انتخاب نام مرحله اولیه بود و در پایان آنها توانستند به توافقها و موفقیتهای بیشتری برسند. همین موفقیتها دلیل معرفی پروژه "اردا" به عنوان قدم دوم برای گذار از جمهوری اسلامی به نظام دموکراتیک ملی، شد. این پروژه امتحان میدانی خودش را پس داده و به نتایج مطلوبی هم دست یافت که در سطح کشور نتیجه فعالیتهایش مشهود بود.

در پایان دلایلم، لازم میبینم که تاکید کنم که برای پیروزی بر نیروهای استبداد و نابودی جمهوری اسلامی، ملت ایران نیازمند به سازماندهی و ساماندهی هستند، که دو هدف اولیه زیرا را دنبال کنند؛

الف) آگاهی به درک و چگونه رسیدن به دموکراسی و بر قراری نظام دموکراتیک در کشور

ب) تاکتیکها و روشهای مبارزه "جمعی" با نیروهای استبدادی و سرکوبگر برای نابودی جمهوری اسلامی

پروژه جنبش اردا، توانسته در هر دوی این دو اصل دستیابی های قابل ملاحظه ی بدست آورد. در زیر این پروژه را خدمت تان تقدیم میکنم.

**آشنایی با جنبش آزادی، رفاه و دادگری ایرانیان- آردا**

جنبش آزادی، رفاه و دادگری ایرانیان- آردا ، یک جنبشِ مطالبه‌گر ملی است. یک ایده‌ی جدید، در راستای اتحاد همه‌ی شهروندان خواهان کسب حقوق سیاسی، مدنی، انسانی، اجتماعی و اقتصادی است. البته، با حفظِ هویت گروهی، سازمانی، و حزبی شان، برای گذار از نظام استبدادی حاکم بر کشوراست، تاسیس شده است. هر یک از ما، به عنوان شهروندان، می‌توانیم در کنار فعالیت‌های فکری و مبارزاتی اختصاصی خودمان، در گروه، سازمان و حزب خویش، در جنبش آردا نیز، حضوری اثر گذار و رهایی ‌بخش داشته باشیم. حضوری گسترده شهروندان مطالبه‌گر میهن‌مان برای رسیدن به ایرانی آباد و آزاد وقتی مفهوم بخش است که مردم توان سامان و سازماندهی خودشان در هسته های مستقل شکوفا کنند.

**نیاز به اتحاد در عمل برای رسیدن به برپایی نظام دموکراتیک ملی**

آری! نیاز به اتحاد، یک حس همیشگی فعالان دردمند جنبش تحول‌خواهی مردم ایران بوده است. و تلاش‌های بسیاری نیز، در راستای تحقق این امر حیاتی، صورت گرفته است، و انرژی‌های بسیاری هم، به هدر رفته است. اما، آنچه که، در این میان، سخت تعجب‌آور است، فقدانِ هرگونه ابتکار و نوآوری، در چگونگی ایجاد این اتحاد، است. چون همیشه، این فعالان هم، به همان راهی رفته‌اند، که قبل از آنها همان راه ها را رفته بودند و بی‌ثمریش اثبات شده بود، یعنی: ایجاد یک "جبهه متحد ملی".

تشکیلِ جبهه موفق نبوده، چرا که، در ایران کنونی، امکان شکل‌گیری یک جبهه‌ی متحد ملی پایدار، جهت اتحاد گروه‌ها، سازمان‌ها، و احزاب گوناگون حاضر در جامعه، به دلایل بسیاری، از جمله، توهم خود بزرگ‌ بینی، خودمرکزبینی، خودکامگی، و سهم ‌خواهی بیش از "حد" و از همه مهم تر توان سرکوب و نفوذ عمیق و گسترده نیروهای امنیتی در نهادهای سیاسی و مدنی داخل و خارج از کشور، امکان بوجود آنها را بسیار کم کرده است. بنابر همین اساس، معتقدیم که، یکی از راه های نجات ممکن برای اتحاد شهروندان، در شرایط کنونی، شکل‌گیری یک جنبش ملی، در راستای اتحاد خود شهروندان است، و نه اتحاد گروه‌ها، سازمان‌ها، و احزاب ایرانی!

**ضرورت وجودی جنبش آردا**

از نظر ما، حضور هر شهروند خودآگاه و مسئول، حداقل در یک نهاد فکری- فرهنگی - سیاسی، امری ضروری و حیاتی است. تا هر فرد بتواند، آرزوها و آرمان‌های فردی و مرامی و ملی خویش را، پی بگیرد. و پیگیری این آرمان‌ها تنها با حضور در یک جنبش ملی حداکثری، به کمال خود خواهد رسید. در چنین صورتی است که، ما قادریم، از به هرز رفتن همه‌ی این تلاش‌های گوناگون و متفرق و متنوعِ جلوگیری کنیم، و آن تلاش‌ها را، در راستای رهایی خویش و ملت به کار گیریم.

**جنبش و خودآگاهی ‌بخشی**

بسیاری از فعالان جنبش تحول ‌خواهی مردم ایران، راه نجات این ملت را در خودآگاهی‌ بخشی به توده‌های مردم و تغییر "فرهنگ ملی" می‌دانند. و طبیعتا، شاید این انتظار را داشته باشند که، جنبشِ آردا نیز به این امر خودآگاهی‌بخشی یا فرهنگی به پردازد، و استراتژی خودآگاهی‌بخشی را در پیش گیرد. اما باید به صراحت اعلام کنیم که:

استراتژی جنبش آردا، به پروژه "خودآگاهی دادن به مردم" به عنوان استراتژیش نگاه نمیکند، بلکه سازمان و ساماندهی مطالبه‌گران ملی و دموکرات را اساس استراتژیش خود قرار داده است. جنبش آردا بر این اعتقاد است که، رسالت خودآگاهی دادن به مردم، بخشی دیگر از رسالت نیروهای آگاه جامعه است، که باید، در گروه، سازمان، و حزب "خودشان"، به طور دائمی، و در درازمدت، بدان همت بگمارند. رسالت ما، نیروهای فعال جنبش آردا، کار فکری، فرهنگی، و خودآگاهی‌بخشی، نیست. بلکه، سازماندهی شهروندان مطالبه‌گر، برای رسیدن به رهایی، و دستیابی به آزادی‌های فردی و اجتماعی، از طریقِ روش‌های نافرمانی مدنی و خشونت پرهیز است.

**ماهیت جنبش آزادی، رفاه و دادگری ایرانیان- آردا**

**اصلاح - انقلاب – براندازی**

جنبش آردا، نه یک جنبش "اصلاح‌گر" فکری - فرهنگی – سیاسی است و نه یک جنبش "انقلاب‌گر" مخملی - توده‌ای - مسلحانه، و نه یک جنبشِ "برانداز" کودتایی است. بلکه، یک جنبش "مطالبه‌گری" است که به دنبال تحقق مطالبه‌های مورد توافق اکثریت مردم ایران است. البته جنبش، با توجه به توان جنبش و شرایط کشور، تاکتیکهای مبارزاتی جهت رسیدن به هدفهایش را انتخاب خواهد کرد. از نظر جنبشِ "آردا"، انتخاب هر یک از شیوه‌های مبارزه‌ی مطرح‌شده در بالا، توسط هر یک از اعضای جنبش، در گروه، سازمان، و حزب خویش، امری شخصی است، و جنبش، هیچ دخالتی و توصیه‌ای، درباره‌ی شیوه‌ی مبارزه‌ی شخصی اعضای جنبش، نخواهد داشت، و آنان قادرند که، در حین حضور در جنبش آردا، در راستای مطالبه‌گری ملی، به آن شیوه از مبارزه‌ی شخصی و سازمانی مورد نظر خویش نیز، ادامه دهند.

هر عضوِ جنبش، می‌تواند، براساسِ دیدگاه‌های ایدئولوژیک و استراتژیکِ خود، در گروه، سازمان، و حزبِ خویش، به دنبالِ اصلاح، انقلاب، و براندازی، باشد، اما، در رابطه‌ی با جنبشِ آردا ، تنها یک "مطالبه‌گر" است، که با پندار، گفتار، و کردارِ خویش، در جستجویِ تحققِ مطالباتِ جنبش عمل خواهد کرد.

**مساله ایدئولوژی**

جنبش آردا، فاقد هر نوع ایدئولوژی است. این جنبش، یک جنبشِ شهروند محور مطالبه‌گری است. البته، در چارچوب منشورش(2) که استوار شده بر منافع ملی و حقوق بشر، با پذیرشِ برابری حقوقی همه‌ی انسان‌ها، و نفی هر نوع تبعیض جنسیتی، نژادی، قومی، مذهبی، و طبقاتی است، عمل خواهند کرد. هر ایرانی، در هر نقطه‌ای از جهان، می‌تواند، با هر اندیشه و مرامی، یک "عضوِ ساده ی" جنبشِ آردا باشد؛ تا زمانی که به منشور و آرمانها ملی ان پایبند باشد.

**مساله قدرت - آلترناتیو**

جنبش آردا، یک جنبش مطالبه‌گری ملی است. نماینده‌ی جامعه‌ی مدنی است. قصد جنبش، "کسب قدرت" و "تصرف قدرت" نیست، بلکه، ایفای نقش یک جریانِ "ضدِ قدرت"، در برابرِ "قدرت" حاکم، است. جنبشِ آردا، آلترناتیو رژیم کنونی نیست. چرا که این مهم مربوط به سازمانها و احزاب سیاسی است که با آگاهی بخشی مردم به برنامه های سیاسی خود و کسب اعتماد مردم، نظام و دولت الترناتیو مورد نظرشان را به مردم معرفی و مردم با رای شان به آنها واقعیت میبخشند.

پس، با توجه به ماهیت "ضد قدرت" جنبش، و فقدان هرگونه انگیزه و هدفی برای کسب قدرت، رسالت جنبش، تدوین یک برنامه‌ی حکومتی، تدوین یک برنامه‌ی اقتصادی، تدوین طرحِ اولیه‌ی یک قانون اساسی، و... نیست. و تنها رسالت جنبش، مشخص کردن مطالبات اساسی مورد تایید اکثریت مردم، و تلاشی عاشقانه و پیگیرانه، برای تحقق آن مطالبات، است.

**هدف جنبش آزادی، رفاه و دادگری ایرانیان- آردا**

هدف جنبشِ آردا، "مطالبه‌گری" است. با شروعِ از کوچک‌ترین مطالبات مطرحِ در جامعه، مثلِ ورود زنان به ورزشگاه و پوشش اختیاری، و...، و ارتقای سطحِ مطالبه‌گری، به موازات رشد قدرت جنبش، با پیوستن مردم به آن در طول زمان، و سراسری شدنِ آن میتواند برسد. هدف نهائی جنبش آردا زمینه سازی، سازمان و ساماندهی نیروهای مردمی و رساندن مردم به مطالبه‌ی حداکثری، که سقف این مطالبات، تشکیل یک مجلس موسسان دموکراتیک و مردمی، برای تهیه‌ی یک قانونِ اساسی جدید و رسیدن به نظامِ دموکراتیک ملی و سرنگونی نظام استبدادی است.

**روشِ مبارزه**

روش مبارزه‌ی جنبش آردا ، "نافرمانیِ مدنی" است. و تا زمانی که، رژیم، خشونت را، از حد "معمول جهانی"، فراتر نبرده باشد، مبارزه‌ای است خشونت ‌پرهیز. با روش‌هایی چون: شعار و دیوار نویسی، اعتراض، میتینگ، اعتصاب، تظاهرات، توفان توئیتری، شکایت در مجامعِ بین‌المللی، تا اعتصابات سراسری و فلج کردن نظام حاکم، مبارزه را پیش خواهد برد. در صورت مواجه شدن جنبش با خشونت نامتعارف، جنبش به بررسی روشِ مبارزاتی خویش، برای مقابله‌ی با خشونت نامتعارف موجود خواهد پرداخت.

**شکل مطالبه‌گری**

جنبش آردا، در شکل مطالبه‌گری خویش، با دو گزینه روبرو است.

▫️ تک مطالبه داشتن؛

اول، تک مطالبه داشتن، و ادامه‌ی مبارزه تا دستیابی به آن مطالبه.

▫️ چند مطالبه داشتن؛

دوم، چند مطالبه داشتن، و پیش بردنِ مبارزه در چند جبهه، جهت درگیر کردن افراد بیشتری در جامعه، و وارد کردن فشار همزمان و بیشتری بر رژیم، ادامه خواهد داشت. این روش به دلیل درگیر کردن رژیم در چند جبهه، و با افراد بیشتری، و در نتیجه، پریشانی مسئولان رژیم در تصمیم‌گیری، فرسایش نیروهای سرکوبگر نظام را به فروپاشی نزدیک خواهد کرد.

**رهبری جنبش**

**رهبری مستقیم مردمی**

جنبش آردا ، فاقد آن نوع از رهبری، به معنای سنتی آن است. فاقد یک رهبر همه‌کاره‌ی کاریزماتیک که در راس هرامی اراده شخصی یا تصمیم سازمانی را به نیروهای زیر مجموعش تفهیم یا تحمیل کند، است. همچنین، فاقد یک کمیته‌ی مرکزی قدرتمند چند نفره است، که تعیین‌کننده‌ی همه چیز، و همه‌کاره است، و در نتیجه، فعالان و نیروهای مردمی هیچ‌کاره! رهبری جنبش، که از نظر ما، همان مدیریت، هماهنگی، و هدایت جنبش آردا است، یک نوع مدیریت دموکراتیک و جمعی است. در واقع شورای هماهنگی جنبش، بصورت "اورگانیک" در طول مبارزه از دل هسته های مستقل که شبکه هایش بوجود خواهند آمد.

با این روش خطر نیروهای نفوذی بسیار پایین خواهد آمد. از سوی دیگر، هسته ها با تمرین و استمرار در مبارزه با نیروهای سرکوبگر به دانش "رهبری" درخور نیروهای گردآمده خودشان خواهند رسید. در ادامه راه مبارزه و تشکیل "ائتلاف ملی"، که در رساله "قدم اول" توضیح داده ام، "ائتلاف ملی" به روشدی خواهد رسید که تشکیل دولت در تبعید و یا دولت موقت را خواهد داد. یا ممکن است که شورائی را برای رهبری انتخاب کند، در هر صورت بدلیل هژرمونی بوجود آمده و ارتباط نیروهای دموکرات ملی، شبکه های جنبش آردا بصورت عملی به عنوان بازوان شورا رهبری ائتلاف ملی یا دولت موقت در خواهند آمد.

تاکنون، در راس جنبش آردا، یک شورای انتخابی سی نفره، با عنوانِ "شورای هماهنگی جنبش"، تشکیل شده تا کارهای اولیه سامان و سازماندهی هسته های مستقل مردمی را فراهم نمایند. تمامیِ تصمیمهای شورای هماهنگی جنبش، از طریق شبکه‌های اجتماعی، به دور از فشارها و تهدیدهای امنیتی، به اعضای جنبش انتقال داد خواهد شد. در زیر این شورای هماهنگی جنبش، دو شورای همسطح و همتراز، قرار گرفته است. یکی، "شورای مردمی جنبش"، که محل گفتگوی شهروندان مطالبه‌گر است، و دیگری، "شورای برجستگان جنبش"، که محل گفتگوی برجستگان مطالبه‌گر است، که متشکل از روشنگران، روشنفکران، و شخصیت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، هنری، و... "خوش نام" است. در نهایت این دو شورا به زیر مجموعه "ائتلاف ملی" درخواهد آمد.

مرکز تصمیم‌گیری جنبش، و رهبری این جنبش، خود شهروندان هستند، که اهداف، برنامه‌ها، و تصمیمات جنبش را، پس از بحث و گفتگو در شورای مردمی و شورای برجستگان، تعیین خواهند کرد. در حقیقت، رهبر جنبش، به معنای تعیین‌کننده‌ی همه چیز، خرد جمعی خود سر شبکه های جنبش است.

**شورای هماهنگی جنبش**

شورای هماهنگی جنبش، یک شورای سی نفره است، متشکل از پانزده نفر از شورای برجستگان جنبش، و پانزده نفر هم از شورای مردمی جنبش، که از طریق یک انتخابات مخفی دموکراتیک، انتخاب خواهند شد. شورای هماهنگی جنبش، کادرِ مرکزی یا نهادی بمانند آن نیست. تنها و تنها "مدیریت اجرایی جنبش" است، هماهنگ‌کننده‌ی تلاش‌های جنبش است.

**شورای مردمی جنبش**

شورای مردمیِ جنبش، یک شورای مشورتی برای گفتگوی شهروندان مطالبه‌گر جنبش است. این گفتگوی شهروندان مطالبه‌گر، در فضای مجازی، و در گروه تلگرامی، زوم و دیگر سیستمها ارتباطی امن، انجام خواهد گرفت. در صورتِ ضرورت، در چند گروه ارتباطی، با همین نام، امکان ارتباط با یکدیگر فراهم خواهد شد. پانزده عضوِ اصلی نماینده‌ی شورای مردمی، در شورای هماهنگی جنبش، و پنج عضو علی‌البدل، با انتخاباتی مستقیم، و به صورت رایِ مخفی، از میانِ افراد حاضر در شورای مردمی، که برای حضور در شورای هماهنگی جنبش، کاندیدا شده‌اند، انتخاب خواهند شد. و به مدت شش ماه، در شورای هماهنگی، حضور خواهند داشت.

**شورای برجستگان جنبش**

شورای برجستگان جنبش، یک شورای مشورتی جنبش است. متشکل از روشنگران، روشنفکران، و شخصیت‌های "خوشنام" سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی جامعه، که رسالت‌اش، ارائه‌ی پیشنهادهای استراتژیکی و تاکتیکی، به کل جنبش است، که این پیشنهادها، توسط شورای هماهنگی و مدیران و اعضای جنبش، موردِ نقد و بررسی قرار خواهد گرفت. پانزده عضو اصلی نماینده‌ی شورای برجستگان جنبش، در شورای هماهنگیِ جنبش، و پنج عضوِ علی‌البدل، با انتخاباتی مستقیم، و به صورت رایِ مخفی، از میان افراد شورای برجستگان، که برای حضور در شورای هماهنگی جنبش، کاندیدا شده‌اند، انتخاب خواهند شد. و به مدت شش ماه، در شورای هماهنگی، حضور خواهند داشت.

تمامی تصمیمات جنبش آردا، در شورای هماهنگی جنبش، متشکل از پانزده عضو انتخابی شورای مردمی و شورای برجستگان است، گرفته خواهد شد. تصمیمات گرفته‌شده، توسط "شورای هماهنگی جنبش" به اعضای جنبش فرستاده خواهد شد.

**ماموریت و چشم انداز جنبش آزدای، رفاه و دادگری ایرانیان (آرادا)؛**

**پیشگفتار**

همانطور که میدانید ملت و نهادهای سیاسی و مدنی، چه در داخل یا خارج از کشور، تلاشهای بسیاری کردند تا نظام استبدادی جمهوری اسلامی را به زباله دان تاریخ بسپارند. اما در این مبارزات روشهائی انتخاب و یا بصورت مهندسی شده ی به انها تحمیل شد که تلاشهای آنها را تا کنون بی ثمر کرده است. یکی از آنها مبارز در شبکه های اجتماعی است.

آنچه در شبکه های اجتماعی "مد" شده است، این است که در آن افرادی که زمینه و پتانسیل فعال بودن درشان بوجود آمده را در یک بن بست خسته کنند "مبارزاتی" و حرکت بی پایانی بر روی دایره دنیای مجازی قرار داده است. خبرهای تکراری و باز تولید شده، تبادل نظرهای بی پایانی که دو طرف آن نه همدیگر را میشناسند و نه با هم کار عملی را میتوانند انجام دهند، مبارزانی که شبها لایکها و یا دسته گلهای هدیه شده بهشان را میشمارند.

این بدین معنی نیست که فعالین دنیای مجازی خدمتی به جنبش آزادی خواه و ملی ملت ایران نکرده اند. بر عکس، فعالین در تیوتر، رویدادهای 88 ایران را نه فقط زیر پوشش گرفتند، بلکه جهان را شوک زده از آنچه بر ملت ایران میگذشت آگاه کردند. خبر ها چنان با سرعت به اقساط نقاط جهان پخش میشد که خبرهای جهان را تحت شعاع خود درآورده بود.

همین موفقیتهای این شبکه های اجتماعی بود که نظام استبدادی را مجبور به تشکیل ستادهای مختلفی برای کنترل، اخلال و شناسائی مبارزان فعال در شبکه های اجتماعی کرد. با افزایش توان تخریبی در شبکه های اجتماعی، هرز چندگاه که موجی از اعتراضات مردمی بلند میشد، با فشار دکمه ای "صدا رسانی" و "سلسله اعصاب" ارتباطی مبارزان را در اینترنت قطع کرده و با سلولهای گیرنده، بحثهای ساختگی "موافق" و "مخالف" بر سر موضوعات حاشیه ای و گسترش دامهای اطلاعاتی برای شناسائی فعالین توانسته اند به موفقیتهائی دست یابند. عوامل اطلاعاتی توانسته اند با بحثها و استمرار فعالیت در گروه مجازی، خود را در ذهن مبارزان جوان "چهره" آشنا و قابل اعتمادی به تصور درآورند. تا در لحظه های حساس، نظم گروه را بهم زده و یا خواسته مهندسی شده ای سیستمهای امنیتی و اطلاعاتی را به اجرا درآورند.

اما از همه اینها مضر تر، تصور مبارز بودن و ایجاد "نبردهای" مجازی برای تغییرات بنیادی در کشور است. استبداد در دنیای واقعی در حال به تاراج و غارت اموال ملت و نابودی محیط زیست و در کل نابودی کشور و خار و خفیف کردن ملت در جهان است. از سوی دیگر، عاشقان ملت و میهن در حال مبارزه با استبداد دینی در دنیای مجازی هستند. چه نتیجه ای از مبارزه و نبردهای مجازی تا کنون بدست آوردند، البته به غیر از افشاء گری ها؟ آنچه بدست آمده از اینگونه مبارزات در نهایت، "دست گلها" و "لایکها" بود است که به عنوان افتخارات مبارزه هایشان بر روی صفحه منیتورشان میدرخشد. اما آنها توانسته اند استبداد را در جامعه ، حتی یک قدم به عقب ببرند؟

**چگونه از این بن بست مبارزات مجازی خارج شویم؟**

این پروژه، فعال کردن فعالین شبکه های مجازی در دنیای واقعی، در نظر دارد که از مزایای شبکه های مجازی بهره کامل را به عمل آورد و در عین حال بر روی عوارض آنها پلی بسازد. از این رو طرح تشکیل هسته های 3 تا 5 نفره را تهیه و برای اجرا پیشنهاد میکند. این هسته ها بصورت مستقل و ساختار افقی, بدون فرمانده و یا کادر رهبری تشکیل و عمل خواهند کرد. اینگونه ساختار و عملکرد هسته های جنبش آردا را از خطر عوامل نفوذی و نشت خبر بدور نگه خواهد داشت. یا ردیابی آنها توسط سلولهای گیرنده و خبر چینهای نظام و در نهایت شناسائی کردن آنها توسط سیستم ها و دستگاههای اطلاعاتی بسیار سخت و تا حدی غیر ممکن خواهد شد. این گروه ها بعد از فعالیتهای متعدد و کسب دانش لازم در نحوه اجرای برنامه های مبارزاتی شان، تا مرز 6 نفر شدن پیش میروند. هر گاه اعضای گروه به 6 نفر برسد، گروه به دو گروه 3 نفره تقسیم و از هم جدا و بصورت مستقل از یک دیگر به فعالیت شان ادامه میدهند، (برای راحتی گروه های 3 تا 5 نفری را هسته های آردا مینامیم). ممکن است در بعض از موارد اعضا یک گروه بنا بر مسائل امنیتی و یا گسترش بیشتر تصمیم به تشکیل گروه های دیگر بگیرند، در این صورت، آنها اعضای گروه از هم جدا شده و هر کدام از اعضا، خود تشکیل دهنده گروه دیگری خواهند شد. هسته های آردا، توسط یک شورای هماهنگ کننده، در خارج از کشور و بدور از دسترس نظام جمهوری اسلامی است، با هم هماهنگ میشوند.

مزایای این روش در مستقل بودن هسته های 3 تا 5 نفری در شبکه گسترده است. بطوری که نیروهای نفوذی یا قطع و وصل سیستمهای اینترنتی، تاثیر چندانی بر روی فعالیتهای آنها نخواهد گذاشت. از سوی دیگر امکان به چالش کشیدن و تحقیر فعالیتهای گروه های آردا و ضربه زنی به طریقی دیگر هم هست. البته نقد سازنده خواهد بود و موجب تقویت و بهبود پروژه خواهد شد. آنچه مسلم است، مردم نتیجه کار گروهی هسته های آردا را خواهند دید و خود قضاوت خواهند کرد. در مبارزه با استبداد دینی، ملت بزرگ ایران نیازمند تفاهم و اتحاد در عمل تمامی فرزندان خلف و آزاده اش است تا میهن را از شر دیو صفتان خرافه پرست نجات دهند.

**ساختار هسته های 3 تا 5 نفری**

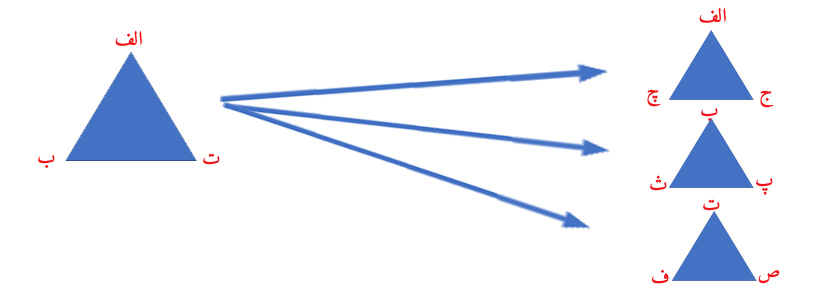
همانطور که در بالا آمد، ساختار گروه های آردا؛

1- افقی یا flat است که بصورت مثلث و یا ستاره در زیر نمایش داده شده است. چرا که در گروه های کوچک نظیر هسته های آردا به دلیل کوچک بودنشان، به تفاهم و درک مشترک راحت تر میرسند. این دو خصلت شرط لازم برای کار موفق گروهی کردن است.

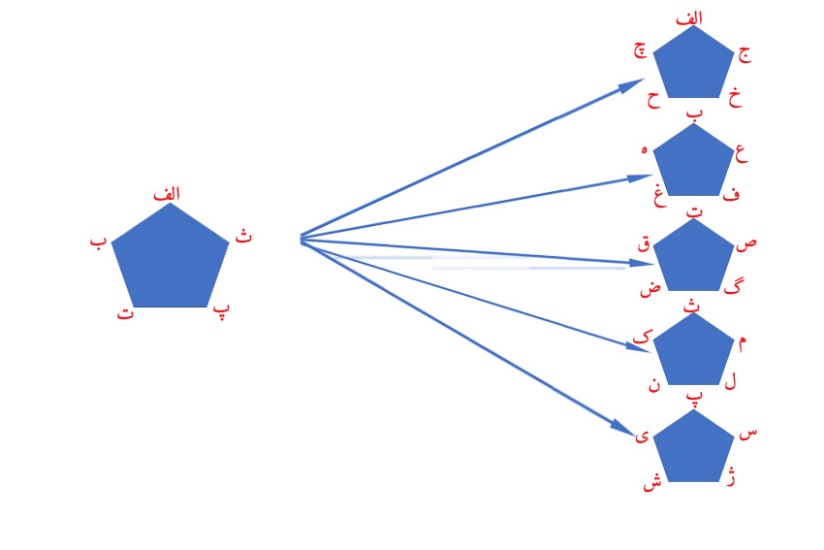
نمای گروه های آردا

نمودار(1)

2- هر گروه بعد از انسجام و کارآمدی در فعالیتهای میدانی و پیدا کردن و کسب مهارتهای لازم، وقتی که از مرز 5 نفر عضو میگذارند و یا اعضا گروه سه نفر قادر به تشکیل گروه های دیگر باشند، از هم جدا شده و بصورت مخفیانه تشکیل گروه های مستقل دیگری را میدهند.



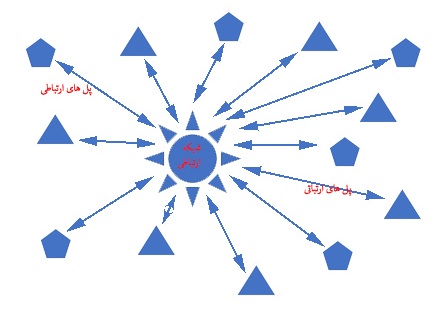
نمودار(2)



نمودار(3)

3- ارتباط هسته ها توسط شبکه یکسو آزاد، به نام شورای هماهنگی جنبش، که به دلایل امنیتی در خارج از کشور

قرار دارد انجام میشود. این ارتباط بصورت هرمی و یا از بالا به پایین نخواهد بود و فقط بصورت شبکه ای جهت هماهنگی فعالیتهای مشترک و همزمانی کردن فعالیتهای آنها با هم، توسط شبکه، شورای هماهنگی جنبش، مرتبط میگردند.

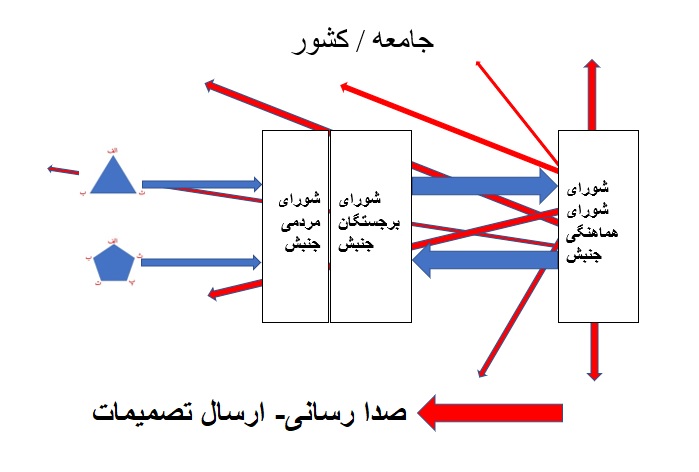


نمودار(4)

در این سیستم حتی ماهیت اعضای تشکیل دهنده هسته های آردا، برای شبکه نیز مخفی است. در واقع کل شبکه آردا، بنوعی قابل تشبیه به سیستم "تیر شکسته" یا " دکترین کاتولیک" است.

روش کار در سیستم "تیر شکسته" بدین صورت است، واحدهای ویژه از نیروهای نظامی به پشت خطوط نظامی دشمن ارسال میشوند. آنها در تمام طول ماموریت شان در "سکوت کامل رادیوئی" بسر میبرند. یعنی برای مشکلات، نحوه اجرا عملیات و غیره بر اساس اصول تعیین و تعلیم داده شده، آزادانه به بهترین شکل ممکن میتوانند ماموریت شان را به انجام میرسانند.

در سیستم "دکترین کاتولیک"، کشیشان مسیحی که بسیار پیر و فرتوت بودند و قادر به سفرهای طولانی و سخت به مناطق صعب العبور نبودند، جای خودشان را به نیروهای جوان و تعلیم دیده ای میدادند. تعلیمات این کشیشان و مروجین جوان، با اینکه در حد یک کشیش "متوسط" هم نبود، ولی تا حد زیادی اختیارات "پاپ" را جهت اجرای مراسم و آیین مسیحیت و به آیین مسیح دعوت کردن مردم افریقا، آسیا و مناطق بسیار دور دست بودند. در واقع ارتش و یا پاپ نمی توانستند بصورت مستقیم در "محل" وجود داشته باشند و یا از وضعیت نیروهای ویژه شان باخبر باشند. ولی آنها بصورت مستقل "ضربات لازمه" را به "دشمن" وارد و یا "پیام مسیح" را بصورت موثری به "ناباوران" میرساندند.

لطفا به نمودار(5) توجه فرمایید.

راهکار شورای هماهنگی جنبش آردا برای انتقال تصمیم های گرفت شده در شورای هماهنگی جنبش به واحدها یا هسته های مستقل جنبش از یکسو و از سوی دیگر کسب اطلاعات و دریافت شرایط و توانائیهای هسته های آردا، مطابق نمودار(5) امکان پذیر خواهد شد.

هسته های آردا نیز به همین طریق، مستقل و بصورت مخفی و بر اساس اصول مورد قبول واقع شده، بدون ارتباط فیزیکی با یکدیگر، از طریق شبکه آردا، فعالیت موثر در جهت تضعیف نیروهای سرکوبگر و در نهایت نابودی جمهوری اسلامی عمل خواهند کرد.

**از کجا میباید شروع کرد؟**

عملکرد هسته های آردا, میباید بر علیه نیروهای استبدادی و سرکوبگر و ایجاد "جنگ روانی" که بصورت استمراری ادامه یابد، باشد. از سوی دیگر، موجب تقویت روحیه نیروهای تلاشگر در مبارزه با نظام ضد ملی و ضد انسانی و پشتیبان نیروهای دموکرات ملی است. از اینرو فعالیتها و عملیات هسته ها آردا، بصورت خلاصه، بدنبال نتایجه زیر میباشند؛

1- ایجاد تقویت روحیه در بین نیروهای مردمی .

2- گسترش آرمانها و خواسته های دموکراتیک مردم .

3- تلاش در ناامید و تضعیف نیروهای پشتیبان نظام استبدادی کردن.

4- تاثیر گزار در ریزش و تخریب بنیادهای نظام استبدادی

5- فعالیت و عملیاتی میدانی میباید طوری انتخاب شود که اکثر واحدها و هسته های آردا قادر به انجام آن باشند.

از اینرو پیشنهاد میشود که پروژه و فعالیت هسته های آردا، در مرحله نخست تا گستردگی گروه های آردا، دیوار و شعار نویسی تعیین شود. توجه داشته باشید که شعار و دیوار نویسی وقتی تحت یک نام، هر نامی که مورد قبول باشد، در تمامی نقاط کشور به اجرا درآید میتواند اثر مورد نظرمان بر روی نظام استبدادی داشته باشد.

**جمع‌ بندیِ اولیه**

در شرایط کنونی، با توجه به ماهیت برخی از رهبران جرایانات سیاسی و فرهنگی جامعه‌ی ایرانی، و به دلایل قدرت‌طلبی، بی اعتباری، وابستگی، تفرقه و فساد بعضی از جریان های "اپوزیسیون" و همچنین گمنامی، ناشناخته بودن، و بی پایگاه بودن دیگر جریانهای صادق و مردمی، که مشکل اولیه ماست. از سوی دیگر، با توانائی های سرکوب و نفوذ نیروهای امنیت نظام، امکانِ اتحاد بین گروه‌ها، سازمان‌ها، و احزاب ایرانی، چندان ممکن پذیر نبوده، و بی‌ثمری تلاش‌های پیشین نیز، تاییدی بر این نتیجه‌گیریِ تلخ و اجتناب‌ناپذیر است.

در چنین وضعیتی، ایده‌ی ایجاد یک اتحاد، در عمل، با نام "جنبش آزادی، رفاه و دادگری ایرانیان- آردا"، با تکیه‌ بر تک تک شهروندان، و نه تکیه‌ی بر گروه‌ها، سازمان‌ها، احزاب و دولتهای خارجی سر زد، و رفته رفته شکوفا شده است. ایده‌ای که، علاوه بر تکیه‌ی بر شهروندان، برخلافِ ماهیتِ یک "جبهه‌ی متحد ملی"، که به صورت معمول، یک امرِ کوتاه‌مدت و مرحله‌ای و مقطعی است، یک ایده‌ی "فرا زمانی" و "همیشگی" است. جنبشی که، تاثیرات آن با تغییر دولت‌ها، نظام‌ها، و حکومت‌ها، پایدار و ماندگار است. و نتیجه مبارزات مدنی آن، "سنگر همیشگی" جامعه‌ی مدنی، در برابر خودمحوری های دولت حاکم، و زمینه بوجود آمدن یک جنبش "ضد قدرت"، در برابرِ "قدرت حاکم"، خواهد بود. در نهایت، جنبش آردا، بازوئی توانا برای "ائتلاف ملی" برای اعمال قدرت و زورازمائی میدانی در برابر حاکمان مستبد فعلی خواهد بود.

در رساله بعدی تحت نام، "تاثیرات سیاست فرهنگی، فرهنگ سیاسی، ارزشهای اجتماعی در فرهنگ ملی و نقش آنها در استمرار یا نابودی جمهوری اسلامی و تشکیل نظام دموکراتیک ملی چیست؟ (قدم سوم)" نظر شما گرامیان را به مبارزه فرهنگی و سرکوب فرهنگی میپردازم. در این رساله از پروسه تبیین سیاستهای فرهنگی جهت حاکم کردن فضای سیاسی خاص، فرهنگ سیاسی توضیحاتی میآورم. همچنین با شرحی بر نقش این فضای سیاسی در شکل دهی و ساختن ارزشهای اجتماعی که ابزاری است بسیار قوت جهت کنترل افکار و رفتار مردم برای ادامه حیات نظام حاکم طرح یشنهادی گذار از جمهوری اسلامی را به پایان میرسانم

با مهر

اکبر کریمیان

30/01/2018

(12/01/2019) تنظیم پروژه در جهت گذار از جمهوری اسلامی به نظام دموکراتیک ملی

1- جین شارپ- از دیکتاتوری تا دموکراسی- در پیوست رساله کامل آمده است

<https://araparty.com/single-post.php?id=35>

2-  **منشور یا چارچوب همکاری های هسته های جنبش آردا.**

هدف نهائی جنبش آردا، در نهایت سازماندهی نیروهای مردمی برای سرنگونی و بستر سازی یک نظام دموکراتیک ملی در کشور است، بدون در نظر گرفتن شکل آن. برای رسیدن به هدفهای جنبش و جلوگیری از انحراف در مبارزه؛ جنبش آردا همکاری های هسته هایش را در یک منشور یا چهار چوب همکاری برای رسیدن به آزادی، رفاه و دادگری به شرح زیر مشخص کرده است؛

1- جنبش آردا، فرا حزبی-ایدئولوژیکی است و هسته های جنبش آردا میباید آزاد از ایدئولوژی، بینش های سازمانی باشند تا توان گستردگی را در خود بیابند.

2- یکی از دلایل تشکیل جنبش آردا، سرنگونی حکومت استبدادی دینی است. از این رو فعالیتهای جنبش منسجم حول این هدف سازماندهی میشود.

3- در فعالیتهای جنبش آردا؛ پاسداری و حفظ یکپارچگی سرزمینی ایران و استقلال سیاسی کشور یک اصل خطش ناپذیر است.

4- جنبش آردا در تمامی فعالیتهایش بر اصل جدائی دین و ایدئولوژی از نهادهای حکومتی تاکید و پایبند است.

5- جنبش آردا در تمامی فعالیتهایش پایبند به اعلامیه جهانی حقوق بشر بوده و آن را سر لوح فعالیتهای خود قرار داده است.

6- جنبش آردا در تمامی فعالیتهایش رفع کلیه تبعیضات؛ جنسیتی، نژادی، مذهبی، قومی، اقتصادی و غیره را به عنوان اصول اساسی در ­سر لوح فعالیتهایش قرار داده است.

7- روش مبارزه و گذار از جمهوری اسلامی را از طریق مبارزه های خشونت پرهیز، پی گیر و ادامه خواهد داشت، البته حق دفاع از خود امری است طبیعی.

8- یکی از وظایف مهم هسته های آردا، تشویق و فعال کردن مردم ایران در قبول مسئولیت شان در مقابله با استبداد دینی و جلوگیری کردن از نابودی بیش از حد منابع انسانی و طبیعی کشور است. از این رو هسته های جنبش آردا در عین مستقل بودن، بر اساس تعهدات و قبول اصول بالا در جهت مبارزات گسترده، بدنبال استراتژی مبارزاتی مشخص جهت فراهم کردن شرایط تظاهرات میلیونی و اعتصاب های سراسری، خواهند بود.

ازديکتاتوريتادموکراسيچارچوبينظريبرايکسبآزادي

 جينشارپ

مترجم **:** جادي،انجمنبدونمرز

**پيشگفتار**

ساليانسال،يکيازمهمتريننگرانيهايمناينبودهاستکهمردمچگونـهمـيتواننـدجلـويبـهوجـودآمـدنديکتاتوريهارابگيرندياديکتاتوريهايموجودراازميانببرند **.** اينعلاقهناشـيازايـنعقيـدهاسـتکـههـيچانسانينبايدتحتتسلطانسانيديگرزندگيکندوياتوسطحکومتهايديکتاتوري،ازميانبرداشـتهشـود **.** ايـنعقيدهبامطالعهدربارهلزومآزادينوعبشر،باتحقيقدربارهذاتحکومتهايديکتاتوري **(** ازنظراتارسطوگرفتهتاتحليلحکومتهايتماميتخواه **)** وبابررسيتاريخيحکومتهايديکتاتوري **(** بخصوصآلماننـازيوروسـيهاستاليني **)** درمنرشديافتهاست**.**

درطولسالها،فرصتشناختانسانهاييراداشتهامکهتحتحکومتنازيهازندگيکردهورنجکـشيدهانـد**.** درميانآنهااشخاصينيزوجودداشتندکهازاردوگاههايکاراجباريآلمانجانسالمبهدربردهبودند**.** درنـروژ،بـامردميملاقاتکردمکهباحکومتنازيمبارزهکردهوزندهماندهبودند،ودربارهمردميشنيدمکهازميـانرفتـهبودند**.** بايهوديانيکهازچنگالنازيهاگريختهوهميطورباانسانيهاييکهبرايزندهماندنبهآنهاکمـککـردهبودند،صحبتکردم**.**

وحشتحکومتاستالين،دراکثرکشورهابيشترازطريقکتابشناختهشدهاستتاازطريقتمـاسهـايفـردي **.** اينوحشتبرايمنتلختروگزندهتربودچراکهبانامآزاديورهاشدنازظلمواستثماربهمردمتحميـلشـدهبود**.**

دردهههاياخيرازطريقديدارباافراديازکشورهاييباحکومتهاياستبداديهماننـدپانامـا،لهـستان،شـيلي،تبتوبرمه،حقايقديکتاتوريهايامروزملموسترشدهاست**.** بامـشاهدهتبتـيهـاييکـهعليـهمهـاجمينچـينکمونيستجنگيدند،روسهاييکهکودتاي۱۹۹۱راخنثيکردندوتايلنديهاييکـهبـدونتوسـلبـهخـشونت،بازگشتبهحکومتينظاميراغيرممکنساختندديدگاههايرنجآگينتريازطبيعتدسيسهآميزديکتاتوريهابهدستآوردم**.**

گاهبهگاهبامشاهدهمکانهاييکههنوزخطرناکبودندومقاومتدرآنهاجريـانداشـت،احـساستـرحمبـرايمردموخشمنسبتبهوحشيگيريها،بههمراهتحسينقهرمانيهايآراممردانوزنانيبـاشـجاعتهـاييمـافوقتصور،درمنافزايشمييافت**.** اينمکانهاشاملپانامايتحتحکومتنوريهگا،ويلنيوسدرليتوانيزيرسـرکوبيمستمرشوروي،ميدانتيانانمندرپکنبههنگامتظاهراتبرايآزاديوبخصوصدرلحظـهوروداولـيننيروهـايزرهيدرآنشبشومومراکزفرماندهيمستقردرجنگلنيروهايدموکراتدرمانرپلاودر **»** برمه **"** آزاد **«** بود**.**

گاهيازمناطقشکستخوردهبازديدميکردم**.** مثلبرجتلويزيونوقبرستانويلنيـوس،پـارکعمـوميريگـاکـهانسانهادرآنکشتارشدهبودند،مرکزفرارادرايتاليايشماليکهفاشيستهادرآنجامقاومتکنندگانرابهخـطکرده،گلولهباراننمودهبودندوقبرستانسادهايدرمانرپلاوکهازجسدهايمردانيکهبرايمـردنهنـوزجـوانبودندانباشتهبود**.** اينحقيقتيناراحتکنندهاستکهردپاياستبداد،ويرانيومرگاست**.**

اينمسائلواينتجربياتعقيدهايرادرمنتقويتکردمبنيبراينکهشايدجلـوگيريازايجـادوادامـهحيـاتديکتاتوريهاامکانپذيرباشد**.** فکرميکردمبايدراهيباشدتابتوانازطريقمبارزههاييموفقوباکمتـرينميـزانکشتارمتقابل،ديکتاتوريهايفعليرامتلاشيکردوجلويبرخاستنديکتاتوريهايجديدازميـانخاکـسترهايآنراگرفت**.**

منتلاشنمودهامبادقتبهکاراترينروشهابرايشکستدادنديکتاتوريهابيانديـشم **.** روشهـاييکـهتـاحـدامکانکمترينرنجرابهافرادواردکندوتاحدممکنباعثازميانرفتنجانانسانهـانـشود **.** درايـنتـلاشبـهسالهامطالعهامدربارهديکتاتوريها،نهضتهايمقاومت،انقلابها،افکارسياسي،سيستمهايحکومتيوبخصوصمبارزاتواقعبينانهبي‐خشونتتوجهنمودهام**.**

نوشتهحاضرحاصلاينتلاشاست **.** البتهمطمئنهستمکهتـاکمـالراهبـسياريبـاقياسـت،امـاشـايدبتوانـدراهنمايبرنامهريزيحرکتهايآزاديگرايانهايباشدکهازهميشهموثرتروقدرتمندترعملکنند**.**

بنابهضرورتوهمچنينانتخابآگاهانه،تمرکزايـنکتـاببـررويروشهـايعمـوميمبـارزهبـاديکتـاتوريوجلوگيريازبهوجودآمدنحکومتهاياستبداديجديداست**.** منصلاحيتتحليلموشکافانهوتجويزنسخههـايمبارزهبرايکشورهايخاصيرادارانيستم **.** امابههرحالآرزويامايناستکـهايـنتحليـلعـامبـرايمـردم‐متاسفانه‐بسياريکهتحتحکومتهاياستبداديزندگيومبارزهميکنندمفيدواقعشود **.** لازماستکـهآنهـااعتبارايننظرياترادرکشورخودبيازمايندوباگسترشايننظرياتآنهارابرايموقعيتهاوشرايطويژهخـودقابلاجراسازند**.**

درنوشتناينکتاب،مديونافرادزياديهستم**.** بروسجنکينز،دستيارويژهامکهبرايتشخيصايراداتدرمحتواوارائهمطالب،همکاريارزشمنديداشت **.** ويدرعينحالپيشنهادهايارزندهايبرايسـاختاربنديدوبـارهکتـاب،بازبينيهاينوشتاريوسادهسازيبعضيازمطالبدشوارارائـهداد**.** همچنـينسپاسـگذارهميـاريهـاينوشـتارياستفانکوديهستم **.** دکترکريستوفرکروگلروروبرتهلويانتقادهاوپيشنهادهايبسيارمفيديارائهدادند **.** دکترهازلمکفرسونودکترپاتريشياپارکمنبهترتيباطلاعاتيدربارهمنازعاتدرآفريقـاوآمريکـايلاتـينبـهمـندادند**.** هرچندکهايناثرازکمکها،حمايتهاومحبتهايبسياريازافراداستفادهبردهاست،مـسووليتتمـاميتحليلها ونتيجهگيريهايموجوددرآنبااينجانباست**.**

درهيچکجايايناثرتصورنشدهاستکهمبارزهبـاديکتاتورهـاتلاشـيسـادهوبـيهزينـهاسـت **.** هـرمبـارزهايپيچيدگيوهزينههايخاصخودرادارد **.** مبارزهباديکتاتورهاهم،مطمئناصدماتيخواهدداشتامااميدمنايـناستکهاينتحليلرهبرانمقاومترابهطراحياستراتژيهاييبرانگيزدکهدرعيندارابـودنبيـشترينقـدرتوبيشترينتاثيرگذاري،کمترينصدماترانيزموجبشوند**.**

علاوهبرايننبايدازاينتحليلبرداشتشودکهباسرنگونييکديکتاتور،تماميمشکلاتديگرنيزحلخواهـدشد**.** سقوطهيچرژيمتماميتخواهبهمدينهفاضلهنميانجامدبلکهتنهـاراهـيرامـيگـشايدکـهمـردمازطريـقسختکوشيوتلاشهايطولانيبتوانندروابطاجتماعي،اقتصاديوسياسيجديـديبرقـرارکننـدوايـنروابـطجديدبهنوبهخودبتوانندبيعدالتيهاوجوررانابودسازند **.** اميدمنايناستکهاينتحليلمختصرازروشهـايمبارزهبارژيمهاياستبداديوچگونگيمتلاشيکردناينحکومتهابرايمردمتحـتانقيـاديکـهاميـدآزاديدارندمفيدواقعشود**.**

**جين شارپ ۶ اکتبر ۱۹۹۳**

**فصل اول**

**مواجهه واقع بينانه با ديکتاتوريها**

درسالهاياخيربسياريازديکتاتوريها‐باريشههايداخليياخارجي‐درمواجههبـامبـارزاتسـازمانيافتـهمردمسقوطکردهويامتزلزلشدهاند**.** حتـيمـشاهدهشـدهاسـتکـهديکتـاتوريهـايبـسيارقدرتمنـد،ظـاهرارسوخناپذيرودارايبيشتريننيرويمحافظدربرابرمقاومتمسالمتآميزهماهنگسياسي،اقتصاديواجتمـاعيمردمتسليمشدهاند**.**

ازدهه۱۹۸۰ديکتاتوريهايبسياريدراستوني،لاتوياوليتواني،لهستان،آلمانشـرقي،چکـسلواکيواسـلووني،ماداگاسکار،مالي،بوليويوفيليپيندربرابرجنبشهايمردميبيخشونتتسليمشدهاند**.** مبـارزهبـيخـشونتدرنپال،زامبيا،کرهجنوبي،شيلي،آرژانتين،هائيتي،برزيل،اروگوئه،تايلند،بلغارسـتان،مجارسـتان،زئيـر،نيجريـهوبخشهايبزرگيازکشورهايتازهاستقلاليافتهازشورويسـابق **(** بخـصوصدرخنثـيکـردنکودتـاينظـاميآگوست۱۹۹۱ **)** نيزبهپيشرويجنبشهايدموکراسيخواهانهياريرساندهاست**.**

علاوهبراينها،درسالهاياخيرمبارزهطلبيهايتودهايسياسيدرچين،برمهوتبتنيزشکلگرفتهاند،هرچندکهاينمنازعههابهپيروزينهايينرسيدندوباعثسقوطديکتاتورهايحاکميااشغالگراننشدنداماچهرهبيرحـماينرژيمهايسرکوبگررابرايجامعهجهانيبهنمايشگذاشتندودرعينحالبرايمردمنيزتجربهايارزشمندازمبارزاتبيخشونتبرجاينهادند**.**

مطمئناسقوطديکتاتوريدرکشورهاينامبردهباعثازبينرفتنتماميمشکلاتديگراينجوامـعنـشدهاسـت **.**

فقر،جنايت،ناکارآمديبوروکراسيوتخريبمحيطزيستميراثرژيمهاياستبداديحيوانصفتهستند **.** امابـههرحال،سقوطاينحکومتهابرايحلمشکلاتمردميکهتابهامروزتحتستمبـودهانـد،جامعـهايبـاسـطحدموکراسيسياسيبالاتر،آزاديهايشخصيبيشتروعدالتاجتماعيگستردهتريفراهمميکنند**.**

**مشکلي هميشگي**

براستيدردهههاياخير،گرايشگستردهتريبرايآزادکردنجوامعوکسبآزاديدرجهانبهوجودآمدهاسـت **.** براساسآمارخانهآزادي١کههرسالهتحقيقيبراساسوضعيتحقـوقسياسـيوآزاديهـايمـدنيدرمنـاطقمختلفجهانانجامداده،کشورهارابراساساينمعيارهاطبقهبنديميکند،کشورهاييکهدرطبقـهبنـديآزادقرارميگيرندبهصورتدائميروبهافزايشاست**.**

وضعيت

سال

**آزاد**

**آزاد**

**نيمه**

**آزاد**

**غير**

**۱۹۸۳**

۵۵

۷۶

۶۴

**۱۹۹۳**

۷۵

۷۳

۳۸

جدول **(**۱‐۱**)** ‐توزيعکشورهابراساسسالووضعيتسياسي

امااينرونددلخوشکننده،بابررسـيجمعيتـيازجهـانکـهدرشـرايطاسـتبداديزنـدگيمـيکننـدوضـعيتواقعبينانهتريبهخودميگيرد**.** درژانويه۱۹۹۳،۳۱درصدازجمعيتتقريبا۴۵**/**۵ميلياردنفريجهاندرزيرسايهوحشتحکومتهاييزندگيميکردندکهدراينجدولغيرآزادطبقهبنديشدهاند،يعنيمنـاطقيکـهدرآنهـامحدوديتهايشديدسياسيوجودداردوآزاديهايمدنينقضميشوند**.** اين۳۸کشورو۱۲منطقهايکهتحـتعنوان **»** غيرآزاد **«** طبقهبنديشدهاند،مناطقتحـتسـلطهديکتـاتوريهـاينظـامي **(** ماننـدبرمـهوسـودان **)**،پادشاهيهايسنتيسرکوبگر **(** مانندعربستانصعوديوبوتان **)**،احزابمقتدرسياسي **(** مانندچين،عـراقوکـرهشمالي **)**،اشغالگرانخارجي **(** مانندتبتوتيمورشرقي **)** وحکومتهايانتقاليراشاملميشوند**.**

امروزهکشورهايبسياريدرحالتحولسريعاقتصادي،اجتماعيوسياسيهستند **.** باوجوديکهتعدادکشورهايآزاددردهههاياخيررشدداشتهامااينترسهميشهوجودداردکهدرنتيجهاينتحولاتسريعوبنيادينبعضيمناطقراهمعکوسرادرپيشگيرندوانواعجديديازديکتاتوريراتجربهکنند **.** گروههاينظامي،اشـخاصجـاهطلب،صاحبمنصبانبرگزيدهوگروههايسياسيدارايايدئولوژيهايخاص،هميشهتلاشميکننـدتـاعقايـدوخواستههايخودرابهديگرانتحميلکنند**.** کودتاهـاهميـشهرويدادهودرآينـدهنيـزرويخواهنـدداد **.** بـرايبسياريازجهانيانهنوزحقوقبنيادينانسانيوحقوقمشارکتسياسيپايمالميشـودودرآينـدهنيـزپايمـالخواهدشد**.**

متاسفانهگذشتههنوزبههمراهمااست **.** مشکلديکتاتوريعميقوريشهداراست**.** مردمدربسياريازکشورهابرايدهههايمتواليوحتيقرنهاازسلطهحکومتهايبيدادگر‐داخليياخارجي‐رنجبردهاند**.** هميشهتلاششـدهاستتااطاعتبيچونوچراازمنابعاقتدارورهبراناينحکومتهادرانـسانهـادرونـيشـود **.** درمـواردحـادتر،

1 Freedom House

نهادهاي اجتماعي،سياسي،اقتصاديوحتيدينيايکهبيرونازحوزهاقتداردولتقرارداشتهاندتعمـداتـضعيفشده،زيرسلطهقرارگرفتهوحتيبانهادهاييکهازطرفدولتويارهبروظيفهايجادکنترلاجتماعيرابرعهدهداشتهاندجايگزينشدهاند**.** مردمدراينحکومتهااتميزه٢شده **(** بهتـودهايازافـراديجـدايازيکـديگرتبـديلشدهاندکهتواناييهمياريبرايرسيدنبههدفيمشترکرانداشتهاند **)**،نتوانستهاندبهيکـديگراعتمـادکننـديـاحتيبهابتکارخودقدميبردارند**.**

نتيجهقابلپيشبينياست **:** مردمضعيفميشوندواعتمادبهنفسونيرويمقاومتآنهاازميانمـيرود**.** مـردمآنقدرميترسندکهنميتوانندنفرتخودازديکتاتوريوعطشخويشبرايآزاديراحتيبـرايخويـشاوندانيـادوستانخودابرازکنند **.** مردمازاينکهبهصورتعمليبـهمقاومـتعمـوميفکـرکننـدوحـشتزدهمـيشـوندوميگويند **»** مگرمقاومتفايدهايدارد؟ **«** اينمردمترجيحميدهندبهجايپرسيدناينسوال،بارنجيبيهـدفوآيندهايبدوناميدبهزندگيادامهدهند**.**

اينروزهاوضعيتزندگيدرحکومتهاياستبداديحتيازگذشتهنيزبدترشدهاست **.** درگذشتهبعضيازمـردممقاومتهايينشانميدادندوگاهبهگاهحرکتهاياعتراضيتودهايوتظاهراتيدربرابراستبدادانجامميگرفـت **.** گوييموقتاروحتازهايدرمردمدميدهشدهبود **.** درمواقعديگر،افرادمستقلوياگروههايکوچـکدرحمايـتازعقيدهخودوياتبليغآنوگاهتنهابـهمنظـورنمـايشحـضورمقاومـت،رفتارهـاياعتـراضآميـزشـجاعانهولـيبيفايدهايانجامميدادند**.** اينرفتارهاهرچنداصيلوباشکوهبودامابرايچيرگيبرترسمردموغلبـهبـرعـادتپيرويآنانازقدرت‐دوپيشنيازاساسيدرمبارزهباديکتاتوري‐تاثيرچندانينداشت **.** اينحرکتهانهتنهابـهپيروزيياحتيايجاداميددردلمردمنايلنميشدند،بلکهمتاسفانهدربعضيمواقـع،حتـيفـشارها،کـشتارهاورنجهايانسانيراشدتميبخشيد**.**

**آزادي از طريق خشونت ؟**

اکنونسوالايناستکهدراينشرايطچهبايدکرد؟راهحلهاييکهدراولينقدمبهذهـنمـيرسـند،غيرقابـلاستفادهاند؛قانوناساسي،قوانينقضاييوافکارعموميغالبابهسادگيازطرفديکتاتورهاناديدهگرفتهميشوند**.**

بهصورتيکاملامنطقيبامشاهدهبيرحميها،شکنجهها،مفقودشدنهاوکشتهشـدنهـامعمـولانتيجـهگرفتـهميشودکهتنهاخشونتميتواندبهديکتاتوريهاپاياندهد **.** قربانيانخشمگينخشونتهاواطرفيانآنهـاگـاهيعليرغممشاهدهعدمتوازنقوا،تلاشميکنندباجمعآوريونظمدهيبهنيروهايمخالفدولتوتجهيزآنهابـاتمامامکاناتيکهدراختياردارند،عليهديکتاتوريمبارزهکنند **.** اينمردمانباشجاعتمبارزهميکنندوهزينههايماديوجانيبسياريدرقبالمبارزهخودميپردازند**.** فضيلتاينمردممثالزدنياستامـااقـداماتآنـانتقريبـاهيچگاهبهآزادينميانجامد**.** اينشورشهايخشونتآميزتنهاماشـهسـرکوبيبيـشترمـردمتوسـطديکتـاتورراميچکانندوتودههارادروضعيتيبيدفاعترازگذشتهباقيمينهند**.**

بههرشکليکهبهمبارزهخشونتآميزنگاهکنيميکنکتههميشهبهچشمميآيد**.** درصورتانتخابخشونتبـهعنوانراهمبارزهپابهميدانينهادهايمکهديکتاتورهادرآنبرتريدارند **.** ديکتاتورهاهميشهخودرابرايبکارگيري

2 Atomized

خشونتدرمقياسيخارقالعادهمجهزکردهاند**.** دموکراتهاهرچقدرهمکهدوامبياورند،درنهايتمجبـورخواهنـدبودتادرمقابلحقايقخشننظاميسرتسليمفـرودآورنـد **.** ديکتاتورهـاتقريبـاهميـشهدرسـختافـزارجنگـي،تسليحات،حملونقلوحجمنيروهاينظاميبرتريدارندوآزاديخواهانتقريباهيچگاه،حتيباوجـودايمـانوارادهراسخشان،شانسيبرايپيروزينخواهندداشت**.**

وقتيکهشورشهايآزاديبخشنظاميسنتي،غيرواقعبينانهشناختهميشوند،عدهايازمخـالفينبـرمبـارزاتچريکيپافشاريميکنند**.** بههرحالجنگچريکيتقريباهيچگاهفايدهايبرايمردمتحتستمنداشتهوراهنمايدموکراسينبودهاست**.** مبارزهچريکيراهحلخوبينيست،خصوصابهايندليلکهدراکثرمواردمنجربهصدماتبسيارزيادبهمردمخوديميشود**.** حتيدرهنگاميکهتئوريهاواستراتژيهايدقيقدربارهاهدافوآرمانهـايجنبشچريکيوجودداردياحتياينجنبشازخارجپشتيبانيميشود،تضمينيبرايجلوگيريازبروزانحرافوخطادرآنوجودندارد **.** جنگهايچريکيمعمولابسيارطولانيهستندودربسياريازموارد،مردمغيرنظـاميبـاتحملرنجهايانسانيواجتماعيبسيار،توسطدولتمجبوربهتغييرمکانميشوند**.**

اگرهمجنبشهايچريکيبهپيروزيمنجرشوند،رژيمتازهسريعابرايمقابلهبهمثـلدربرابـربازمانـدگانرژيـمسابق،مستبدترازآنانعملخواهدکرد **.** اگردرنهايتپيروزيباچريکهاباشد،رژيمجديدبهخاطرتمرکزبـسياربالاينيروهاينظاميوضعفيانابوديگروههايمستقلاجتماعيوموسساتآنهادرطولمبارزه‐کـهاعـضايحياتيجامعهايآزادهستند **–** ديکتاتورمآبانهترازحکومتقبليخواهدبود **.** مخـالفينديکتـاتوريبايـدبـهدنبـالراهحلديگريباشند**.**

**کودتا، انتخابات، منجيان خارجي ؟**

کودتاينظاميعليهحکومتاستبداديشايددرظاهرسادهترينوسريعترينروشسرنگونييکرژيمتنفربرانگيـزباشد،امادرعملمشکلاتبسياريدراجراياينروشوجـوددارد **.** ازهمـهمهمتـراينکـهکودتـاينظـاميهـيچتغييريدرتوزيعنامتناسبقدرتميانمردم،اليت٣حاکمونيروهاينظاميايجادنميکند**.** بيرونراندنافـراديـاگروههايخاصازموقعيتهايدولتي،تنهاجاييخاليبرايافرادوگروههايفرصتطلبايجادميکند**.** درتئوري،اينافرادوگروهايجديدممکناستتساهلبيشتريازافرادوگروههايقبليداشتهباشـندوامکانـاتبيـشتريبرايپيشبردآزاديدراختيارمردمقراردهندوليمتاسفانهشقمعکوساينقضيهمحتملتراست**.**

گروههايجديدپسازتحکيمقدرتخودشايدظالمتروجاهطلبترازهمتايانقديميخودباشند،درنتيجهگروهجديد‐کهمردماميدبيشتريبهآنهاداشتند‐پسازتثبيتميتواندبدوندغدغهحقـوقبـشريـادموکراسـيهرگونهکهميخواهدعملکند**.** کودتاپاسخمناسبيبرايمشکلديکتاتورينيست**.**

رايگيريهاهمتحتحکومتهاياستبداديوسيلهايمناسببرايايجادتغييراساسيدرساختارسياسينيستند **.** بعضيحکومتهايديکتاتوريگاهيبرايحفظظاهردموکراتيکبودنخود،رايگيريهايينيزبرگزارميکننـد **(** شبيهبهرايگيريهايکشورهايبلوکشرقسابق **)** امااينرايگيـريهـا،درحقيقـتهمـهپرسـيهـايبـستهاي

3اليتيانخبگاندرجامعهشناسيوسياستبهگروهيازاشخاصومحافلاشارهميکندکهدرهرجامعهموقعيتهايبالارادراختيارخوددارندواينموقعيتهامعمولابينآناندستبهدستميشود**.**

هستندکهتنهابهمنظورصحهگزاردنمردميوانتخابيکـيازکانديـداهايدسـتچـينشـدهديکتـاتور،انجـامميشوند**.** اگرکانديداهايمخالفياجازهحضوردرانتخاباتبيابندوحتيبرگزيدههمبشوند **(** همانگونهکهدرسال۱۹۹۰دربرمهودرسال۱۹۹۳درنيجريهرويداد **)** نتايجانتخاباتبهسادگيازطرفديکتـاتورردخواهـدشـد**.**

گاهينيزکانديداي **»** پيروز **«** ارعابشـده،دسـتگيروحتـياعـداممـيشـود **.** ديکتـاتورهيچگـاهبـهسـادگيبـهرايگيريايکهويراازتختپادشاهيبهزيربکشد،اجازهبرگزارينخواهدداد**.**

گاهينيزافراديکهازحکومتهايديکتاتوريرنجميبرنديـاکـسانيکـهبـرايرهـاييازچنگـالديکتـاتوربـهتبعيدگاههايخودخواستهخارجيرفتهاند،باورنميکنندکهمردمتحتستمبتوانندخودراآزادسازند **.** ايـنافـراداميدخودرابهنيروهايخارجيميبندند**.** بهباورآنانفقطکمکبينالملليتوانکـافيبـرايبـهپـايينکـشيدنديکتاتورراداراخواهدبود**.**

اينديدگاهکهمردمانتحتستمتواناييعملکردموثررادارانيستند،دردورههايزمـانيخاصـيبـروزمـيکنـد **.**

همانگونهکهذکرشد،دراينبرهههامردمتحتستمنااميدبودهوموقتاتوانمبارزهراازدستميدهندچـراکـهاعتمادبهنفسلازمبرايمواجههباديکتاتوريراازدستدادهوراهيبراينجـاتخـويشنمـيشناسـند**.** درايـنشرايططبيعياستکهعدهاياميدرهاييرابهديگرانمـيبندنـدومنتظـردخالـتهـاينيروهـايبيگانـهبـاقيميمانند**.** ايننيروينجاتدهندهخارجيميتواندمحصولاتفاقنظرکشورهايديگر،سازمانمللمتحد،کشوريخاصياتصويبقوانينبينالمللياقتصاديوسياسيعليهديکتاتوريموجوددرکشورباشد**.**

اينسناريوبهنظردلچسبميآيداماموانعبزرگيدرراهاعتمادوتوکلبهمنجيانبيگانهوجوددارد **.** اينتوکـلواعتمادشايداصولابيموردباشدچراکهمعمولاهيچمنجيخارجياي‐کهعملادخالتکند‐وجودنـداردواگـردولتيخارجيبرايتغييروضعيتمداخلهکند،معمولانبايدبهآناعتمادکرد**.**

دراينجالازماستبهچندحقيقتناگوارکهمعمولادرپشتپردهانتظارکشيدنبرايدخالـتکـشورهايبيگانـهوجوددارداشارهکنيم**:**

کشورهايديگرمعمولابهمنظورارتقاءوضعيتاقتصاديوسياسيخودبادولتهايديکتاتوريمداراکردهوياحتيازآنهاحمايتميکنند**.**

کشورهايبيگانهشايدترجيحدهندتابهجاينگاهداشتنمهاجرانيکـهبـرايآزاديکـشورخـودتـلاشميکنند،مردمتحتستمرادربرابراهدافديگرمعاملهنمايند**.**

بعضيازدولتهايخارجيتنهابرايبهدستآوردنکنترلاقتصادي،سياسيونظاميبرکـشورها،عليـهديکتاتوريهايموجوددرآنفعاليتميکنند**.**

نيروهايبيگانهتنهادرصورتيبهصـورتفعـالبـراينجـاتکـشوريمبـارزهمـيکننـدکـهپيـشاپيشمقاومتهايداخليشروعبهلرزاندنپايههايديکتاتوريکردهوازاينطريقستمگيريهايايـنرژيـمرابهجهانياننشاندادهباشد**.**

ديکتاتوريهادروهلهاولبهخاطرشيوهتقسيمقدرتداخليبهحياتخويشادامـهمـيدهنـد**.** درايـنوضـعيتجامعهوتودههايمردمبرايايجادمشکلبرايديکتاتوربيشازحدضـعيفهـستندوثـروتوقـدرتدردسـتعدهايمعدودازافرادانباشتهشدهاست **.** عليرغماينکهديکتاتوريهاممکناستازعملکـردنيروهـايبـينالمللـيمتاثروحتيتضعيفشوند،ادامه حياتآنهادرنهايتوابستهبهعواملداخلياست**.**

درصورتوجودحرکتهايمخالفداخلي،حمايتهايجهانيازآنهاميتواندبسيارمفيدواقعشود **.** بـرايمثـالتحريمهاياقتصاديبينالمللي،ممنوعيتها،قطعروابطديپلوماتيک،اخراجازسازمانهايبينالمللـي،محکوميـتتوسطبخشهايمختلفسازمانمللمتحدومواردمشابهميتواندکمکعظيميبرايايـنحرکـتهـاباشـد **.** بـههرحال،درغيابيکنهضتمقاومتقدرتمندداخلي،احتمالوقوعمواردبالاکمبوده،درصـورتاجـرانيـزتـاثيرچندانينخواهندداشت**.**

**مواجهه با واقعيت**

برايبهزانودرآوردنديکتاتورباکمترينهزينه،چهارقدماصليبايدبرداشتهشود **:**

۱**.** لازماستاراده،اعتمادبهنفسومهارتهايمربوطبهمقاومتدرمردمتحتستمتقويتشود**.**

۲**.** لازماستگروههاياجتماعيمستقلوسازمانهايويژهمردمتحتستمايجادوتقويتشود**.**

۳**.** لازماستنيرويداخليقدرتمنديايجادشودو

۴**.** لازماستطرحاستراتژيکخردمندانهايبرايکسبآزاديطراحيشده،بامهارتاجراشود**.**

مبارزهبرايکسبآزادي،هنگامهاتکايبهخودگروههايدرگيروتقويتقـوايحاضـردرمبـارزاتداخلـياسـت **.**

همانگونهکهچارلزاستوارتپارنل٤در۱۸۷۹درجمعايرلندياناعتصابيعليهاجارههايانگلستان،گفتهاست **:**

**»** تکيهبردولتهيچسوديندارد **. . .** لازماستتنهابرارادهخوداتکاکنيـد **. . .** بـاايـستادندرکناريکديگرخودراياريکنيد **. . .** کسانيکهضعيفهستندراتقويتکنيد **. . .**،پيوندهارابـينخودبرقرارکنيد،خودراسازماندهيد **. . .** وپيروزخواهيدشد**.**

وقتيکهتقاضايخودرابرايبهکرسينشاندنآمادهکرديد،آنگاهونهپـيشازآن،بـهکرسـيخواهدنشست**. «**

بادارابودننيروييصاحبقدرتومتکيبهخود،ودرصورتاتخاذيـکاسـتراتژيهوشـمندانه،عمـلشـجاعانهمنضبطواستفادهازنيرويياصيل،هرديکتاتوريايسرانجامفروخواهدريختامادرابتدايراهچهارگاماساسـيبالابايدبرداشتهشوند**.**

همانگونهکهدراينبحثمشاهدهکرديد،آزادشدنازقيدديکتاتوريهانهايتاوابستهبهعملکردمردمياسـتکـهميخواهندآزادزندگيکنند **.** موارديازانواعمبارزهطلبيهايسياسييامبارزاتبيخشونتکهذکرشد،نشاندادکهاينگونهمبارزاتوسيلهخوبيبرايدستيابيبهآزاديهستند،ولياينگزينههنوزتوسعهچندانينيافتهاسـت **.** درفصلهايبعديتلاشميشودبامعرفيوتشريحدقيقمبارزهبيخشونتراهيموثربرايمقابلهباديکتاتوريهانشاندادهشود **.** البتهدرابتدالازماستبهمبحثمذاکرهبهعنوانراهيبرايعقـبرانـدنديکتـاتوريهـانگـاهيبياندازيم**.**

4رهبرمبارزاتمردميايرلندعليهانگلستان**.** ازشاخصهايکارويتاکيدبرمبارزاتپارلمانيبهجايتوسلبهخشونتبود**.**

**فصل دوم خطرات مذاکره**

همانگونهکهدرفصلاولبررسيشد،درمواجههبا مشکلاتبسياريکهدررودررويـيبـاديکتـاتوريوجـودداردعدهايازمردمممکناستبهوضعيتفرمانبرداريمنفعلانهعقبنشينينمايند**.** ديگرانبانااميدشدنازدستيابيبهدموکراسي،ممکناستتفوقپايدارديکتاتوريراپذيرفته،اميدوارباشندتاازطريقمذاکرهومـصاحلهوتوافـقبتوانندبهعناصريمثبتدستيافته،بهوحشيگريهاخاتمهدهند**.** ظاهرافقدانگزينـههـايواقـعگرايانـه،باعـثاينچنينتفکراتياست**.**

مبارزهجديعليهديکتاتورهايبيرحم،چشماندازمطبوعيندارد **.** پسچرابايددراينمسيرقدمبگذاريم؟آياهرفردينميتواندمنطقيباشدوراههاييبرايگفتگوبيابدوتلاشنمايدتاازطريقمذاکرهبهصـورتتـدريحيبـهديکتاتوريموجودخاتمهدهد؟آيادموکراتها نميتوانندبامتوسلشدنبهحسانسانيتديکتاتور،ويرانـسبتبهكمكردنتدريجيسلطهاشمتقاعدکنندوبااينروش،درنهايت،حکومتيدموکراتيکبوجودآورند؟

گاهياستدلالميشودكهحقيقت،بهتمامي،دريکطرفنيست **.** شايدديکتاتورهاييکـهدرشـرايطسـخت،بـهخوبيعملکردهاندازسويدموکراتهابهخوبيدرکنشدهاند،ياحتيشايدعدهايتـصورکننـدکـهديکتاتورهـاممکناستازطريقتشويقوتذکر،رضايتمندانهخودراازشرايطسختيکهبرجامعهحکمفرماشدهاست،حذفکنند**.** ممکناستاستدلالشودکهبهديکتاتورهاميتوانراهحل **"**برد‐برد**"**يپيشنهاددادکهدرآنهردوطرفسودببرند **.** صبحتازاينميشودکهدرصورتيکهنيروهايدموکرات،بهصورتصـلحآميـزبـهمنازعـاتخاتمـهدهند **(** کهاينامرممکناستباهمكاريافرادخبرهياحتيدولتيخارجيانجـامگيـرد **)**،احتيـاجيبـهتحمـلخطراتورنجهايمبارزاتآتينخواهدبود **.** آيااينراهحل،ازمبارزهايسخت‐حتياگرنهيکجنگنظامي،کهمبارزهايبي‐خشونت‐بهترنيست؟

**شايستگي ها و محدوديتهاي مذاکره**

مذاکراتابزاريبسيارمفيددرحلردهخاصيازمشکلاتهستندودرزمانيکهکارآييدارند،بههيچوجهنبايـدفراموشيانفيشوند **.** دربعضيازموقعيتهاوبههنگاميکهصحبتبرسرموضوعاتبنياديننيست‐وبههمينخاطرمصالحهقابلقبولاست‐مذاکرهيکيازبهترينراههايحلنمودنکشمکشهااست**.** اعتصابکـارگريبـهمنظوربالابردنسطحدستمزدهامثالخوبيازکاربردمناسـبمـذاکرهدريـککـشمکشاسـت **:** وضـعيتمـوردمصاحلهنهايياحتمالاجاييبينابيننظرهريکازدوطرفخواهدبود **.** اماکـشمکشهـايکـارگريکـهازطريـقاتحاديههايقانونيصورتميگيردکاملابامنازعهايکهدرآنبحثبرسروجودديکتاتوريايسـتمگروتاسـيسنظاميمبتنيبرآزاديهايسياسياستتفاوتدارد**.**

هنگاميکهبحثبرسرموضوعاتبنيادينمرتبطبااصولديني،آزاديانسانييـاپيـشرفتوتوسـعهآينـدهيـکجامعهاست،مذاکرهديگرراهحليمناسببرايرسيدنبهنتيجهايرضايتبخشبـرايدوطـرفنيـست **.** بـرسـربعضيموضوعاتنميتوانمصالحهنمود **.** تنهاتغييردرروابطقدرتبـهنفـعآزاديخواهـانمـيتوانـدآنگونـهکـهشايستهاست،ميتواندازکيانموضوعاتپايهايحراستنمايد **.** اينتغييرنتيجهمبارزهاست،نهمذاکره **.** البتهايـنبهآنمعنانيستکههيچگاهنبايدازمذاکرهاستفادهکردبلکهنکتهايناستکهبدونوجوديکنيرويقدرتمنـددموکراتومخالف،مذاکرهراهيواقعبينانهبرايحذفديکتاتوريهاينيرومندنيست**.**

مطمئنادربسياريمواقعمذاکرهاصولاگزينهقابلانتخابينيست **.** ديکتاتورهاييکهکاملادرموقعيتخوداحساساطمينانميکنند،احتمالاپيشنهادمذاکرهازسويرقبايدموکراتراردخواهندکـرديـاپـسازشـروع،مـذاکرهکنندگاندموکراتممکناست **»** ناپديدشوندوديگرهرگزخبريازآنهابهگوشنرسد **«.**

**تسليم از طريق مذاکره ؟**

افرادمستقلوياگروههايمخالفديکتاتوريکهطرفدارمذاکرههستندمعمولاانگيزههايخوبيدارند**.** بخصوصدروضعيتيکهمبارزهايمسلحانهبرايچندينسالعليهديکتاتوريايبيرحمدرجريانبودهولينتوانستهباشـدبـهپيروزينهاييدستپيداکند،قابلدرکاستکهاکثريتمردمباهرمراموعقيدهسياسيطرفـدارصـلحباشـند **.** مذاکراتبخصوصدرمواقعيکهديکتاتوربهوضوحازبرترينظاميبرخورداراستوصدماتوخرابيهايناشيازجنگ،ديگربرايمردمقابلتحملنيستبهموضوعيقابلبحثدرميانگروههايدموکراتتبـديلمـيشـود **.** دراينوضعيتهرراهحليکهبتواندبهبعضيازخواستههايدموکراتهاجامهعملبپوشاندوبـهچرخـهخـشونتوخشونتمتقابلخاتمهدهد،شديداوسوسهکنندهخواهدبود**.**

مسلماپيشنهاد **"**صلح**"** ازطرفديکتاتوربهنيروهايمبارزدموکرات،پيشنهاديرياکارانهاستچراکهاگرديکتـاتوربخواهد،تنهادريکلحظهميتواندازجنگعليهکشوردستبکشدوخـشونتخاتمـهخواهـديافـت **.** آنهـااگـربخواهندميتوانندخودبدونهيچمعاملهايبرايبازپسدادناحتراموحقوقنوعبشر،آزادسازيزندانيانسياسي،خاتمهشکنجه،توقفعملياتنظامي،رهاکردنحکومتوعذرخواهيازمردمپيشقدمشوند**.**

درمواقعيکهديکتاتورهاقدرتکافيدارندولـيجنـبشهـايمقاومـتخـشمگيننيـزموجـودهـستند،احتمـالاديکتاتورهاعلاقمندخواهندبودتاازطريقمذاکرهبامخالفين،درزيرنقاببرقراريصلح،آنانرابهتسليمدعـوتکنند**.** دعوتبهمذاکرهشايدبهنظرخوشآيندباشدامادراتاقمذاکرهممکـناسـتخطـراتبـسياريدرکمـيننيروهايدموکراتخواهدبود**.**

ازطرفديگردروضعيتيکهنيروهايمبارزواقعاقدرتمندهستندونيروهايديکتاتوريحقيقتاتهديدميشـوند،ديکتاتورهااحتمالاتلاشخواهندکردتاباتوسلبهمذاکرهتاحدامکانکنترلخودبرکشوروداراييهـاراحفـظکنند**.** مشخصاستکهدرهيچيکازاينحالتهادموکراتهانبايدبانشستنبرسرميزمذاکره،بهپيشبرداهدافديکتاتوريکمکنمايند**.**

آزاديخواهانبايدباتمامدقت،مراقبتلههاييکهعمداازسويديکتاتورهادرروندمذاکرهگنجانـدهشـدهاسـت،باشند**.** وقتيمسائلپايهايهمچونآزاديهايسياسيدرمياناست،دعوتبهمذاکرهازطرفديکتاتورها،شـايدتلاشيباشدبرايتسليمنمودنصلحآميزنيروهايدموکراتوادامهروندخشونتهايدولتي**.** دعوتبهمذاکرهبرايپايانمبارزاتتنهادرحالتيبايدموردقبولنيروهايآزاديخواهواقعشودکهقدرتديکتاتورکاملاازبينرفتـهوويتنهادرخواستيکمسيرامنتااولينفرودگاهبينالملليراداشتهباشد**.**

**قدرت و عدالت در مذاکره**

حتياگراينگونهقضاوتدربارهمذاکره،برداشتيبيشازحدخشنبهنظربيايد،لازماستبعضيازديدگاههـايرمانتيکنسبتبهمذاکرهکميتعديلشوند **.** برايدرکروندمذاکره،احتياجبهفکريبازوبهدورازپيشداوريهاداريم**.**

مذاکرهبهمعناينشستندوطرفيکمجادلهبرسرميزوصحبتيبرابربرسرامورمجادلهآميزوحلمسائلمورداختلافيکهايجادکنندهمجادلهبودهاند،نيست **.** دونکتهبايدهميشهبهخاطرسپردهشوند **.** اولاينکهدرمذاكرات،عدالتنسبي،ديدگاههايمختلفواهدافنيستندكهمشخصکنندهمطلبموردمذاکرهاند **.** عـلاوهبـرايـنبايـدتوجهشودکهمحتوايتوافقنامهحاصلازمذاکرهتاحدبسيارزيـاديبـرپايـهظرفيـتقـدرتطـرفين،مـشحصميشود**.**

پيشازرفتنبرسرميزمذاکره،پرسشهايبسياردشواريبايدموردملاحظهقرارگيرند**.** درصورتيکـهدرپـشتميزمذاکرهطرفمقابلازرسيدنبهتوافقناتوانباشد،هريکازطرفيندرآيندهچهراههـاييبـرايرسـيدنبـهاهدافخودخواهندداشت؟اگرتوافقنامهايحاصلشد،درصورتيکهيکطرفعهدخودرابشکندوبـرخـلافتعهدنامهازنيروهايشبرايرسيدنبهاهدافخوداستفادهکند،طرفمقابلچکارميتواندبکند؟

گفتيمکهدرمذاکراتتوافقازطريقارزيابيدرستيانادرستبودنمسائلموردبحثحاصلنميشود**.** هرچندکهممکناستدرمورداينگونهموضوعاتبسياربحثشودامانتيجهنهاييبراسـاسارزيـابيميـزانقـدرتمطلـقونسبيگروههايدرگيرحاصلميشود**.** دموکراتهابراياينکهازنفينشدنحداقلخواستههايخودمطمئنشوند،چکارميتوانندبکنند؟ديکتاتورهابراياطمينانازحفظکنترلخودبرکشوروخنثيکردننيروهايمخالفچـهبايدبکنند؟بهعبارتيديگراگرتوافقنامهايحاصلشود،بهنظرميرسدبيشترازهمهحاصلتخمينهـريـکازطرفينازمقايسهظرفيتاعمالقدرتدوطرفمذاکرهوسپسمحاسبهچگونگيپايانمبارزهبهصورتبازخواهدبود**.**

درعين حالبايدبهاينموضوع توجهنمودکههريکازطرفينبرايرسيدنبهاهدافخودحاضربـهگذشـتنازچهچيزهاييهستند **.** درمذاکراتموفقمصالحهصورتميگيرد؛واينيعنيتقسيماختلافات**.** هرطرفبهبخـشيازچيزيکهميخواهدميرسدوبخشيازاهدافخودرارهاميکند**.**

دروضعيتديکتاتوريمطلقنيروهايپيشرودموکراسيچهچيزيبرايواگـذاريبـهديکتـاتوردارنـد؟نيروهـايپيشرودموکراسيکدامدرخواستهايديکتاتوريرابايدبپذيرند؟آيالازماستدموکراتهامطابققـانوناساسـينقشيپايداردردولتآيندهبهديکتاتور **(** چهاحزابسياسيوچهدستهجاتنظامي**)** بدهنـد؟درايـنصـورتازدموکراسيچهچيزيباقيميماند؟

حتياگرفرضکنيمکههمهچيزدرمذاکرهخوبپيشبرود،آنگـاهلازماسـتبپرسـيم **:** نتيجـهچگونـهصـلحيخواهدبود؟آيازندگيبهترازوضعيتيخواهدبودکهدموکراتهامبارزهراشروعکردهوياادامهميدادند؟

**ديکتاتورهاي قابل سازش**

ديکتاتورهاممکناستمحرکهاوانگيزههايمختلفيبرايتحتسلطهدرآوردنداشتهباشند **:** قـدرت،موقعيـت،ثروت،تغييرشکلجامعهومواردمشابه **.** بايددانستکهدرصورتکنارهگيريديکتاتورازموقعيتفعلي،هيچيکازايناهدافوانگيزههابرايويقابلدستيابينخواهدبود **.** درمذاکرهديکتاتورتلاشخواهدکردتااهدافخويشراحفظنمايد**.**

عليرغمهروعدهوپيمانيکهديکتاتورهادرتوافقنامهحاصلازمذاکرهتقبلکنند،نبايدفرامـوشکـردکـهايـنوعدههاباهدفتحتسيطرهنگاهداشتنمخالفاندموکراتدادهشدهانـدوديکتـاتورهرگـاهبخواهـد،بـيشـرمانهتوافقنامههارازيرپاخواهدگذاشت**.**

اگردموکراتهابهمنظوربهتعويقانداختنسرکوبها،توقفمبارزاترابپذيرند،بهاحتمالزيادناكامخواهندشد **..** توقفمبارزهتقريباهيچگاهباعثتقليلسرکوبيهانشدهاست**.** همينکهمهارنيروهايمخالفتداخليوخـارجيازبرابرديکتاتوربرداشتهشود،وياحتمالاوحشيانهترازقبلبهاعمالفشاروخشونتخواهدپرداخت **.** ازميانرفـتنمقاومتهايمردميمعولانيرويمقاوميکهباعثمحدوديتبکارگيريخشونتازسـويديکتـاتورمـيشـودراازميانميبرد**.** حاکممستبددراينوضعيتخواهندتوانست،عليههركسيكهارادهكند،عملنمايـد **.** همانگونـهکـهکريشنالالشريدهارانيگفتهاست **: "** حاکممستبدتنهابهدليلپايينبودنتوانمقابلهدرما،قدرتضربهزدنبهماراپيداميکند**. "**

مقاومت‐ونهمذاکره‐برايايجادتغييردرمنازعاتيکهدرآنهابحثبرسـرموضـوعاتبنيـادياسـت،حيـاتياست**.** تقريبادرتماميموارد،مقاومتبايدتاخروجکاملديکتاتورازقدرتادامهپيداکند **.** پيروزيدربيشترمواقعنهازطريقتوافقحاصلازمذاکرهکهازطريقاسـتفادههوشـمندانهازمناسـبتـرينوقـدرتمنـدترينابزارهـايمقاومتيبهدستميآيد**.** صحبتما‐همانگونهکهدرفصلهايبعديبهتشريحبيانخواهدشد‐ايـناسـتکـهمبارزهطلبيسياسييامبارزهغيرخشونتآميز،قدرتمندترينابزارمبارزاتيبرايکسبآزادياست**.**

**چگونه صلحي ؟**

اگراصولاقرارباشدکهدموکراتهاوديکتاتورهابايکديگرمذاکرهنمايند،بهدليلمخاطراتموجود،بهتفکربـسياردقيقنيازاست **.** هرکسيکهازواژهصلحاستفادهميکند،لزومامقصودشصلحباآزاديوعـدالتنيـست **.** اطاعـتمطلقدربرابرظلموپذيرشمنفعلانهديکتاتورهايستمگريکهعليهصدهاهزارانسانمرتکببيرحميشـدهانـد،صلحنيست **.** هيتلرهمادعايصلحداشت،صلحيکهمنظورازآناطاعتبيچونوچرادربرابرارادهويبود**.** صلحديکتاتورمعمولاچيزيبيشترازآرامشزندانوگورستاننيست**.**

خطراتديگريهموجوددارند **.** مذاکراتيکهبانيتخوبشروعشدهاندگاهيدراهدافآنوحتيدرنفسرونـدمذاکرهدچارسردرگميميشوند**.** علاوهبراينمذاکرهکنندگانطرفداردموکراسيويامتخصصينمذاکرهخـارجيکهقبولکردهاندبهروندمذاکرهکمککنند،ممکناستدرقدماول،مشروعيتي٥محلييابينالملليبهديکتاتوراعطانمايندکهپيشازاينبهدلايلمختلفازجملهتصرفغيرقانونيدولت،نقضحقـوقبـشر،سـفاکيهـاو **. . .**

فاقدآنبودهاست **.** بدونوجوداينمشروعيتسختموردنياز،ديکتاتورهانميتوانندبهفرمانرواييبيحـدومـرزخودادامهدهند**.** نمايندگانصلحنبايدفراهمکنندهمشروعيتبرايديکتاتورهاباشند**.**

**دلايل براي اميدواري**

همانگونهکهپيشازايناشارهشد،رهبراننيروهايمخالفممکناستبهدليلنااميـديازمبـارزاتدموکراتيـکتنبهمذاکرهبدهند**.** اماايناحساسضعفونااميديقابلتغييراست **.** ديکتاتوريپايدارنيست **.** مردميکـهتحـتحکومتهايديکتاتوريزندگيميکنندنبايدضعيفبمانندوبهديکتاتورهاهمنبايداجـازهدادهشـودتـابـصورتنامحدودقدرتمندباقيبمانند **.** ارسطوقرنهاقبلگفتهاست **: »** اليگارشيوحکومتهاياستبداديکمترينعمـررادرميانانـواعنظـامهـادارنـد **. . .** درطـولتـاريخ،حکومـتهـايمـستبدهـيچگـاهعمـردرازينداشـتهانـد **.«** ديکتاتوريهايامروزينهمآسيبپذيرند؛ميتوانبهضعفهايآناندامنزدوقدرتديکتاتورهارامتلاشـينمـود **(**درفصلچهارباجزئياتبيشتريبهايننقاطضعفخواهيمپرداخت**.).**

تاريخمعاصرصدمهپذيربودنديکتاتوريهارانشاندادهوروشنساختهاستکهاينحکومتهاممکـناسـتدربازهزمانينسبتاکوتاهيفروبپاشند **:** فقطيکدهه **(** ۱۹۸۰تا۱۹۹۰ **)** کافيبـودتـاديکتـاتوريکمونيـستهـادرلهستان،درآلمانشرقيودرچکسلواکيکهدر۱۹۸۹اينزمانچنـدهفتـهبيـشترطـولنکـشيد،فروبريـزد **.** درالسالوادوروگواتمالامبارزاتعليهديکتاتوريهاينظاميکاملاآمادهشدهبرايمقابله،هرکـدامتنهـابـهحـدوددوهفتهوقتنيازداشتند **.** رژيمنظاميقدرتمندشاهايراندرطولچندماهفروريخت**.** در۱۹۸۶ديکتاتوريمـارکودرفيليپيندربرابرفشارهايمردميطيچندهفتهسقوطکرد **:** دولتايالاتمتحدهباآشکارشـدنقـدرتنيروهـايمخالف،بهسرعتحمايتازرييسجمهورمارکورارهاکرد **.** درشورويودرآگوست۱۹۹۱تـلاشبـرايکودتـايارتجاعيدرطولچندروزبامبارزهطلبيهايسياسيمردممتوقفشد **.** پسازآننيز،بسياريازرايدهندگانيکهسالهايسالتحتسلطهبودهاندفقطدرطولچندروز،چندهفتهوياچندماهتوانستهانداسـتقلالخـودرابـهدستبياورند**.**

5مشروعيتترجمهعبارتLegitimacyاستومنظورازآنقانونيبودنوحقانيتاستوبا **"** مطابقشرع **"** بودنتفاوتدارد**.**

اينباور عموميسنتيکهابزارهايخشونتآميزهميشهسريععملميکنندودرمقابلابزارهايغيرخشونتآميـزهميشهبهزمانزياديبرايپيروزينيازدارندبههيچرويصحيحنيست **.** هرچندکهبرايايجـادتغييـردرسـطحزيرينجامعهمعمولابهزمانزيادياحتياجاست،امادرمبارزاتغيرخشونتآميزنبردحقيقـيعليـهديکتـاتورينسبتاسريعرويميدهد**.**

مذاکرهتنهاگزينهموجودبراياجتنابازادامهجنگينابودگردريکسووتسليمديکتـاتورشـدندرسـوييديگـرنيست**.** مثالهاييکهارائهشد‐بههمراهمثالهايفصليک‐نشانميدهدکهبرايکـسيکـهصـلحوآزاديراتواماميخواهدگزينهايديگرنيزوجوددارد **:** مبارزهطلبي سياسي**.**

**فصل سوم**

**قدرت از کجا ميآيد ؟**

بهطورقطعدستيابيبهآزاديازطريقصلحکارسادهاينيستورسيدنبـهايـنهـدفنيـازبـهمهـارتبـالاياستراتژيک،تشکيلاتوبرنامهريزيدارد**.** علاوهبرهمهاينهارسيدنبهآزادينيازمندقدرتهمهست**.** دموکراتهابدونبهکارگيريموثرقدرتخود،نميتوانندبهپايينکشيدنديکتاتوريوتاسيسآزاديسياسياميدوارباشند**.**

وليدستيابيبهاينامرچگونهامکانپذيراست؟دموکراتهايمخالفتوانتجهيزچهنوعقدرتيرادارندکهبراينابوديديکتاتورهاباوجودتماميشبکههاينظاميوپليسياشکافيباشد؟پاسخاينسوالدردرکمفهومغالبـاناديدهگرفتهشدهقدرتسياسينهفتهاست **.** درکاينديدگاهکارسختينيـست **.** برخـيحقـايقاساسـي،بـسيارسادهاند**.**

**افسانه ارباب ميمون ها**

تمثيليچينيومتعلقبهقرنچهاردهمازليوجي‐برايمثال‐بهخوبيمفهومموردغفلتواقـعشـدهقـدرتسياسيراآشکارميکند **:**

دراستانملوکالطوايفيچوپيرمرديازطريقميمونهاييکهبهخدمتخـودگماشـتهبـود،زنـدگيراميگذارند**.** مردمچوبهويجو‐کونگ **(** اربابميمون **)** ميگفتند**.**

پيرمردهرروزصبحميمونهارادرحياطبهصفميکردوبهکهنسالترينآنهادستورمـيدادتـابقيـهميمونهارابرايجمعآوريميوهازبوتههاودرختانبهسمتکوههاراهنماييکند**.** قانوناينبودکـههـرميمونيميبايستيکدهمميوههايجمعآوريشدهخودرابهپيرمردمـيداد**.** کـسانيکـهازايـنکـارسرپيچيميکردندبيرحمانهشلاقميخوردند**.** تماميميمونهاازاينزندگيدررنجبودندوليهيچيـکازآنهاجراتشکايت نداشت**.**

يکروز،ميمونکوچکيازديگرميمونهاپرسيد **: »** آياپيرمردايندرختهاوبوتههـايميـوهراکاشـتهاست؟ **«.** ديگرانپاسخدادند **: »** نه **!** آنهادرطبيعترشدکردهاند **«.** ميمونکوچکدوبارهپرسيد **: »** آيامابدوناجازهپيرمردنميتوانيمميوهبچينيم؟ **«.** ديگرانپاسخدادند **: »** آري،ميتوانيم**. «** ميمونکوچکادامهداد **: »** پسچرابايدبهپيرمردوابستهباشيم؟چرابايدبهويخدمتکنيم؟ **«.**

حتيقبلازاينکهميمونکوچکحرفخودراتمامکند،همهميمونهاناگهانبهآگـاهيرسـيده،بيـدارشدهبودند**.**

درهمانشبپسازبهخوابرفتنپيرمرد،ميمونهاتورهاوحصارهاياطرافحياطراپارهکرده،موانـعرابرداشتهوخودراآزادکردند **.** آنهاهمچنينميوههاييکهپيرمرددرانبارذخيرهکردهبودراباخودبـهجنگلبردهوهيچگاهبازنگشتند**.** سرانجامپيرمردازگرسنگيجانسپرد**.**

يو‐لي‐زيميگويد **: »** درجهانبعضيازآدمهاباحيلهونهباقوانينعادلانهبرمردمانشانحکومتميکنند**.** آيـااينمردمهمچوناربابميموننيستند؟اينآدمهاازنادانيخودآگاهنيستند،بهمحضاينکهمردمانآنهـابـهآگاهيبرسند،حيلههايآنانديگرکارگرنخواهدبود**. «**

**منابع مورد نياز قدرت سياسي**

اصلموضوعسادهاست **.** ديکتاتورهابههمکاريمردميکهبرآنهاحکمرانيميکنند،محتاجهـستند **.** همکـاريايکهبدونآننخواهندتوانستمنابعقدرتسياسيخودراتامينکردهوآنراابقاءنمايند **.** اينمنابعقدرتسياسيشاملمواردزيرميشوند **:**

**مشروعيت**،باورعموميدرميانمردمنسبتبهاينکهحکومتقانونياستوآنهانسبتبهفرمانبرداريازآن،تعهدياخلاقيدارند**.**

**منابع انساني،** تعدادواهميتافرادوگروههاييکهازحکاماطاعتکرده،باآنهاهمياريميکنندويـابـهحکامکمکمينمايند**.**

**مهارت و دانش،** برايحکومتبهمنظورانجاماعمالبخصوصموردنيازاستوتوسطافرادويـاگـروههـايهمياريدهندهتامينميشود**.**

**فاکتورهاي غيرعيني،** فاکتورهايروانيوايدئولوژيکيکهممکناستمردمراواداربهفرمانبرداريازحکام،ومساعدتبهآنهابنمايد**.**

**منابع مادي،** ميزانيازدسترسيواعمالنظرکهحکامبررويداراييها،منابعطبيعي،منابعمالي،سيـستماقتصاديووسايلارتباطيوحملونقلدارد**.**

**جريمه ها و کيفرها ،** بکارگيريوياتهديدبهبکارگيريمجازاتهابرضدمتمردينياکسانيکـهازهميـاريدريغميکنندبهمنظورکسباطمينانازاطاعتوهمياريآنان **.** اطاعتوهمياريايکهبرايبقايرژيـمواجرايسياستهايش ضرورياست**.**

بههرحال،تمامياينمنابع،وابستهبهپذيرشرژيم،فرمـانبرداريواطاعـتمـردموهميـاريتعـدادبيـشماريازانسانهاونهادهاياجتماعيباحکامهستند**..** تضمينيبراياستمرارهيچيکازاينمنابعوجودندارد**..**

همياريکاملواطاعتوحمايتمردم،دسترسيحکامبهمنابعقدرتراافـزايشمـيدهـدودرنتيجـهظرفيـتقدرتدولتافزايشمييابد**.**

ازسويديگربازپسگيريهميارينيروهايمردميونهادهاازمهاجمينوديکتاتورهـادسترسـيآنـانبـهقـدرتسياسيايکهبرايموجوديتخودبدانوابستههستندراکمرنگکردهيابکليازميانميبرد**.** بدوندسترسيبـهاينمنابع،قدرتديکتاتورکمشدهدرنهايتازميانميرود**.**

طبيعتاديکتاتورهانسبتبهاعمالوعقايديکهتواناييآنانبرايفعالمايـشاءبـودنراتهديـدمـيکنـدحـساسهستند**.** بههميندليلديکتاتورهاآنهاييکهنافرمانيکرده،اعتصابميکنندوياازهميـاريسـربازمـيزننـدرامجازاتمينمايند**.** امااينپايانداستاننيست **.** سرکوبي‐وحتيوحشيگري‐همهميشهباعثازسرگيريحديازاطاعتوهمياريکهبرايبقايرژيمضرورياست،نميشود

اگر‐باوجودسرکوبيها‐بتوانبرايمدتزمانکافيمنابعقدرترامحدودکردويـاحتـيقطـعنمـود،اولـيننتيجهشايدبهوجودآمدنترديدودستپاچگيدرداخلرژيمديکتاتوريباشد **.** اينقضيهباضـعيفشـدنآشـکارقدرتديکتاتوريادامهپيداخواهدکرد **.** درطولزمان،دريغکردنمنـابعقـدرتازديکتـاتورباعـثايجـادفلـجوناتوانيرژيمگشتهودرمواردحادتر،موجبفروپاشيرژيمخواهدشد **.** قدرتديکتاتورديريازودازقحطيسياسيخواهدمرد**.**

برخلافتصورعامه،حتيانحصارطلبترينديکتاتوريهاهمبهمردموجوامعيکهبرآنانحکممـيراننـدوابـستههستند**.** همانگونهکهدانشمندسياسيکارلدبليودوچدرسال۱۹۵۳بيانکرده **:**

قدرتتماميتخواهتنهاتازمـانينيرومنـداسـتکـهزيـادازآناسـتفادهنـشود **.** اگـرقـرارباشـدقـدرتتماميتخواهبهصورتدائميبرعليهمردمتحتسلطهاشاعمالشود،بعيداستمدتيطولانيقدرتمندباقيبماند**.** ازآنجاييکهحکومتهايتماميتخواهنسبتبهانواعديگردولتها،نيازبيشتريبهاستفادهاززوردرروابطخودبامردمدارند،لذانيازمندپايگاهمردميتروحمايتگستردهترينيزهستند **.** عـلاوهبـراينآنهابايدبتواننددرمواقعنيازبررويحمايتفعالبخشهايبزرگيازجامعهحسابکنند**.**

جانآوستين‐نظريهپردازرسميقرن۱۹انگلستان‐وضعيتديکتاتوريايکهبابيمهريمردماشمواجهاستراتشريحميکند**.** آوستيناستدلالميکندکهاگراکثريتمردمتصميمبهسرنگونکردنحکومتبگيرنـدودرايـنراهحتيحاضربهتحملسرکوبيهاهمباشند،تلاشحکومتوافراديکهازآندفاعميکننـد،حتـيدرصـورتدريافتکمکهايخارجينيزحاصلينخواهدداشت **.** آوستيننتيجهگيريميکندکهمردممبارزرانميتوانبـازوردروضعيتاطاعتوانقياددائمينگهداشت**.**

نيکولوماکياوليهمبسيارپيشازاينهااستدلالکردهبودکهشاهزاده **» ...**يکهتودهمردمرابهعنواندشمندربرابرخوددارد،نخواهدتوانستازخودمحافظتنمايدوهرچقدرظلمبيشتريبنمايد،رژيماشضعيفتـرخواهـدشد**. «**

نمونهسياسيبکارگيريعملي اينديدگاههاراميتوانهمانگونهکهدرفصلاولاشارهشددرتظاهراتنروژيهايقهرمانيکهدربرابراشغالنازيهامقاومتميکردند،درمبارزاتدليرانلهستاني،آلمانيها،چـکهـا،اسـلواکهـاومبارزاتمردمانديگريکهعليهديکتاتوريکمونيستهاجنگيدندودرنهايتباعـثشکـستکمونيـسمدراروپـاشدند،مشاهدهکرد **.** البتهمطمئنااينموضوعپديدهايجديدنيست **:** مواردمقاومتغيرخشونتآميـزحـداقلبـهسال۴۹۵ق**.**م**.** بازميگردد**.** هنگاميکهتودهمردمهمياريخودبانجيبزادگانروميراقطعنمودند**.** مبارزاتغيرخشونتآميزعلاوهبراروپا،بارهاوبارهانيزتوسطمردمآسيا،آفريقـا،آمريکـا،اسـترالياوجزايـرپاسـيفيکمـورداستفادهقرارگرفتهاست**.**

**مراکز قدرت دموکراتيک**

يکيازمشخصههايجوامعدموکراتيکوجودگروههاوموسساتمتعددغيردولتيومستقلازحکومتاست **.** ايـنگروههاوموسساتبرايمثالشاملخانوادهها،سازمانهايمذهبي،انجمـنهـايفرهنگـي،باشـگاههـايورزشـي،موسساتاقتصادي،اتحاديههايتجاري،انجمنهايدانشآموزيودانشجويي،احزابسياسـي،افـرادسـاکنيـکروستا،انجمنهايهمسايگي،باشگاهايباغباني،سازمانهايحقوقبشر،گروههايموسـيقي،انجمـنهـايادبـيوغيرهميشوند**.** اينتشکيلاتهمانگونهکهبرايرسيدنبهاهدافخودتلاشميکنند،نقشمهمـيدرپاسـخگوييبهنيازهاياجتماعينيزبرعهدهدارند**.**

بعلاوه،اينتشکيلاتمفاهيمسياسيمهميهمدارند **.** آنهازمينههاييراايجادمـيکننـدکـهازطريـقآنمـردمبتواننددرجهتدهياجتماعخودتاثيرداشتهباشندودربرابرديگرگروههـاودولـت‐بخـصوصدرمـواقعيکـهاحساسميکنندبهصورتناعادلانهازخواستهايآنانتخطيميکند‐مقاومتنمايند **.** افرادمنفـرديکـهعـضواينگروههانباشند،قادرنخواهندبودفشارقابلملاحظهايبرجامعه،وکمترازآنبردولت،ومطئمناهيچفشاريبرديکتاتورواردنمايند**.**

برآيندبحثفوقايناستکهاگرديکتاتوربتواندآزاديواسنقلالتشکيلاتمستقلغيردولتـيراازآنهـاسـلبکند،مردمنسبتاناتوانخواهندشد **.** همچنيناگراينموسساتخودبهصورتديکتاتوريتوسطرژيممرکزيادارهشوندوياتوسطسازمانهايجديدوکنترلشدهجايگزينگردند،ميتوانندبهعنـوانعـامليبـرايتحـتسـلطهدرآوردنمردموقسمتهايمختلفاجتماعباشند**.**

بههرحالاگربتوانآزاديواستقلالاينموسساتمستقلمدني **(** خارجازحيطهکنترلدولت **)** رابهدستآورد،وجوداينموسساتبرايمبارزهطلبيسياسيعنصربسيارمهميخواهدبود **.** نکتهمشترکتماميمثالهاييکهازسقوطوياتضعيفديکتاتوريهادراينکتابذکرشده،کاربردوسيعوشجاعانهمبارزهطلبيسياسيتوسطمردموموسساتمتعلقبهآناناست**.**

همانگونهکهذکرشد،اينمراکزقدرتشالودهموسساتيراتشکيلمـيدهنـدکـهمـردمازطريـقآنهـاخواهنـدتوانستبهديکتاتورفشارواردکرده،باويمقابلهکنند **.** درآيندهنيزاينتشکيلاتبخشيازنظاميـکجامعـهآزادخواهندبود**.** بههميندليلاستقلالورشدمستمرآنهاپيشنيازموفقيتمبارزاتآزاديخواهانهاست**.**

اگرديکتاتوريدرمقياسيگستردهموفقبهنابوديوياتحتکنترلدرآوردنتشکيلاتمـستقلاجتمـاعيبـشود،براينيروهايمقاومتبسيارمهمخواهدبودکهسازمانهاييجديدايجـادکـردهويـاکنتـرلدموکراتيـکرابـهتشکيلاتپيشينبازگردانند **.** درطيانقلابمجارستاندرسالهاي۱۹۵۶و۱۹۵۷شوراهايدموکراسـيمـستقيممحليبسياريپديدارشدندوحتيبرايچندهفتهباپيوستنبهيکديگريکسيـستمحکـومتيمتحـدازشـوراهاتشکيلدادنددرلهستاندهه۱۹۸۰نيزکارگراناتحاديههايهمبستگيغيرقانونيايايجادنمودندکهدرمـوارديحتيتوانستاتحاديههايرسميتحتنظارتکمونيـستهـاراتحـتکنتـرلخـوددرآورد **.** اينگونـهبـسطيـافتنموسساتميتواندپيآمدهايسياسيمهميداشتهباشد**.**

مطمئناهيچکدامازاينحرفهابهاينمعنانيستکهتضعيفوشکستدادنديکتاتوريهاکارسادهاياستوايننيزنبايداينگونهبرداشتشودکهتماميتلاشيها،قرينموفقيتخواهندبود **.** مطمئنامعنـايايـنحـرفهـاايـننيستکهمبارزهطلبيصدمهاينخواهدداشتچراکهآنهاييکههنوزدرخدمتديکتاتورهاهستنداحتمالابرايمجبورکردنمردمبههمياريواطاعت،بههرتلاشيدستخواهندزد**.**

ديدگاهبالادربارهقدرتبهاينمعناستکهتجزيهعمديوازهمفـروپاشـاندنهـرديکتـاتوريايممکـناسـت **.** ديکتاتوريهابطورخاصدارايمشخصاتبخصوصيهستندکهآنهارادربرابرمبارزهطلبيهايسياسـيماهرانـه،شديداآسيبپذيرميکند**.** اجازهبدهيدباجزئياتبيشترياينخصوصياترامطالعهکنيم**.**

**فصل چهارم**

**ديکتاتوري ها ضعفهايي دارند**

ديکتاتوريهامعمولاشکستناپذيربهنظرميرسند**.** دراينحکومتهـاسـازمانهـايجاسوسـي،پلـيس،نيروهـاينظامي،زندانها،بازداشتگاههاوجوخههاياعدامهمهوهمهتوسطعدهمعدوديازقـدرتمنـدانادارهمـيشـوند **.**

سرمايههايملي،منابعطبيعيوتوانتوليدکشورنيزبهروشيمستبدانهتوسـطديکتاتورهـاغـارتشـدهوبـرايحمايتازاهدافآنانمصرفميشود**.**

درمقابل،دموکراتهايمخالفبيشازحدضعيف،غيرموثروناتوانبهنظرميرسند**.** تصورآنشکستناپـذيريدربرابراينضعف،امکانوجودهرگونهنيرويمخالفموثريراازذهنميزدايد**.**

امااينهمهداستاننيست**.**

**تشخيص پاشنه آشيل**

افسانهايازيونانباستانصدمهپذيربودنرويينتنانخياليرابهخوبيآشکارميکند**.** هيچتيريبهآشيلجنگجوصدمهاينميزدوهيچشمشيريبربدناشکارگرنبود**.** چراکههنگاميکهآشيلکودکيخردسالبودمادرشويرادرآبرودخانهسحرآميزاستيکس٦فروبردهبودکهبدناشراازهرگونهگزنديحفاظتميکرد**.** امادراينميانمشکليوجودداشت **.** ازآنجاييکهمادرآشيلبرايغوطهورکردنفرزندشدرآبويراازپاشنهپايشگرفتهبود،آبسحرآميزبهپاشنهپايآشيلنرسيد **.** هنگاميکهآشيلمردبالغيشددربرابـراسـلحههـايتمـاميدشـمنان،صدمهناپذيربهنظرميرسيد**.** امادرنهايتدرجنگتروا،باراهنماييشخصيکهبهنقطهضعفويآگاهبود،يکـيازسربازاندشمنتيريبهسمتپاشنهآشيلرهاکرد؛تنهاجايآسيبپذيردربدنوي **.** اينحملـهبـرايآشـيلمرگباربود**.** امروزههمعبارت **"** پاشنهآشيل **"** بهقسمتحساسوضربهپذيراشخاص،برنامههاوموسـساتياشـاره

6درادبياتمااينرودخانهرارودخانهعالماسفلمينامند **(**م**)**

ميکندکهدرصورتحملهبهآن،نيرويمحافظيوجودنخواهدداشت**.**٧

قاعدهمشابهيبرايديکتاتورهايستمگرنيزصدقميکند**.** برهمهديکتاتوريهاميتوانغلبهکرد،امـادرصـورتيکهنقاطضعفآنهاشناساييوبررويآنهاتمرکزشود،اينپيروزيبسيارسريعتروبـاهزينـهايکمتـرحاصـلخواهدشد**.**

**ضعف هاي ديکتاتوري**

ازضعفهايحکومتهايديکتاتوريميتوانبهمواردزيراشارهنمود **:**

۱**.** ممکناستهمياريتعدادزياديازمردم،گروههاوموسساتيکهبرايعملکردسيستمضـروريهـستند،محدودشدهياقطعشود**.**

۲**.** ملزوماتونتايجسياستهايگذاشتهرژيمگاهيتوانپذيرشواجرايسياستهايجديدرامحدودکردهياآنراسلبميکند**.**

۳**.** ممکناستسيستمدرعملکردخوددچارروزمرگيشودودرنتيجهقادربهانطباقسريعباوضعيتهـايجديدنباشد**.**

۴**.** افرادومنابعيکهبرايانجاموظايففعلياختصاصدادهشدهاند،احتمالابرايرفعنيازهايجديدآمادگينخواهندداشت**.**

۵**.** افرادمادونممکناستازتـرسايجـادنارضـايتيدرمـافوقهـايخـود،اطلاعـاتصـحيحوکـامليکـهديکتاتورهابرايتصميمگيريبهآناحتياجدارندرادراختيارويقرارندهند**.**

۶**.**  ممکناستايدئولوژيهاکهنهشوندوافسانههاونمادهايسيستمپايداريخودراازدستبدهند**.**

۷**.** اگرايدئولوژيقدرتمنديارائهشدهباشدکهبربينشفردازحقيقتتاثيربگذارد،پايبنديبيشازحدبهآنممکناستباعثبيتوجهيبهشرايطونيازهايواقعيشود**.**

۸**.** بروززوالدرکارآييوتاکيدبيشازحدبربروکراسيواعمـالتنظيمـاتمرکـزيوکنتـرلهـايمفـرط،ممکناستسياستهاواعمالسيستمراناکارآمدکند**.**

۹**.** تضادهايموسساتداخليورقابتهاياحتيخـصومتهـايشخـصيميـانافـرادممکـناسـتعملکـردديکتاتوريرامختلکرده،آنراازهمبگسلاند**.**

۱۰**.** روشنفکرانودانشجويانممکناستدربرابرشرايط،محدوديتها،دکترينگراييهاوسرکوبهابيطاقـتشوند**.**

۱۱**.** تودهمردمممکناستدرطولزماننسبتبهرژيمبيتفاوت،شکاکوحتيدشمنشوند**.**

۱۲**.** هريکازاختلافمنطقهاي،طبقاتي،فرهنگيومليممکناستاوجبگيرند**.**

7روئينتنيدرشرقبهاسفنديارمنسوببودهوناحيهصدمهپذيزنيزچشماست؛چراکهاسفندياربههنگامواردشدنبهرودخانه،چشمخودرابستهبود**.**

۱۳**.** سلسلهمراتبقدرت درحکومتهاياستبداديهميشه دارايدرجاتيازبيثبـاتياسـت **.** گـاهيهـمايـنبيثباتيبسيارزياداست **.** افرادنهتنهادردرجهبنديخاصخودباقيميمانندکهممکناستبـهسـطوحبالاترياپايينترمنتقلشونديااصولاحذفشده،کسانديگريجايآنانرابگيرند**.**

۱۴**.** بخشهاييازنيروهاينظاميوپليسممکناستبرايرسيدنبـهاهـدافخـودحتـيدرتـضادبـاارادهديکتاتور‐مثلاکودتا‐عملنمايند**.**

۱۵**.** اگرديکتاتوريبهتازگيتاسيسشدهباشد،برايجايگزينكردنکاملرژيمخود،بهزماناحتيـاجخواهـدداشت**.**

۱۶**.**  ازآنجاييکهدرحکومتهايديکتاتورياکثرتصميماتتوسـطعـدهايمعـدودازافـراداخـذمـيشـوند،احتمالبروزاشتباهدرقضاوتها،سياستهاوکنشهابسياربالاست**.**

۱۷**.** اگررژيمبرايجلوگيريازبروزمشکلاتفوقازمراقبتهاوتصميمگيريهاتمرکززدايـينمايـد،خـودبـهخودکنترلشبراهرمهايمرکزيقدرتکمتروکمترخواهدشد**.**

**حمله به ضعفهاي ديکتاتوري ها**

باعلمبهاينضعفهايذاتي،دموکراتهايمخـالفبايـدبـهمنظـورايجـادتغييـراتتـاثيرگـذاردرسيـستميـافروپاشاندنکاملآن،بهدنبالتضعيفعمديهرچهبيشتراين **"** پاشنههايآشيل **"** باشند**.**

نتيجهسادهاست **:** باوجودظاهرقدرتمند،همهديکتاتوريهاضعفهاييدارند،ازجملهبـيکفـايتيهـايداخلـي،رقابتهايشخصي،ناکارآمديهايموسساتوتضادهايميانسـازمانهـاوادارات**.** ايـنضـعفهـادرطـولزمـانگرايشبهپايينآوردنبازدهيرژيمداشتهوآنرادربرابرتغييردروضعيتهاومقاومتهـايعمـديضـربهپـذيرميسازد**.** هرچيزيکهرژيمتصميمبهاجرايآنميگيرد،الزاماکاملنميشود**.** بهعنواننمونهبايدبدانيمکهحتيگاهيدستورهايمستقيمهيتلرنيزاجرانميشدچراکهافراديکهدرپايينسلسلهمراتبجايداشتند،ازاجرايآنسربازميزدند**.** همانگونهکهشاهدبودهايمگاهيحتيممکناسترژيمهايديکتاتوريخودبهخودفروبپاشند**.**

اينبدانمعنانيستکهديکتاتوريميتواندبدونتحملمخاطراتوتلفاتنابودشود**.** هرگونهجريانآزاديخواهانهمخاطراتورنجهايبالقوهايبههمراهداردوبرايعمليشدننيازمنـدزمـانمـيباشـد **.** مطمئنـاهـيچوسـيلهاينميتواندپيروزيسريعرادرتماميوضعيتهاتضميننمايد،اماانواعيازمبـارزهکـهضـعفهـايقابـلتـشخيصديکتاتوريراهدفقرارميدهندشانسبيشتريبرايرسيدنبهموفقيـتخواهنـدداشـتتـاانـواعيکـهتـلاشميکنندازموضعقدرتديکتاتورباويبجنگند**.** اکنونسوالايناستکهاينمبارزهچگونهبايدهدايتشود؟ **فصل پنجم بکارگيري قدرت**

درفصلاولاشارهکرديمکهمقاومتنظاميدربرابرديکتاتوريبهجاياينکهبهنقطهضعفآنضربهبزنـد،نقطـهقوتآنراههدفميگيرد**.** باانتخابرقابتدرزمينهنيروهاينظامي،تدارکمهمات،تکنولوژيجنگافزارومواردمشابه،جنبشهايمقاومتخودراآشکارادروضعيتينامساعدقرارميدهند**.** ديکتاتوريهاتقريبادرتمـاميمـواردامکانفراخوانيمنابعبيشتريدراينمحدودههاراداراهستند **.** خطراتاتکابهنيروهايبيگانههابرايکسبآزادينيزقبلابهصورتمختصربررسيشدهاست **.** درفصلدومهممشکلاتاتکابهمذاکرهرابهعنوانراهيبرايبيرونراندنديکتاتورهابررسيکردهايم**.**

پسچهراهيباقيميماندکهبتواندبرتريآشکاريبهمقاومتدموکراتيکبخـشيدهودرعـينحـالگـرايشبـهتضعيفهرچهبيشترنقاطضعفديکتاتوريداشتهباشد؟چهحرکتتکنيکيايميتواندقدرتسياسـيايکـهدرفصلسومازآنصحبتشدرانمايانکند؟گزينهمناسببراياينپرسش،مبارزهطلبيسياسياست**.**

مشخصاتمبارزهطلبيسياسيبهقرارزيراست **:**

مبارزهطلبيسياسينميپذيردکهنتيجهمبارزهتوسطراهکارهايمبـارزاتيکـهتوسـطديکتـاتورانتخـابميشوند،تعيينگردد**.**

مبارزهبرايرژيممشکلاست**.**

مبارزهطلبيسياسيبهگونهايمنحصربهفردميتواندنقاطضعفديکتاتوريرابدترکردهومنابعقـدرتراازويدريغکند**.**

مبارزهطلبيسياسيميتواندحرکتيکاملاپراکندهباشدوليدرعـينحـالبـرروييـکموضـوعخـاصمتمرکزباشد**.**

مبارزهطلبيسياسي موجببروز خطادرقضاوتوعمل ديکتاتورميشود**.**

مبارزهطلبيسياسيميتواندبهصورتيموثرمردم،گروههاياجتماعيوموسساتمختلفرابهصورتيککلواحدباهدفخاتمهدادنبهسلطهوحشيانهعدهايمعدوديبرآنها،بسيجنمايد**.**

مبارزهطلبيسياسيميتواندباعثتوزيعموثرقدرتدرجامعهگـرددکـهخـودباعـثمحتمـلتـرشـدنتاسيسوپابرجاماندنيکجامعهدموکراتيکميشود**.**

**طرزکار مبارزات غيرخشونت آميز**

مبارزهطلبيسياسينيزهمانندنيروهاينظامي،ميتواندبرايرسيدنبهاهدافمختلفيمورداستفادهقرارگيـرد **.** ايناهدافميتواننددرطيفگستردهايازتلاشبراياجبارحريفبهاتخاذتصميماتيخاص،ايجـادشـرايطيبـهمنظورحلمسالمتآميزکشمشهاياحتيمتلاشيکردنکاملرژيمطبقهبنديگردند **.** بههرحال،مبـارزهطلبـيسياسيباشيوههاييمتفاوتازخشونتعملميکند**.** هرچندهدفهردوروشبهجريانمبارزهاستاماراههـاييکههريکبکارميگيرندبسيارمتفاوتاستونتايجمتفاوتيرانيزببارخواهندآورد **.** روشهاونتايجکشمکشهايخشونتآميزراهمهميدانيم**.** سلاحهايفيزيکيبرايترساندن،صدمهزدن،کشتنوويرانکردناستفادهميشوند**.**

مبارزهغيرخشونتآميزبسيارپيچيدهترازراههايمبتنيبرخشونتاستوحاويانـواعبـسيارمتنـوعيازمبـارزهاست**.** برخلافمبارزاتمبتنيبرخشونت،مبارزاتغيرخشونتآميزتوسطجنگافزارهايرواني،اجتماعي،اقتصاديوسياسيکهتوسطمردموموسساتاجتماعبهکارگرفتهميشوند،ميجنگد**.** اينسلاحهابـانـامهـايگونـاگونيهمچوناعتراضات،اعتصابات،عدمهمکاريها،تحريمها،بيميليهاونيروهايمردميشناختهشدهاند**.** همانگونهکهپيشترذکرشد،تماميدولتهاتنهاتازمانيميتوانندبهحکومتخودادامهدهندکـهنيـرويمـوردنيـازخـودراتوسطهمکاري،اطاعتوفرمانبرداريمردموموسـساتاجتمـاعتـاميننماينـد **.** مبـارزهطلبـيسياسـي،بـرخلافخشونت،شيوهايکاملامناسبومنحصربهفردبرايجداکردناينمنابعقدرتازدولتاست**.**

**جنگ افزار هاي غيرخشونت آميز و انضباط**

خطايمعمولدرمبارزهطلبيهايسياسيپيشين،کهاکثرابدونبرنامهريزيقبليشکلگرفتهبودند،اينبودکـهتصورميشدميتوانبااتکابريکيادوروش،مثلاعتصاباتوتظـاهراتعمـومي،بـهنتيجـهرسـيد **.** درحقيقـتروشهايبسياريوجوددارندکهبهاستراتژيستهايمقاومتاجازهميدهنددرمواقـعلـزوممقاومـترامتمرکـزکردهياپراکندهسازند**.**

درحدوددويستروشازاقداماتغيرخشونتآميزشناختهشدهومطمئناروشهايبسيارديگريوجوددارند **.** اينروشهاتحتسهدستهاصليطبقهبنديشدهاند **:** اعتراضوترغيب،عدمهمکاريوتهـاجم **.** روشهـاياعتـراضوترغيباکثراتظاهراتنمادينهستندکهشاملرژهها،راهپيمـاييهـاوشـبزنـدهداريهـامـيشـود **(** ۵۴روش **).**

عدمهمکاريخودبهسهزيرگروهتقسيمميشود**. (**الف**)** عدمهمکـارياجتمـاعي **(** ۱۶روش **)**، **(**ب**)** عـدمهمکـارياقتـصادي،شـاملتحـريمهـا **(** ۲۶روش **)** واعتـصابات **(** ۲۳روش **)** و **(**ج**)** عـدمهمکـاريسياسـي **(** ۳۸روش **).** تهاجمهايغيرخشونتآميزنيزباراهکارهايرواني،فيزيکي،اجتماعي،اقتصاديوسياسيايهمچـونروزه،تـصرفغيرخشونتآميزودولتهايموازي **(** ۴۱روش **)** دستهآخرهستند**.** فهرستياز۱۹۸روشازايناقداماتبهعنوانپيوستالفضميمهاينکتاباست**.**

تعدادقابلتوجهيازاينروشهاکهبادقتانتخابشدهوبهصورتيپايدارتوسطمردمغيرنظـاميدرمـتنيـکاستراتژيهوشمندانهحاويتاکتيکهايمناسببکاربردهشوندهرحکومتنامشروعيرابامشکلاتيجديمواجـهخواهندکرد**.** اينموضوعشاملتماميحکومتهايديکتاتورينيزميگردد**.**

درتضادباراههاينظامي،روشهايغيرخشونتآميزميتوانندبهصورتمستقيمبراهدافموردنظرمتمرکزشوند**.** برايمثالباتوجـهبـهاينکـهموضـوعديکتـاتوريبحثـيکـاملاسياسـياسـت،مـيتـوانازشـيوههـايمبـارزهغيرخشونتآميزسياسيبهرهجست **.** اينمبـارزاتشـاملسـربـاززدنازپـذيرشمـشروعيتنظـاموديکتـاتوروهمچنينعدمهمکاريباآنانميباشد**.** عدمهمکاريهمچنينميتواندتنهادرموردسياستهـاييخـاصبـهاجـرادرآيد**.** گاهيبهتعويقانداختنوطفرهرفتنراميتواندرسکوتوحتيمخفيانهتجربهکرددرحاليکهدرمواقعديگرعدمهمکاريآشکار،تظاهراتمبارزهطلبانهعموميواعتصاباتبرايهمهقابلمشاهدهاست**.**

ازطرفديگراگرديکتاتوريدربرابرفشاراقتصاديصدمهپذيرباشديااکثرشکاياتمردميازآنمربوطبهمسائلاقتصاديباشد،آنگاهاقداماقتصادي،مانندتحريمهاواعتصابات،ممکناستراههايمناسبيبـرايمبـارزهباشـند**.** تلاشديکتاتوربرايبهرهبرداريازسيستماقتصاديممکناستبااعتصاباتعموميمحدود،کندکاري٨وامتناعازکمک **(** ياناپديدشدن **)** متخصصينموردنيازروبروشود**.** بکارگيريگزينشيانواعمختلفيازاعتصاباتميتوانددرحوزههاييکليديهمچونتوليد،حملونقل،تامينموادخاموتوزيعکالاهااعمالشود**.**

برخيازشيوههايمبارزههايغيرخشونتآميزنيازمندانجاماعماليخارجاززندگيروزمرهازسويمـردمهـستند **.** همانندتوزيعجزوات،گرداندننشرياتزيرزميني،عمليکردناعتصابغذاکردنيانشستندرخيابان **.** بـهغيـرازمواردبسيارحاداجراياينروشهاممکناستبرايبعضيازمردمدشوارباشد**.**

درمقابلبرخيازشيوههايمبارزهغيرخشونتآميزنيازمندادامهروندزندگيعاديمردمهـستند،ولـيبـاانـدکيتفاوت**.** برايمثالممکناستمردمبهجاياعتصاببهسرکارهايخودبرونداماعمدابسيارآهستهترازهميـشهوبابازدهيبسيارکمترکارکنند **. »**اشتباهاتکاري **«** ميتوانندبـانيـتقبلـيبيـشترشـوند **.** ممکـناسـتشخـصي **»**مريض**«** شودو **»**قادرنباشد**«** درمواقعيخاصسرکارحاضرشود**.** ياممکناستفردديگريازانجامکاريخاصسرباززند **.** ممکناستشخصيبهمراسممذهبيايبرودکهحاوينهفقطمعانيمذهبي،کهمعـانيسياسـيهـمباشد**.** شخصيممکناستبرايجلوگيريازحملاتتبليغاتي،فرزندانخودرادرخانهدرسدهـديـاآنهـارابـهکلاسهايغيرقانونيبفرستد **.** کسديگرياستازپيوستنبهتشکيلاتسفارشييااجباريکهدرگذشـتهآزادانـهبهآنهانميپيوست،سرباززند **.** شباهتاينگونهاقداماتبهرفتارعـاديمـردموانحـرافمحـدودآننـسبتبـهزندگيمعمولآنهااحتمالاباعثخواهدشدکهامکانمشارکتدرمبارزهآزاديخواهانهمليبرايبسياريازمردمفراهمشود**.**

ازآنجاييکهعملکردمبارزهغيرخشونتآميزوخشونتازپايهباهممتفاوتند،درطوليکرشتهمبارزهطلبيهـاي

8 Slow-Down

سياسي،حتيخشونتبسيار محدودهم نامناسباستچـراکـه باعـثتغييـرمبـارزهبـهحـوزهايمـيشـودکـهديکتاتورهادرآنازبرتريهايبسياريبرخوردارند **(** زدوخوردنظامي **).** انضباط،کليداساسيبرايپيروزياستوحتيباوجودتحريکاتووحشيگريهايديکتاتوروکارگزارانويهمنبايدآنرافراموشکرد**.**

نگهداشتانضباطغيرخشونتآميزدربرابرخشونتحريفان،کارکردچهارنوعسازوکار٩تغييروتحول درمبارزاتغيرخشونتآميز **(** بررسيشدهدرادامههمينفصل **)** راتسهيلمـيکنـد **.** همچنـينانـضباطغيرخـشونتآميـزدرفرآيندجوجيتسويسياسي١٠بسيارمهماست **.** دراينفرآيندوحشيگريخشنديکتاتورعليـهکنـشگرانيکـهبـهحرکتهايغيرخشونتآميزدستزدهاند،باحرکتيسياسيبهسمتخودويبازگشتدادهميشودکهايـنامـرباعثبروزاختلافدرونسلسلهمراتبديکتاتوريوهمچنينبرانگيختنحمايتعامهمردم،حاميانمعمولرژيمواشخاصودولتهايثالثازمبارزينميشود**.**

بههرحال،دربعضيمواقعممکناستخشونتيمحدودعليهديکتاتوريغيرقابلاجتنـابباشـد **.** محروميـتهـاوتنفرهاممکناستبهانفجاريخشونتآميزبيانجامند**.** ياگروههاييخاصممکناستحتيپسازآگاهييافتنبهنقشحياتيمبارزاتغيرخشونتآميز،نسبتبهترکراههايمبتنيبرخـشونتبـيتمايـلباشـند **.** درايـنمـوارد،مبارزهطلبيسياسينبايدکنارگذاشتهشود**.** بههرحاللازماستکهاقدامخشونتآميزراتاحدممکنازاقداماتغيرخشونتآميزمجزاکرد **.** اينامرميتواندازطريقجداسازيجغرافيايي،گـروههـايمردمـي،زمـانيوموضـوعيصورتگيرد**.** درغيراينصورتخشونتميتواندبرايمبارزهطلبيهايسياسيبـالقوهقـدرتمنـدوموفيـتآميـزنتايجيفاجعهباربهدنبالداشتهباشد**.**

مدارکتاريخينشانميدهندکهباوجوددورازانتظارنبودنصدماتماليوجانيدرمبارزاتغيرخـشونتآميـز،سطحاينصدماتبسيارپايينترازصدماتاحتماليزدوخوردهاينظامياست **.** علاوهبراين،ايـننـوعازمبـارزهموجبچرخهايبيپايانازکشتارووحشيگرينيزنخواهدشد**.**

مبارزهغيرخشونتآميزهممحتـاجکـاهش **(** يـاتحـتکنتـرلدرآوردن **)** تـرسمـردمازدولـتوسـرکوبيهـايخشونتآميزآناستوهمخودبهايجادآنگرايشدارد **.** رهاييازتـرس **(** يـاتحـتکنتـرلدرآوردنآن **)** عامـلکليديدرازبينبردنقدرتديکتاتورهابرعامهمردماست**.**

**شفافيت، پنهانکاري و استانداردهاي بالا**

پنهانکـاري،حيلـهگـريودسيـسههـايزيرزمينـيمـشکلاتبـسيارجـديايرابـرايجنبـشيکـهازاقـداماتغيرخشونتآميزاستفادهميکندايجادميکنند**.** معمولاغيرممکناسـتکـهبتـوانجلـويحـصولاطـلاعپلـيسسياسيوسازمانهايجاسوسيراازمقاصدوبرنامههاگرفت **.** ازمنظرجنبش،پنهانکارينهفقطدرتـرسريـشهداردکهخودعاملترساست **.** ترسيکهباعثکمرنگشدنروحمقاومتوپايينآمدنتعـدادافـرادياسـتکـهميتواننددريکاقدامبخصوص،مشارکتنمايند **.** همچنيناينموضوعممکناستباعثايجادبدگمانيوبهوجودآمدنتهمتهايي،حتيناعادلانه،دربارهاينموضوعشودکهچهکسيبرايحريفاطلاعاتجمعکردهوآنهارااز

9 Mechansim

10جوجيتسو ورزشي رزمي است که طي آن فرد با استفاده از بازگرداندن نيروي حریف به سمت خودش و پيچاندن مفاصل حریف، مبارزمي کند.

حرکتهايجنبشآگاهميکند**.** پنهانکاريحتيممکناسترويتواناييغيرخشونتآميزماندنجنبشنيزتـاثيربگذارد**.** درتضادبااينموضوع،شفافيتدرمقاصدوبرنامههاعلاوهبرتاثيراتعکسمواردفوق،باعثمـيشـودتـاتصويريبسيارقدرتمندترازجنبشمقاومتنيزترسيمشود **.** البتهمسالهمسلمابسيارپيچيدهترازآناستکهدراينجامطرحشدهوبسياريازجنبههاياقداماتمقاومتياحتياجبهپنهانکاريخواهنـدداشـت **.** درموقعيـتهـايخاصبهارزيابيواظهارنظرهاييمبتنيبرتمامياطلاعاتقابلحصولاحتياجاستکهتوسطافرادکاملاآشنابـهپوياييمبارزاتغيرخشونتآميزودرعينحالآگاهبهشيوههاينظارتيديکتاتوري،تهيهشدهباشد**.**

ويراستاري،چاپوپخشنشرياتزيرزميني،استفادهازايستگاههايراديوييغيـرقـانونيداخلـيوکـسبآگـاهيدربارهفعاليتهايديکتاتورازمواردمحدوديهستندکهدرآنهابهسطحبالاييازپنهانکارياحتياجاست**.**

ثابتنگاهداشتناستانداردبالايرفتاريدراقداماتغيرخشونتآميزنيزدرتماميمراحلکـشمکشبـسيارمهـماست**.** فاکتورهاييهمچونبيباکيوحفظانضباطغيرخشونتآميزهميشهموردنيازند**.** مهـماسـتبـهيـادداشـتهباشيمکهگاهبهگاهگروههايبزرگمردمبرايايجادتغييراتخاصمورداحتياجاند**.** مشارکتاينتعدادازمردمراتنهادرصورتيميتوانحفظکردکهاستانداردهايبالاييدرجنبشرعايتشدهباشد**.**

**جابجايي در روابط قدرت**

استراتژيستهابايدبهيادداشتهباشندکهکشمکشيکهازمبارزهطلبيسياسياستفادهميکنـدبـهخـاطرفعـلوانفعالاتوکنشوواکنشهايمداومصورتيکاملامتغيردارد**.** هيچچيزساکننيست**.** روابطقـدرت،چـهمطلـقوچهنسبي،درموضـعتغييـراتسـريعوپايـدارهـستند **.** ايـنموضـوعبـامـشارکتمـردممقـاوميکـهبـرعمـلغيرخشونتآميزخودايستادگيميکنندحاصلميشود**.**

گوناگونيهادرقدرتنسبيطرفيندرگيردرايننوعمبارزهبهعلتسرعتبالايحوادثوهمچنينپـيآمـدهايمهمسياسيآن،بسيارپيچيدهترازمبارزاتمبتنيبرخشونتاست**.** بهدليلهمينگوناگونيها،بهنظرميرسدکهاقداماتخاصمقاومتکنندگاننتايجيبسيارگستردهترازمکانوزمانخاصيکهحوادثدرآناتفـاقمـيافتنـدخواهندداشت**.** ايننتايجدرتضعيفياتقويتيکگروهياگروهمقابلمنعکسميشوند**.**

علاوهبراين،گروهغيرخشونتآميز،ازطريقاقداماتخودميتواندنتايجيبسيارعميقترازتاثيراتعملياتنظاميدرجهتتضعيفياتقويتگروهرقيبايجادکند **.** برايمثالمقاومتغيرخشونتآميزبيباکومنضبطدرمواجهـهباوحشيگريهايديکتاتورممکناستاحساسناراحتي،بيميلي،عدماطمينانودرمواردحادترحتيشورشرادربينسربازانديکتاتورومردمغيرنظاميموجبشود**.** اينمقاومتاحتمالاباعثزيادترشدنميزانمحکوميتهـايبينالملليحکومتديکتاتورنيزخواهدشد **.** بهعلاوه،استفادهمستمر،منضبطوماهرانـهازمبـارزهطلبـيسياسـيممکناستباعثمشارکتهرچهبيشترمردميشودکهدرحالتعاديازديکتاتورحمايتيضـمنينمـودهيـادربهترينحالتبيطرفباقيميمانند**.**

**چهار مکانيزم تغيير**

مبارزهغيرخشونتآميزازچهارطريقباعثايجادتغييرميشود**.** اولينمکانيزمکمترمحتملاست،هرچنـدکـهدرمواردينيزعملااتفاقافتـادهاسـت **.** اعـضايگـروهرقيـببـاديـدنرنجـيهـاييکـهبـهخـاطرسـرکوبيهـابـرمقاومتکنندگانبيباکوبهدورازخشونتتحميلميشودازنظراحساسيتحريکميشـونديـابـهايـننتيجـهعقلانيميرسندکهمقاصدمقاومتکنندگانعادلانهاستوبههميندليلاهدافآنانراميپذيرند**.** ايـنمکـانيزم،تغييرکيشناميدهميشود**.** اگرچهموارديازتغييرکيشدراقداماتغيرخشونتآميزپـيشآمـدهاسـت،امـاايـنموارداندکبوده،دربيشترکشمکشهايااصولااتفاقنميافتنديالااقلدرمقياسيگستردهبهوجودنميآيند**.**

مورديکهبيشترپيشميآيداستايناستکهمبارزهغيرخشونتآميزباتغييروضعيتمبارزهوجامعهبـهنـوعيعملميکندکهحريفنميتواندبهسادگيبههرکاريکهميخواهددستبزند **.** همينتغييراستکهسهمکانيزمبعديرابهوجودميآورد **:** سازش،اجبارغيرخشونتآميزوتجزيه**.** اينکهکداممورداتفاقبيفتدبـستگيبـهميـزانتغييردروضعيتروابطنسبيومطلققدرتدارد**.**

اگرمسائلمورداختلافموارديپايهاينباشند،خواستههاينيروهايمخالفيندرروندسلسهاقداماتمحدودآنانتهديدکنندهنخواهدبودورقابتنيروهاتاحديباعثتغييردرروابطقدرتخواهدشـد **.** درايـنوضـعيتممکـناستکشمکشيبلافصلموجبحصولتوافق،تقسيمبنديمواردمورداختلافومصالحهشود **.** اينمکانيزمسازشنامدارد**.** برايمثالبسياريازاعتصاباتبااينروشخاتمهمييابند،برايمثال،بارسيدنهـريـکازطـرفينبـهبخشيازاهدافخود،ونهدستيابيبههرآنچهميخواستند**.** دولتاحتمالابرايدستيابيبهبعضيفوايدمثبتآن،مثلخاتمهدادنبهبحرانموجود،ايجادتصويري **»**جوانمرد**«** ازدولتياتهذيبچهرهبينالملليرژيـم،بـهدنبـالاينچنينتوافقياست **.** بههميندليلضرورياستکهبرايانتخابموضوعاتيکـهقـراراسـتازطريـقسـازشوتوافقحلگردند،توجهخاصيمبذولشود **.** مبارزهايکهبهدنبالبهزيرکشيدنديکتاتورازتختحکومتاسـت،مطمئنايکيازاينمواردنيست**.**

مبارزهغيرخشونتآميزممکناستبسيارازموارديکهدرمکـانيزمهـايتغييـرکـيشوسـازشنـشاندادهشـد،قدرتمندترباشد **.** عدمهمکاريومبارزهطلبيعموميميتوانندوضعيتاجتماعيوسياسيوبخصوصروابطقدرترابهکليتغييردهند،يعنيتوانديکتاتوربرايکنترلفرآيندهاياقتصادي،اجتماعيوسياسيدولتواجتماعازويگرفتهميشود**.** نيروهاينظاميرقيبممکناستديگربراياجرايفرمانهايمبتنـيبـرسـرکوبمعترضـينقابلاتکانباشند **.** اگرچهرهبرانرقيببرسرجايخودباقيمانده،کماکاناهدافخودرادنبالمينمايند،توانـاييانجامکنشيموثرازآنهاگرفتهميشود**.** اينوضعيترااجبارغيرخشونتآميزميناميم**.**

درمواردحادوضعيتاجبارغيرخشونتآميزدامنهخودراتاجاييگسترشميدهدکهرهبرحريـفتمـامتوانـاييخودبرايانجامکنشراازدستميدهدوساختارقدرتفروميريزد**.** خودگردانيمقاومتکنندگان،عدمهمکـاريآنهاومبارزهطلبيهاتاحديگسترشمييابندکهرقيبحتيکنترلظاهريبرآنهاراهمازدستميدهـد**.** درنهايتديوانسالاريخودرقيبهمرهبريويرانميپذيرد**.** نيروهايمسلحوپليسشورشميکنند**.** مردموحتيحمايتگرانهميشگيهمديگررهبريپيشينخودراانکارکرده،وجودهرنوعحقيبرايحکمرانيراازويسـلبميکنند**.** ازاينرو،همکاريوفرمانبرداريپيشينآنانازميانميرود**.** چهارمينمکـانيزمتغييـر،تجزيـهسيـستمرقيب،تابهآنحدکاملاستکهويحتيقدرتکافيبرايتسليمشدننيزنخواهدداشت**.** رژيمبهسادگيباتکهتکهشدنويرانميشود**.**

درطراحياستراتژيهايآزاديخواهانه،بايدهموارهاينچهارمکانيزمرادرذهنداشت**.** اينمکانيزمهاگاهياساسابهصورتاتفاقيعملميکنند**.** بههرحال،انتخابيکيياچندموردازاينمکانيزمهادرکشمکشبهعنوانسـازوکارتغييرموردنظر،باعثميشودتاامکانفرمولهکردناستراتژيهايخاص **(** يامتقـابلاتقويـتشـونده **)** فـراهمشود**.** اينکهچهمکانيزم **(** يامکانيزمهايي **)** انتخابشودبستگيبهفاکتورهايبسياريمثلقـدرتمطلـقونـسبيگروههايمبارزوگرايشهاواهدافگروههايمبارزهطلبيداردکهآنرابهکارميبندند**.**

**نتايج دموکراتيک کننده مبارزه طلبي سياسي**

درتضادباپيآمدهايمتمرکزکنندهخشونت،استفادهازتکنيکهايمبارزهغيرخشونتآميزباعثميشودتاجامعهسياسيازچندينطريقدموکراتيزهشود**.**

بخشيازنتايجدموکراتيککننده،سلبياست **.** بهاينمعناکهدرتضادباراههاينظامي،اينتکنيـکباعـثايجـادنيروييسرکوبگروتحتفرمانيکاليتنميشودتابتوانازآنبرايتاسيسياادامهحياتيکديکتاتوريجديـداستفادهکرد **.** رهبرانجنبشهايمبازرهطلبسياسيميتوانندبررويپيروانخودتاثيرگذاشتهياحتيفشارهايياعمالکنند،وليتوانزندانيکردنيااعدامآدمها،درصورتمخالفتياانتخابرهبريجديد،راندارند**.**

بخشدومازتاثيراتدموکراتيککننده،نتايجايجابيهستند **.** بهايـنمعنـاکـهمبـارزهغيرخـشونتآميـزراههـايمقاومتيرابهمردمنشانميدهدکهازطريقآنبتوانندبهآزاديدستيافتهودربرابرديکتاتورهايفعليياافـرادعلاقمندبهديکتاتورشدنازآنمحافظتنمايند **.** دراينجابهبرخيازتاثيراتدموکراتيـککننـدهايجـابيکـهدرمبارزاتغيرخشونتآميزوجوددارد،اشارهشدهاست **:**

تجربهبهکارگيريمبارزهغيرخشونتآميزباعثميشودکهمردمدرمبارزهبـاتهديـداتوسـرکوبيهـايخشونتآميزرژيماعتمادبهنفسبيشتريبهدستبياورند**.**

مبارزهغيرخشونتآميزراههاييبرايعدمهمکاريومبارزهطلبيبهمردمنشانمـيدهـدکـهازطريـقآنخواهندتوانستدربرابرهرگونهکنترلغيردموکراتيکازطرفهرگروهديکتاتورمنشمقاومتنمايند**.**

درمواجههباکنترلهايسرکوبگرانهميتـوانازمبـارزاتغيرخـشونتآميـزبـرايپافـشاريبـردفـاعازآزاديهايدموکراتيک،همانندآزاديبيان،آزاديمطبوعات،سازمانهايمستقلواجتماعاتآزاداسـتفادهکرد**.**

همانگونهکهقبلاذکرشد،مبارزهغيرخشونتآميزدرابقا،تجديدحيـاتوتقويـتگـروههـايمـستقلوموسساتاجتماعيسهميمهمدارد **.** اينگروههاوموسـساتبـهدليـلتوانـاييشـاندربـسيجنيروهـايمردميوامکانمحدودکردنتوانموثرکسانيکهبهديکتاتورشدنعلاقمندند،بـسياربـرايدموکراسـيضرورياندهستند**.**

مبارزهغيرخشونتآميزراههاييراارائهميدهدکهمردمازطريقآنمـيتواننـدقدرتـشانراعليـهپلـيسسرکوبگرواقداماتنظاميحکومتهايديکتاتوريبکاراندازند**.**

مبارزه غيرخشونتآميزروشهاييراارائهميدهدکهازطريقآنمردموموسساتمـستقلمـيتواننـدبـااهدافدموکراتيک **[** دسترسيبه **]** منابعقدرترابراياليتحاکممحدودکرده،ياآنرامنفصلنمايندوازاينطريقظرفيتاينگروهبرايادامهسلطهاشراتهديدنمايند**.**

**پيچيدگي مبارزه غيرخشونت آميز**

همانگونهکهدراينبحثمشاهدهکرديم،مبارزهغيرخشونتآميزتکنيکيپيچيدهازکنشاجتماعياستکهشاملچندينروش،محدودهايازانواعمکانيزمهايتغييروملزوماتانجامکنشخاصهريکازآنـان،مـيشـود **.** بـرايموثربودن،بخصوصدرمقابلهباديکتاتوري،مبارزهطلبيسياسياحتياجبهکسبآمادگيوبرنامهريزيدقيقدارد**.**

مشارکتکنندگانآيندهبايدبدانندکـهازآنهـاچـهانتظـاريمـيرود**.** منـابعبايـدازقبـلآمـادهشـدهباشـندواستراتژيستهابايدچگونگيايجادموثرترينتغييربااستفادهازمبارزاتغيرخشونتآميزراکـاملاتجزيـهوتحليـلکردهباشند**.** اکنونتوجهخودرابهموضوعبسيارمهماخيرمعطوفميکنيم **:** لزومطراحياستراتژيک**.**

**فصل ششم**

**ضرورت برنامه ريزي استراتژيک**

سلسلهمبارزهطلبيهايسياسيعليهديکتاتوريهاممکناستبـهطـرقگونـاگونيشـروعشـود **.** درگذشـتهايـنمبارزاتتقريباهميشهبدونبرنامهريزيقبليواساسااتفاقيبودند **.** اعتراضاتيکهباعثراهافتادناقـداماتآغـازينميشدنددارايانواعگوناگونيبودندولياکثراشاملوحشيگريهـايجديـد،دسـتگيرييـاقتـلفـرديمحتـرم،سياستياحکمجديدسرکوبگرانه،کمبودموادغذايي،بياحترامينسبتبهباورهايدينيياسالگردحادثهايمهمبودهاست **.** گاهي،اقداميخاصازسويديکتاتورآنگونهمردمراخشمگينکردهکهبدونهيچگونهايـدهايدربـارهچگونگيامکانپايانيافتنخيزش،دستبهاقدامزدهاند**.** درمواقعديگرممکناسـتشخـصيشـجاعيـاگروهـيکوچکدستبهعمليبزنندکهموجبحمايتديگرانشود **.** اعتراضـيخـاصممکـناسـتازسـويديگـرانبـهاعتراضعليههمانظلميکهآنهانيزتجربهکردهاندتعبيرشودوبنابراينآنهانيـزبـهمبـارزهبپيوندنـد **.** گـاهيدعوتبهمقاومتازسوييکگروهکوچکياحتييکفردممکناستباپاسـخيگـستردهوغيرمنتظـرهروبـروشود**.**

هرچندخودانگيختگيصـفاتيمثبـتدارد،داراياشـکالاتيهـمهـست **.** مکـررا،مقاومـتگـراندمـوکراتانتظـاروحشيگريهايديکتاتوريرانداشتهاند،پسمتحملرنجهايبسيارشدهومقاومتآنهاازهـمفروپاشـيدهاسـت **.**

گاهيفقدانبرنامهريزيازسويدموکراتهاتصميماتبسيارمهمرابهشانسواگذارکردهاست؛دراينگونهمواقـعنتايجمصيبتباربودهاند**.** حتيهنگاميکهحکومتستمگربهزيرکشيدهشـدهاسـت،فقـدانبرنامـهريـزيدربـارهچگونگيگذربهيکسيستمدموکراتيکموجباتبوجودآمدنيکديکتاتوريجديدرافراهمنمودهاست**.**

**برنامه ريزي واقع بينانه**

بدونشکدرآينده،اقداماتمردميبرنامهريزينشدهنقشيمهمدرخيزشعليهديکتاتوريبـازيخواهنـدکـرد **.** وليکنامروزهامکانمحاسبهموثرترينشيوههابرايسرنگونكردنديکتاتورها،تشخيصوضعيتسياسيوخلـقوخويمليمناسبوگزينشنحوهشروعسلسلهمبارزاتموجوداست **.** دراينشرايطتفکربسياردقيـقبـرمبنـايتشخيصواقعبينانهوضعيتوتواناييهايتودهمردمدرانتخابموثرترينشيوههـابـرايرسـيدنبـهآزاديمـورداحتياجاست**.**

اگرفرديعلاقمندبهانجامکارياست،عاقلانهاستکهبهچگونگيانجامآنفکرکند **.** هرچقدرهـدفمهمتـر،يـاپيآمداشتباهخطرناکترباشد،برنامهريزيمهمترميشود**.** برنامهريزياستراتژيک،احتمالايـنکـهتمـاميمنـابعموجودبسيجشده،بهموثرترينوجهبکارگرفتهشوندراافزايشميدهـد **.** ايـنموضـوعبخـصوصدرجنـبشهـايدموکراتيکيکه‐بامنابعماديمحدودوحمايتکننـدگاندرمعـرضخطـر‐تـلاشمـيکننـدتـاديکتـاتوريقدرتمنديرابهزيربکشندصحتدارد **.** درمقايسه،ديکتاتوريمعمولادسترسيبهمنابعماديگسترده،نيروهايتشکيلاتيوتواناييارتکابوحشيگريهاراداراخواهدبود**.**

**»** برنامهريزياستراتژيک **«** دراينجابهمعنايمحاسبهرونديازاقداماتاستکهاحتمالرسيدنازوضعيتفعليبهوضعيتدلخواهدرآيندهرابالاميبرد**.** درموردبحثما،اينيعنيرسيدنازديکتاتوريبهسيستمدموکراتيـکآتي**.** برنامهريزيبهمنظوردستيابيبهاينهدفمعمولاشاملمجموعهفازبنديشدهايازسلسلهعملياتوديگراقداماتسازمانيافتهايخواهدبودکهبرايقدرتبخشيدنبهجامعهومـردمتحـتسـتموتـضعيفديکتـاتوريطراحيشدهاست **.** توجهکنيدکههدففقطازبينبردنديکتاتوريفعلينيستبلکهجايگزينيآنبـاسيـستميدموکراتيکاست **.** استراتژيبزرگيکههدفاشراانحصارابهنابودکردنديکتاتوريفعليمحدودمـيکنـدريـسکبزرگيبرايبهوجودآمدنحاکممستبدديگريراميپذيرد**.**

**موانع برنامه ريزي**

بعضيازمدافعينآزاديدرمناطقگوناگونجهان،تماميتوانخودرابرايحلمـسالهچگـونگيدسـتيـابيبـهآزاديبهکارنميگيرند**.** اينمدافعينبهندرتبهاهميتبرنامهريزياسـتراتژيکدقيـق،پـيشازاقـدامبـهعمـلواقفاند**.** درنتيجهتقريباهيچگاهبرنامهريزياستراتژيکانجامنميگيرد**.**

چرامردميکهآرزويکسبآزاديسياسيبرايمردمخودرادارندتابهاينحدکمطرحاستراتژيکجامعيبرايرسيدنبهاينهدفآمادهميکنند؟متاسفانه،تقريبااکثرافرادحاضردرگروههايدموکراتيـکمخـالف،بـهلـزومبرنامهريزياستراتژيکواقفنيستنديابهآنعادتندارنديابرايتفکراستراتژيکتربيتنشدهانـد **.** ايـنوظيفـهايدشواراست **.** باحملاتپياپيديکتاتوريومسووليتهايضروريوقتگير،رهبرانمقاومتمعمولاامنيتوفرصتيبرايتوسعهمهارتهايتفکراستراتژيکخودندارند**.**

درعوض،پاسخگوييبهتحرکاتپيشقدمانهديکتاتوري،الگوييمتداولاسـت**.** درايـنوضـعيتنيروهـايمخـالفهميشهدروضعيتدفاعيهستنديعنيبرايحفظآزاديهايمحدوديامواضعخودميکوشندودربهترينحالـتگسترشکنترلديکتاتورراکندکردهيابرايسياستهايجديدرژيم،مشکلاتخاصيايجادميکنند**.**

مطمئنابعضيافرادوگروههااحتياجيبهبرنامهريزيطولاني مدتوگستردهحرکتهايآزاديخواهانهنميبيننـد **.** درعوض،آنهاممکناستتصوريخامداشتهباشندمبنيبراينکهاگرقدرتمندانه،استواروپايداربهاهدافشانمعتقدباشند،عقايدشانبهطريقيمحققخواهدشد **.** بعضيديگرميپندارندکهاگربهسادگيزنـدگيکننـدودربرابرمشکلاتبرطبقاصولوايدهآلهايشانرفتارکنند،تمامآنچهراکهميتوانستهاندبـرايايفـايآنهـا،انجـامدادهاند**.** حمايتازاهدافانسانيووفاداريبهايدهآلهاقابلتحسيناست،وليبهوضوحبرايپايـانبخـشيدنبـهيکديکتاتوريودستيابيبهآزادي،ناکافياست**.**

مخالفينديگرديکتاتوريممکناستبابيتجربگيفکرکنندکهاگربهاندازهكافيخشونتبـهکـارببرنـد،آزاديحاصلخواهدشد **.** اما،همانگونهکهپيشترذکرشدخشونتتضمينکنندهپيروزينيست**.** خشونت،بهجايتحققآزاديميتواندبهشکست،مصيبتيبزرگياهردوراهبرشود **.** دربيشتروضعيتهـاديکتـاتوريبـهبهتـرينوجـهممکنبرايمبارزاتخشونتآميزتجهيزشدهاستوواقعياتنظـامي،اگـراصـولاتوانـستهباشـد،بـسيارکـمبـهدموکراتهامساعدتکردهاند**.**

فعاليتهاييهمهستندکهاقداماتخودرابررويآنچه **»**احساس**«** ميکنندبايدانجامدهندپايهريزيمـيکننـد**.** اينخطمشيهاعلاوهبرخودپسندانهوخودمحورانهبودن،برايتوسعهيکاستراتژيبزرگبهمنظورکسبآزاديهمرهنموديارائهنميدهند**.**

اقداماتيکهبرروي **»**ايدهدرخشان**«**يکهيکفردداشتهبناشدهاندهممحدودند **.** بهجاياينها،چيزيکهمـورداحتياجاستعملياستکهبرپايهمحاسبهدقيق **»**قدمهايبعدي**«**ايکهبرايواژگونسـاختنديکتـاتوريمـوردنيازند،بناشدهباشد **.** بدونتجزيهوتحليلاستراتژيک،رهبرانمقاومتدربيشترمواقعنخواهنددانستکه **»**قـديمبعدي**«** بايدچهچيزيباشدزيرادربـارهقـدمهـايمتـواليخاصـيکـهبـرايرسـيدنبـهپيـروزيلازمهـستند،نيانديشيدهاند**.** ابتکاراتوايدههايدرخشانبسيارمهماند،وليکاراييآنهادربهبودوضعيتاستراتژيکنيروهـايدموکراتاست**.**

باتوجهبهکثرتاقداماتيکهميتوانندعليهديکتاتوريبهکارگرفتهشوندوبااحساسسرگشتگيدرانتخابنقطهآغاز،بعضيمردمتوصيهميکنندکه **»**همهکارهاراهمزمانانجامبده**«.** اينروششايدمفيدباشدوليمطمئناغيرممکناست،بخصوصبرايجنبشهاينسبتاضعيف **.** علاوهبراين،اينخطمشيرهنموديدربـارهاينکـهازکجـابايدشروعبهکارکرد،تلاشهارابايددرچهجاييمتمرکزکردوچگونهبايدمنابعمحدودرااستفادهنمـود،ارائـهنميدهد**.**

افرادوگروههايديگرممکناستنيازبهحديازبرنامهريزيرااحساسکنند،وليفقطتواناييتفکرکوتـاهمـدتياانديشيدنبهپايههايتاکتيکيراداشتهباشند**.** اينافرادمتوجهنيستندکهبرنامـهريـزيدرازمـدتمـوردنيـازوممكناست**.** آنهاممکناستگاهيازاوقاتازتفکروتجزيهوتحليلروابطاستراتژيکناتوانباشندکهايـنامـرباعثخواهدشدتادائمابامسائلنسبتاکماهميتدرگيرباشندودربيشترمواقعمقاومتگراندموکرات،بهجـايدردستگرفتنابتکارعملتنهانسبتبهاقداماتحريف،واکنشنشاندهند**.** بـااختـصاصدادنحجـمبـالاييازانرژيبراياقداماتکوتاهمدت،رهبراندريافتنشقوقديگريازعملکهخواهدتوانستتماميتلاشهارادريکمسيردائمبهسويپيروزيهدايتکند،ناکامميمانند**.**

ايناحتمالهموجود داردکهبعضيجنبشهايدموکراتيکبرنامهريزياستراتژيکجامعيبرايسرنگونيديکتاتورنداشتهباشندوبااستدلاليظاهراقابلقبول،تنهابررويمـسائللحظـهايتمرکـزکننـد **.** آنهـابـاورندارنـدکـهميتوانندباتلاشخودبهديکتاتوريخاتمهدهند **.** بههميندليل،برنامهريزيدربارهچگونگيرسيدنبهاينهدفازنظرآنهااتلافوقتيرمانتيکياتلاشيبيهودهبهحسابميآيـد **.** مردمـيکـهبـرايکـسبآزاديخـودعليـهديکتاتوريوحشيانهنهادينهشدهايمبارزهميکنندمعمولاباآنچنانقدرتنظاميوپليسيايروبروميشـوندکـهتصورميکنندديکتاتوريتوانانجامهرآنچهميخواهدرادارد**.** بههرحالبدونوجوداميدواقعي،اينمردمبازهمباانگيزههايجوانمرديياشايدتاريخي،ديکتاتوريرابهمبارزهخواهندطلبيد **.** اماهرگزنخواهندپذيرفت،وشـايدهرگزآگاهانهدرکنکنند،کهاقداماتشاننااميدانهاست**.** بنابراينبرايآنهابرنامهريزياستراتژيکجامع،معناييندارد**.**

نتايجاينگونهعدمموفقيتدربرنامهريزياستراتژيکمعمولابسيارجـدياسـت **:** نيـرويفـردپراکنـدهمـيشـود،اقداماتفردبياثراست،انرژيهابررويموضوعاتکوچکهـرزمـيرود،برتـريهـابـهکـارگرفتـهنمـيشـوند،وفداکاريهابيارزشميگردند**.** اگردمـوکراتهـابرنامـهريـزياسـتراتژيکنداشـتهباشـنداحتمـالادررسـيدنبـهاهدافشانناكامخواهندماند**.** برنامهريزيضعيفوآميختنتصادفياقداماتمختلـفجنـبشمقاومـترابـهجلـورهنموننميشودوحتيبيشترباعثافزايشکنترلوقدرتديکتاتوريميگردد**.**

متاسفانه،ازآنجاييکهبرنامهريزيهايجامعاستراتژيککمتربهکارگرفتهشدهاند،اگراصولااستفادهشدهباشند،ديکتاتوريهابيشازآنچهواقعاپايدارهستند،پايداربهنظرميرسند**.** آنهاسالهاودهههابيشترازآنچهبايد،عمرميکنند**.**

**چهار اصطلاح مهم در برنامهريزي استراتژيک**

براياينکهبتوانيمبهصورتاستراتژيکفکرکنيم،روشنکردندرمعنايچهاراصطلاحپايهايمهماست**.**

استراتژيبزرگمفهومياستکهدرمعنايهماهنگوهمراستاکردناستفادهازتماميمنابعموجـود **(** اقتـصادي،انساني،اخلاقي،سياسي،تشکيلاتيوغيره **)** توسطگروهيکهدرتلاشبرايرسيدنبهاهدافخوداست،بـهکـارگرفتهميشود**.**

استراتژيبزرگبامتمرکزنمودنتوجهخودبرروياهدافگروهومنابعحاضردرکشمکش،دربارهبـهکـارگيريبهترينروشبرايمبارزه **(** ازجملهجنگهاينظاميمرسوميامبـارزهغيرخـشونتآميـز **)**،تـصميممـيگيـرد **.** دربرنامهريزياستراتژيبزرگرهبرانمقاومتبايدفشارهاوتاثيراتيکهموجبشکستدشـمنمـيشـودراارزيـابيکردهوبرايآنهابرنامهريزينمايند**.** علاوهبراين،اسـتراتژيبـزرگشـاملتـصميماتيدربـارهشـرايطمناسـبوزمانبنديايخواهدبودکهدرآنهامقاومتهايابتداييشروعشدهوادامهخواهنديافت**.**

استراتژيبزرگچارچوباساسيبرايانتخاباستراتژيهايمحدودتربهمنظورهدايتمبـارزهرافـراهممـيکنـد **.**

استراتژيبزرگدرعينحالنحوهتخصيصوظايفعاميکگروهخاصوشيوهتوزيعمنابعميانآنهابـهمنظـوراستفادهدرمبارزهرامشخصميکند**.**

استراتژييافتنبهترينروشدستيابيبههدفيمشخصدرمبارزهاستکهدرقلمرواستراتژيبزرگانتخابشده،عملميکند**.** استراتژي،همبااينکهچهوقتوچگونهبجنگيم مرتبطاسـتوهـمبـاچگـونگيمبـارزهبـهمنظـوررسيدنبهحداکثربهرهوري**.** استراتژيبامفهوميکهدرذهنهنرمنداستمقايسهميشـود،درحـاليکـهبرنامـهاستراتژيکنقشهطراحيشدهتوسطيکمهندسمعماراست**.**

استراتژيهمچنينممکناستشاملتلاشهاييبرايتوسعهموقعيتياستراتژيکباشدکهتحتآنرقيـببتوانـدشکستقطعيخودرادرصورتدستزدنبهمبارزهعلنيپيشبينيکندولذابدونمبارزهعلني،تسليمشوند**.** درغيراينصورت،وضعيتاستراتژيکپيروزيمبارزينراقطعيخواهدکرد **.** استراتژيهمچنينشاملچگـونگياقـدامبراياستفادهمطلوبازپيروزيدرصورتمحققشدنآننيزهست**.**

کاربستبرنامهاستراتژيکدرمسيرمبارزه،ايدهاياساسياستدربارهاينکهمبارزاتچگونهبايـدتوسـعهيابنـدواجزايجداگانهآنهاچگونهبايدبايکديگرتطبيقشوندتامشارکتيسودمندبرايرسـيدنبـهاهـدافمـوردنظـرفراهمشود **.** اينموضوعشاملآرايشماهرانهگروههايعملکنندهبرايعملياتکوچکترهمميشود**.** برنامهريـزيبراييکاستراتژيهوشمندانهازملزوماتکسبپيروزيدرتکنيکمبارزهانتخابشدهاست **.** تکنيکهايمختلف،ملزوماتمتفاوتيهمخواهندداشتند **.** مطمئنابرآوردهکردن **»**ملزومات**«** براياطمينـانازپيـروزيکـافينيـست **.**

احتمالافاکتورهايياضافيهمموردنيازخواهندبود**.**

برايطراحياستراتژيها،دموکراتهابايداهدافخودرابهصورتواضحتعريفکردهودربارهچگونگياندازهگيريميزانبهرهوريتلاشهابرايرسيدنبههدفتصميمبگيرند **.** تعريفوتجزيهوتحليلبهطراحاناستراتژياجـازهميدهدتابادقتملزوماتموردنيازبرايتاميناهدافانتخابشدهراتشخيصدهند **.** نيازبهوضـوحوتعريـفبـانيازبهبرنامهريزيتاکتيکيبرابريميکند**.**

تاکتيکهاوروشهايکنش،براياجراييکردناستراتژيهابهکاربردهميشوند**.** تاکتيکهـابـهکـاربردقـوابـرايرسيدنبهبالاترينبهرهدرموقعيتهايمحدوداشارهدارند**.** تاکتيکاقداميمحدوداستکهبرايرسيدنبههدفيمنحصربهفردبهکارگرفتهميشود**.** انتخابتاکتيکبهادراکاينکهچگونهدرمرحلهايخاصازکشمکش ميتوانوسايلموجودرابهمنظورايفاياستراتژيبهکارگرفت،بـستگيدارد **.** بـرايبـهدسـتآوردنحـداکثربهـرهوري،تاکتيکهاوروشهابايدبادقتيخاص،بهمنظوردستيابيبههدفها،انتخابوبهکارگرفتـهشـوند **.** بهـرههـايتاکتيکيکهاحتمالدستيابيبهاهدافاستراتژيکراتقويتنکنند،احتمالادرنهايتامراتلافانرژيبـهحـسابخواهندآمد**.**

پستاکتيکبهسلسلهايمحدودازاقداماتمرتبطاستکهدرونيکاستراتژيبايکديگرمنطبقشدهاند،درستهمانگونهکهاستراتژيهادرونيکاستراتژيبزرگبايکديگرمنطبقميشوند**.** تاکتيکهاهميشهبامبارزهمرتبطهستنددرحاليکهاستراتژيهاحاويملاحظاتوسيعتريميشوند**.** يکتاکتيکخاصتنهابـهعنـوانبخـشيازاستراتژيکلينبردياسلسلهعملياتقابـلدرکاسـت **.** تاکتيـکهـادرطـولدورهزمـانيکوتـاهترينـسبتبـهاستراتژيهابهکارگرفتهميشوند،يادرمحدودهايکوچکتر **(** ازنظرجغرافيايي،سازمانيوغيره **)** ،يـابـامـشارکتمردميکمتر،يابهمنظوردستيابيبهاهدافمحدودتر**.** دراقدامغيرخـشونتآميـزعمـدهيـاجزيـيبـودنهـدفميتواندتاحديمشخصکنندهتمايزميانهدفتاکتيکيوهدفاستراتژيکباشد**.**

مبارزاتتاکتيکيتهاجميبرايحمايتازتحققهدفهاياستراتژيکانتخابمـيشـوند**.** مبـارزاتتـاکتيکيابـزاراستراتژيستهاهستند جهتخلق شرايطمساعدبراي حملهقطعيبهرقيب **.** پسبسيارمهماستکـهکـسانيکـهمسووليتبرنامهريزيواجرايعملياتتاکتيکيبهآنهاواگذارميشود،درارزيابيوضعيتوانتخابمناسبتـرينروشهايمتناسبباآن،مهارتداشتهباشند **.** افراديکهقراراستدراقداممشارکتداشتهباشندنيـزبايـدبـراياستفادهازتاکتيکانتخابشدهوروشهايخاص،آموزشديدهباشند**.**

روشبهجنگافزارهاوراههايعملاشارهداردکهدرتکنيکمبارزهغيرخشونتآميزشـاملدههـااقـدامگونـاگونميشود **(** همچونانواعاعتصاب،تحريم،عدم همکاريسياسيومواردمشابه**)** کهدرفـصلپـنجتـشريحشـدهانـد **(**همچنينبهپيوستنگاهکنيد**).**

توسعهيکبرنامهاستراتژيکمعتبروموثربرايمبارزهغيرخشونتآميزبستگيبهفرمولـهکـردنوانتخـابدقيـقاستراتژيبزرگ،استراتژيها،تاکتيکهاوروشهادارد**.**

درساصلياينمبحثايناستکهبرنامهريزيدقيقاستراتژيکبرايکسبآزاديازچنگالديکتـاتوري،محتـاجبکارگيريقوهادراکفرداست **.** خطادربرنامهريزيهوشمندانه،ميتواندبهوقوعفاجعهکمـککنـددرحـاليکـهاستفادهموثرازتواناييهايعقلانيميتواندمسيرياستراتژيکراطراحينمايدکهبااستفادهازقوهقضاوتسـليممنابعموجودرابهمنظورحرکتدادنجامعهبهسمتآزاديودموکراسيبکارگيرد**.**

**فصل هفتم**

**برنامه ريزي استراتژي**

برايبيشتركردناحتمالموفقيت،رهبرانمقاومتبايدبرنامهاقداماتفراگيريتنظيمکنندکهتوانـاييقدرتمنـدکردنمردمزيرستموهمچنينتضعيفوسپسنابوديديکتاتوريوايجاددموکراسـيپايـدارراداراباشـد **.** بـرايرسيدنبهاينبرنامه،برآورددقيقوضعيتوگزينههايموجودبراياقدامموثراحتياجاست**.** البتهبدوناينتحليلدقيقهم،استراتژيبزرگواسترانژيهايخاصيکرشتهازمبارزاتميتوانندتوسعهيابند **.** ازآنجاييكهتوسـعهاستراتژيبزرگواستراتژيهاييكرشتهمبارزاتدوفرآيندجداگانههستند،تنهاپسازاينکـهاسـتراتژيبـزرگتوسعهيافت،استراتژيهايخاصيکرشتهازمبارزاتميتواندکاملاتوسعهيابد **.** استراتژيهايخاصيکرشتهازمبارزاتبايدبهمنظوردستيابيوتقويتاهدافاستراتژيبزرگ،طراحيشوند**.**

توسعهاستراتژيمقاومتنيازمنددقتبهسوالاتواموربسيارياست **.** دراينجابايدبرخيازمعيارهايمهم،چهدرسطحاستراتژيبزرگوچهدرسطحاستراتژيهايمربوطبهيکرشتهازاقدامات،كهلازماسـتبـهآنهـاتوجـهشودرامشخصکنيم **.** بههرحال،تماميبرنامهريزيهاياستراتژيکاحتياجبهايندارندکهطراحانمقاومتدرکيژرفازکلوضعيتکشمکشداشتهباشندكهاينامرشاملتوجهبـهعوامـلفيزيکـي،تـاريخي،دولتـي،نظـامي،فرهنگي،اجتماعي،سياسي،روانشناسي،اقتصاديوبينالملليميشود**.** استراتژيهاتنهامـيتواننـددربـسترهـرمبارزهخاصوباتوجهبهپيشينهآنتوسعهيابند**.**

رهبراندموکراتيکوبرنامهريزاناستراتژيکميخواهندتااهدافواهميتانگيزههارابراساساوليتآنهاارزيابيکنند**.** آيااهداف،ارزشيکمبارزهبزرگرادارند،وچرا؟تعيينهدفحقيقيمبارزهبسيارمهماست**.** مااينجـادراينبارهصحبتکردهايمکهبرانداختنديکتاتورييابرکناريديکتاتورفعليکافينيست**.** هدفايـنمبـارزاتبايـدتاسيسجامعهايآزادباسيستمحکومتيدموکراتيکباشد **.** روشنشدنايننکتـهبـرتوسـعهاسـتراتژيبـزرگواستراتژيهايخاصيکهپيآمدآنهستندتاثيرميگذارد**.**

بهطورخاص،استراتژيستهانيازخواهندداشتتابهسوالاتاساسيزياديپاسخدهند،ازجمله **:**

موانعاصليدستيابيبه آزاديچههستند ؟

چهعوامليدستيابيبهآزاديراتسهيلميکنند؟

قدرتاصليديکتاتوريدرچيست؟

نقاطمختلفضعفديکتاتوريدرچيست؟

منابعقدرتديکتاتوريتاچهحدآسيبپذيرند؟

قدرتهاينيروهايدموکراتيکوعامهمردمچهچيزهاييهستند؟

ضعفهاينيروهايدموكراتيکوعامهمردمچهچيزهاييهستندوچگونهميتوانآنهارااصلاحکرد؟

وضعيتنيروهايسوم،آنهاييكههنوزواردكشمكشنشدهاندوليبهيكيازدوطرفكمكميكنندياامكانداردكمككنند،چگونهاست؟

**انتخاب روش**

درسطحاستراتژيبزرگ،برنامهريزاناحتياجدارندتاروشاصليمبارزهايکهقراراستدرکشمکشهايآتـيبـهکارگرفتهشودرامشخصکنند **.** شايستگيهاومحدوديتهايهريکازتکنيکهـايمختلـفمبـارزاتيهمچـونجنگنظاميسنتي،جنگچريکي،مبارزهطلبيسياسيوغيرهبايدارزيابيشوند**.**

براياينانتخاب،استراتژيستهااحتياجدارندتااينگونهسوالاترادرنظربگيرند **:** آيانوعمبارزهانتخـابشـدهدرتواندموکراتهاهست؟آياروشمبارزاتيانتخابشدهامكانبسيجقـدرتمـردمتحـتسـتمرادارد؟آيـاايـنتکنيکنقاطضعفديکتاتورراهدفميگيرد،يابهنقاطقوتآنحملهميبرد؟آيااينروشبهدموکراتهاکمکميکندتابهخودمتکيباشندياآنهارابهگروههايسومياحمايتگرانخارجيوابـستهخواهـدكـرد؟پيـشينهروشانتخابشدهدربهپايينکشيدنديکتاتوريهاچيست؟آيـاايـنروشصـدماتوخرابـيهـاييکـهدراثـرکشمکشهايآتيبهوجودخواهندآمدرابيشترمـيکنـديـاکمتـر؟اگـرفـرضکنـيمدرخاتمـهبخـشيدنبـهديکتاتوريموفقشويم،روشانتخابشدهچهتاثيريبرنوعحکومتيکهازکشمکشبرميخيزد،خواهدداشـت؟گونههاييازاقداماتکهنامناسبتشخيصدادهشوندبايددرتوسعهاستراتژيبزرگدورنگاهداشتهشوند**.**

درفصلهايقبلدليلآورديمکهمبارزهطلبيسياسي،برتريهاينسبيعمدهاينـسبتبـهتکنيـکهـايديگـرمبارزهدارد **.** استراتژيستهابايدبادقتدروضـعيتخـاصمبـارزاتيخـود،درايـنبـارهتـصميمبگيرنـدکـهآيـامبارزهطلبيسياسيپاسخهايمثبتيدربرابرسوالهايبالاارائهميدهدياخير**.**

**برنامه ريزي براي دموکراسي**

بايدبهخاطرداشتکههدفاستراتژيبزرگدرمقابلهباديکتاتوريتنهابهزيرکشيدنديکتاتورنيستبلکههدفاصليبهکارگماشتنسيستميدموکراتيکوناممکنکردنبرخاستنديکتاتورهايجديداست **.** بـرايرسـيدنبـهايناهداف،روشانتخابشدهبرايمبارزهبايددرايجادتغييردرتوزيعقدرتموثردرجامعهمشارکتکند **.** تحـتحكومتديکتاتوري،مردمونهادهايمدنيبسيارضعيفبودهاندودولتقدرتمندبودهاست **.** بدونايجادتغييردراينعدمتوازن،گروهيجديدازحاکمان،اگربخواهند،ميتوانندبهديکتاتورمـآبيقبليهاباشند **.** پسيک **»**انقـلابقصري**«**١١ياکودتاخوشآيندنيست**.**

مبارزهطلبيسياسيازطريقبسيججامعهعليهديکتاتوري،همانگونهکهدرفصلپـنجمبررسـيشـد،بـهتقـسيمعادلانهترنيرويموثردرجامعهکمکميکند**.** اينفرآيندبهچندطريقصورتمـيگيـرد**.** گـسترشظرفيـتهـايمبارزهغيرخشونتآميزبهاينمعناستکهظرفيتديکتاتوريبرايسرکوبيخشونتآميز،ديگربهسادگيدرمردمتوليدوحشتوفرمانبردارينميکند**.** مردمبـرايمقابلـهوجلـوگيريازاعمـالزورتوسـطديکتـاتور،روشهـاييقدرتمنددراختيارخواهندداشت **.** بعلاوه،بسيجنيروهايمردميازطريقمبارزهطلبيسياسي،موسساتمـستقلجامعهراتقويتخواهدکرد **.** تجربهيکباربهکارگيريموثرقدرت،تامدتهافراموشنخواهدشد**.** دانشومهـارتيکهدرمبارزهبهدستآمدهباعثخواهدشدتامردمديگربهسادگيزيرسلطهديکتاتورهاياحتماليقرارنگيرنـد **.**

اينتغييردرروابطقدرت،درنهايتتاسيسيکجامعهدموکراتيکپايارابيشازپيشامکانپذيرخواهدنمود**.**

**کمک خارجي**

بهعنوانبخشيازآمادهسازياستراتژيبزرگ،مهماستکهنقـشمقاومـتگـرانداخلـيوهمچنـينفـشارهايخارجيدرفروپاشاندنديکتاتوريارزيابيوتعيينشود**.** دراينتحليلاستدلالکرديمکهقواياصليمبارزهبايدازداخلخودکشوربرخيزد **.** اينمبارزهداخلياستکهمساعدتبينالملليراتادرجـهايتحريـکمـيکنـدکـهبـهميدانبيايد**.**

بهعنوانكمكيملايمتر،تلاشهاميتوانندبرايبسيجافکارعموميجهانعليهديکتاتوري،موافقبـابـشردوستي،اخلاقواصولمذهبيبهکارگرفتهشوند **.** تلاشهاميتوانندبهمنظوردستيابيبهجريمههايديپلماتيک،سياسيواقتصاديتوسطدولتهاوموسساتبينالملليعليـهديکتـاتوريجهـتگيـريشـوند **.** ايـنمـواردمـيتواننـددرشکلهايتحريماقتصاديونظامي،کاهشسطحبهرسـميتشـناختنديپلماتيـکيـاقطـعروابـطديپلماتيـک،ممنوعيتهمکاريهاياقتصاديومنعسرمايهگذاريدرکشورديکتاتوري،اخراجدولتديکتاتوريازسازمانهـايمختلفبينالملليوبدنهسازمانمللباشد **.** علاوهبراين،کمکهايبينالمللي،همانندتهيهکمکهاياقتـصاديوارتباطي،ميتوانندمستقيمادراختيارنيروهايدموکراتقراردادهشوند**.**

**تنظيم استراتژي بزرگ**

پسازارزيابيوضعيت،انتخابروشومشخصنمودننقشکمکهايخارجي،برنامهريزاناستراتژيبـزرگبايـدطرحکليايازبهترينرونديکهمبارزهميتواندهدايتشودراتهيهکنند **.** اينطرحگستردهبايدازحالتاآينـدهفرآيندکسبآزاديوموسساتسيستمدموکراتيکراشاملشود **.** درتنظيماستراتژيبزرگبرنامـهريـزاناحتيـاجدارندتاازخودسوالاتگوناگونيبپرسند **.** سوالاتزيرانواعملاحظاتيکـهدرتعبيـهيـکاسـتراتژيبـزرگ،بـرايمبارزهطلبيسياسي،مورداحتياجاندرا **(**بهشيوهايمشخصترازگذشته**)** مطرحميکنند **:**

جامعترينتصوركليازاينکهديکتاتوريچگونهميتواندخاتمهيابدودموکراسيجايگزينآنشودچيست؟

11‐Palace Revolutionدراصطلاحسياسيبهمعنايتغييرقدرتازطريقبهکارگيرينقشهايحسابشدهازسوينيروهايدروندايرهقدرتاست**.**

مبارزهدرازمدتچگونهميتواند بهبهترينوجهآغاز شود؟مردمتحتستمچگونهميتواننـداعتمـادبـهنفـسوقدرتکافيبراياقدامبهمبارزهعليهديکتاتوري،فعلادرحديمحدود،بهدستبياورنـد؟ظرفيـتبـهکـارگيريعدمهمکاريومبارزهطلبيدرمردمچگونهبايدباگذشتزمانوتجربهافزايشيابد؟بهمنظـوربازيـافتنکنتـرلدموکراتيکبرجامعهومحدودکردنديکتاتوريهدفمجموعهايمحدودازمبارزاتچهچيزهاييميتواندباشد؟آياموسساتمستقليوجوددارندکهازديکتاتوريجانسالمبهدربردهوامکـاناسـتفادهازآنـانبـرايبرقـراريآزاديوجودداشتهباشد؟کدامموسساتجامعهميتوانندبرکنترلهايديکتاتورغالبشوند،يـاکـدامموسـساتبايددوبارهبهدستدموکراتهابهمنظورپاسخدهيبهنيازهايآنانوتاسيسجودموکراسي،حتيدرصورتادامهديکتاتوري،ايجادشوند؟

قدرتتشکيلاتيچگونهميتوانددرمقاومتتوسعهيابد؟مشارکتکنندگانچگونهميتوانندآموزشببينند؟چـهمنابعي **(**مالي،تجهيزاتوغيره **)** درمبارزهلازمخواهندبود؟چهنوعنمادهاييميتوانندبهموثرترينروشتودههـارابسيجکنند؟

ازطريقچهنوعاقداماتيودرطيچهمراحليمنابعقدرتديکتاتورميتوانندبهصورتدائميتضعيفشوندودرنهايتازبينبروند؟مردممقاومتکنندهچگونهميتوانندهمزمانبررويمبارزهپافـشاريکننـدودرعـينحـالانضباطلازمغيرخشونتآميزرانيزرعايتکنند؟نظماجتماعيچگونهميتوانددرحـينکـشمکشحفـظشـود؟وقتيپيروزينزديکاست،مقاومتگراندموکراتچگونهميتوانندبـهسـاختنپايـههـايسـازمانيجامعـهپـسا‐ديکتاتوريادامهدهندتاگذارراتاآنجاکهممکناستهموارکنند؟

بايدبهيادداشتکهبرنامهکارييگانهايوجودندارد،يانميتواندوجودداشتهباشد،کهبراساسآنبتـوانبـرايهرجنبشآزاديبخشيعليهديکتاتوري،استراتژيبزرگيطراحيکرد **.** هرمبارزهايبرايبـهپـايينکـشيدنيـکديکتاتوريوتاسيسسيستميدموکراتيکتاحديبامبارزاتديگرمتفاوتخواهدبـود **.** هـيچدومـوقعيتيدقيقـاشبيهيکديگرنخواهندبود،هرديکتاتوريبرخيمشخصاتويژهخودراخواهدداشت،وظرفيتآزاديطلبيمردمبايکديگرتفاوتخواهدداشت **.** برنامهريزاناستراتژيبزرگبرايمبارزهطلبيسياسيبهدرکـيعميـقنـهفقـطازشرايطويژهمبارزهخود،کهازروشانتخابشدهبرايمبارزهنيزاحتياجخواهندداشت**.**

وقتياستراتژيبزرگبادقتطراحيشد،دلايلواضحيبرايعلنيکردنآنوجـوددارد **.** تعـدادبـسيارزيـاديازمردمکهبهمشارکتآناننيازاست،درصورتدرکمفهومکلي،درستهماننددستوراتخاص،احتمالابااشتياقوتوانبيشتراقدامبهمشاركتخواهندکرد**.** ايندانشبهصورتبالقوهتاثيريبسيارمثبتدرروحيهواشتياقآنانبرايمشارکتواقداممناسبخواهدداشت **.** طرحکلياستراتژيبزرگبههرحالبرايديکتـاتورمـشخصخواهـدشدودانستنخصوصياتآنبهصورتبالقوهباعثهدايتويبهسمتکاستنازبيرحميهادرسـرکوبخواهـدشدچراکهويخواهدفهميدکهاينبيرحميهاميتوانندبهصورتسياسيبهسمتخودويبازگردند **.** آگاهيازمشخصاتويژهاستراتژيبزرگميتواندبهصورتبالقوهباعثبروزاختلافوترکخدمتدراردوگاهديکتاتورشود**.**

هنگاميكهيكبرنامهاستراتژيکبرايبهپايينکشيدنديکتاتوريوتاسيسسيستميدموکراتيـکطـرحريـزيشد،برايطرفداراندموکراسيمهماستکهبراجرايآنپافـشاريکننـد **.** تنهـادرشـرايطيبـسيارنـادرمبـارزهميتواندراهخودراازاستراتژيبزرگابتداييجداکند **.** برنامهريزانتنهاهنگاميکهشواهدفراوانـيوجـودداشـتهباشدکهاستراتژي بزرگانتخابشدهاشتباهبوده،ياهنگاميکهشرايطمبارزهبه صورتپايهايتغييرکردهباشند،ممکناستاحتياجبهتغييراستراتژيبزرگداشتهباشند **.** حتـيآنگـاهنيـز،ايـنعمـلبايـدتنهـاپـسازاينکـهارزيابيايدوبارهانجامگرفتوطرحاستراتژيبزرگجديديتوسعهيافتوپذيرفتهشد،انجامشود**.**

**برنامه ريزي استراتژي مبارزه**

هرچقدرهمکهاستراتژيبزرگيکهبرايپاياندادنبهديکتاتوريوتاسيسدموکراسيتوسعهيافته،هوشمندانهواميدبخشباشد،يکاستراتژيبزرگبهخوديخودانجامنميشود**.** استراتژيهايخـاصبايـدبـرايرهبـرييـكرشتهعملياتمبارزهطلبانهباهدفبهتحليلبردنقدرتديکتـاتورتوسـعهيابنـد **.** ايـناسـتراتژيهـا،بـهترتيـب،محدودهايازفعاليتهايتاکتيکيکههدفشانواردکردنضربههايکاريبهديکتاتوراسترابايکـديگرهمـسوميکنند**.** تاکتيکهاوروشهايخاصاقدامبايدبادقتانتخابشوندتابتواننددردستيابيبههدفهايخاصهراستراتژيمشارکتداشتهباشند**.** بحثدراينجاتنهادرسطحاستراتژيتمركزمييابد**.**

استراتژيستهاييکهبرنامهريزيسلسلهمبارزاتبزرگراانجامميدهند،همانندآنهـاييکـهاسـتراتژيبـزرگرابرنامهريزيکردهاند،احتياجبهدرکيکاملازطبيعتوشيوههايعملتکنيکمبارزاتيانتخابشدهدارند **.** درستهمانگونهکهفرماندهاننظاميبايدساختارها،تاکتيکها،فنلشکرکشي،تدارکجنگافـزار،تـاثيراتجغرافيـاييومواردمشابهرابرايطراحياستراتژينظاميدرککنند،برنامهريزانمبارزهطلبـيسياسـينيـزبايـدازطبيعـتواصولاستراتژيکمبارزهغيرخشونتآميزدرکيکاملداشتهباشند **.** هرچندکهحتيباداشتندانشدربارهمبـارزهغيرخشونتآميز،دقتبهتوصيههاياينکتابوپاسخبهپرسشهايمطرحشده،استراتژيهابهخـوديخـودبـهوجودنميآيند**.** تنظيماستراتژيهايمبارزاتينيازبهقوهابتکارپرورشيافتهدارد**.**

دربرنامهريزياستراتژيبـراييـكرشـتهمبـارزاتبخـصوصوبـرايتوسـعهدرازمـدتتـرمبـارزهآزاديبخـش،استراتژيستهايمبارزهطلبيسياسيبايددربارهاحتياجدارندتابهمسائلومشکلاتبسياريفکرکنند**.** ازجمله **:**

تعيناهدافخاصازيكرشتهمبارزاتوسهمآنهادرپيشبرداستراتژيبزرگ

توجهبهروشهايخاص،ياسلاحهايسياسيايکهميتوانندبهبهتـرينوجـهبـرايپيـشبرداسـتراتژيانتخابشدهاستفادهشوند**.** درونهرنقشهکليبراييكرشتهمبارزاتخاص،لازماستتاتشخيصدهيمكهچهنقشههايکوچکتروتاکتيکيوچهروشهاياقداميبايدبرايواردکردنفشارومحـدودنمـودنمنابعقدرتديکتاتوراستفادهشوند **.** بايدبهيادداشتهباشيمکهرسيدنبهاهـدافبـزرگنتيجـهانتخـابدقيقوپيمودنگامهايکوچکاست**.**

تعييناينکهآيامسائلاقتصاديبايدبامبارزهسياسـيمـرتبطباشـندواگـرآري،چگونـه؟اگـرمـسائلاقتصاديدرمبارزهمهمهستند،بايددراينفکربودکهنارضايتيهاياقتصاديپـسازپايـانديکتـاتورياصلاحشوند**.** درغيراينصورت،اگرراهحلهاييسريعدردورهگذاربهدموکراسيآمادهنباشند،نارضايتيهاوبيميليهاشروعخواهندشد **.** اينگونهنارضايتيهاميتوانندظهوردوبارهنيروهايديکتاتوري،کـهوعـدهپايانمشكلاتراميدهند،تسهيلکنند**.**

پيشاپيش مشخصکردناينکهچهنوعرهبريوچهنوعسيستمارتباطي بهترينکـارکردرابـرايشـروعمبارزهدارد**.** کدامروشهايتصميمگيريوبرقراريارتباطدرطـولدورانمبـارزه،بـرايراهنمـاييدائـممقاومتگرانومردمموجودخواهندبود؟

منعکسکردناخبارمقاومتبهمردم،نيروهايديکتاتورورسانههايبينالمللي**.** ادعاهاوگزارشهاهميشهبايدکاملاواقعيباشند**.** بزرگنماييوادعاهايبياساس،اعتبارمقاومتگرانراكاهشخواهدداد**.**

برنامههاييبراياقداماتخودکفاوسودمنداجتماعي،آموزشي،اقتصاديوسياسيبهمنظورپاسخگوييبهنيازهايمردمدرطولمبارزه **.** ايـنطـرحهـاحتـيمـيتواننـدتوسـطافـراديکـهمـستقيمادراقـداماتمقاومتگرانهشرکتندارندنيزرهبريشوند**.**

تعييناينکهچهنوعکمکخارجيبرايحمايتازيكرشتهاقداماتبخصوصياکلمبـارزهآزاديبخـشموردانتظاراست **.** کمکخارجيچگونهميتواندبهبهترينوجهبسيجشدهواسـتفادهشـودبـدوناينکـهمبارزهداخليبهعاملخارجيخاصيوابستهشود؟بايدبهايننکتهتوجهكردکهکدامگروههايخارجيبرايکمکمناسبتروشايستهترهستند،مثلاسازمانهايغيردولتي **(**جنبشهـاياجتمـاعي،گـروههـايدينيياسياسي،اتحاديههايکارگريوغيره**)**،دولتها،وياسازمانمللوبخشهايمختلفآن**.**

علاوهبراين،برنامهريزانمقاومتبايددرطولمقاومتتودهايعليهکنترلديکتاتوري،برايحفـظنظـمورعايـتالزاماتجامعهتوسطنيروهايخودنيزاقداماتيصورتدهند **.** اينموضـوعنـهفقـطباعـثايجـادنـوعجديـديازساختارمستقلدموکراتيکميشودوازاينطريقبهاهدافاصليکمکميکندبلکهدرعينحالاعتبـارهرگونـهادعاييکهسرکوببيرحمانهرابرايمبارزهبابينظميوبيقانونيلازمبداندرانيزازبينميبرد**.**

**گسترش انديشهٔ عدم همکاري**

برايمبارزهطلبيموفقعليهديکتاتوري،ضرورياستکهمردمانديشهعدمهمکاريراکاملادرککنند**.** همانگونهکهدرداستان **»**اربابميمونها**« (**بهفصلسومنگاهکنيد **)** تشريحشد،ايدهاصليسادهاست **:** اگـرتعـدادکـافياززيردستانباوجودسرکوبهابهمدتکافيازادامههمکاريباديکتاتورسرباززنند،سيستمستمگرضعيفشـده،درنهايتفروخواهدپاشيد**.**

مردميکهتحتديکتاتوريزندگيميکننداحتمالاپيشازاينهمازمنابعمختلفبااينمفهومآشنابودهانـد**.** بـااينحالنيروهايدموکراتيکبايدتعمـداوازرويفكـر،انديـشهعـدمهمکـاريرافـراگيـرکننـد **.** داسـتان **»**اربـابميمونها**«**،ياداستانيمشابه،ميتوانددرتماميجامعهپخشومنتشرشود **.** اينچنينداستانيبهآسانيقابلدرکاست**.** يکبارکهمفهومکليعدمهمکاريدرکشد،مردمقادرخواهندبودتاارتباطآنبافراخوانهـايآتـيبـرايعدمهمکاريباديکتاتوررامتوجهشوند **.** آنهاهمچنينقادرخواهندبودتادرموقعيتهـايجديـد،هـزارانگونـهمختلفازروشهايعدمهمکاريراابداعکنند**.**

باوجودمشکلاتوخطراتموجوددرتلاشبرايپخشانديشهها،اخباروآمـوزشهـايمقاومـتتحـتحکومـتديکتاتوري،دموکراتهابارهاثابتکردهاندکهانجامايناعمالممکناست **.** حتيدرحکومتآلماننازيوشورويکمونيستهابراي مقاومتکنندگاناينامکانوجودداشتکهبااستفادهازانتشارروزنامههايغيرقانوني،جزوههـا،کتابهاودرسالهاياخيرتوسطنوارهايصوتيوتصويري،نهفقطبينافرادمستقلکهحتـيبـرايمخـاطبينوسيعوعامنيزارتباطبرقرارکنند**.**

باکمکبرنامهاستراتژيکازپيشآمادهشده،راهنماهايکليمقاومتميتوانندآمادهومنتشرشوند **.** اينراهنماهابهمردمنشانخواهنددادکهدرچهمسائليوتحتچهشرايطيبايدمقاومتکنندوازهمکاريخوددارينمايندواينكارهاراچگونهبايدانجامدهند **.** حالا،حتياگرارتباطمـردمبـارهبـرينيروهـايدمـوکراتقطـعشـود،ودستوراتبخصوصيصادرنشونديامردمامکاندريافتآنهارانداشتهباشند،مردمخواهنددانستکهچگونهبايـددرمسائلمهمواکنشنشاندهند **.** اينراهنماهاهمچنينميتوانندبهعنوانآزمونيبرايتعييناعتبار **»**دستوراتمقاومت**«** دروغينيکهتوسطپليسسياسيبهمنظورتحريکمردمبهاقداماتبدنامکنندهپخشميشـوند،عمـلکنند**.**

**سرکوب و اقدام متقابل**

طراحاناستراتژيكبايدواكنشهاوسركوبهاوبخصوصآستانهخـشونتديكتـاتوردرمقابـلمقاومـتكننـدگاندموكراتراارزيابيكنند **.** لازماستتصميمگيريشودكهچگونهبايدايستادگيكرد،عملمتقابلانجامداديـاازسركوبيهايتشديدشوندهبدونتسليمشدن،اجتنابكرد **.** ازنظرتاكتيكيدرمواقعخـاص،هـشدارهايمناسـبدربارهسركوبيهايموردانتظاربايدبهمردمومقاومتگراندادهشودتاآنهاازريسكمشاركتخودآگاهباشـند **.**

اگراحتمالسركوبيشديدوجودداشتهباشد،امكاناتپزشكيبرايارائهخدماتبهمصدومينبايدآمادهباشد**.**

باموردانتظاربودنسركوبي،استراتژيستهاپيشاپيشتمامسعيخودراميكننـدتـاازتاكتيـكهـاوروشهـايياستفادهكنندكهدرعينكمككردنبرايرسيدنبهاهداف،ياآزادي،احتمالوقوعسركوبيهايبيرحمانهرابـهحداقلبرسانند**.** برايمثال،تظاهراتورژهرفتنمردمدرخيابانهاعليهديكتاتوريشديد،شايدمهـيجباشـدولـيجانهزارانتظاهراتكنندهرابهخطرمياندازد**.** هزينهبالابرايدموكراتهاالزامابهمعنايواردكردنفشاربيشتربهديكتاتور،نسبتبهزمانيكههمينمردمدرخانههايخودميماندند،اعتصاب،ياعدمهمكاريهايكلانتوسـطكارمنداندولت،نيست**.**

اگرپيشنهادشدكهاقداممقاومتگرايانهتحريكآميز،كهخطرزياديدرپيدارد،برايهدفياستراتژيكموردنيازاست،آنگاهبايدبادقتدربارههزينههاوفايدههاياينپيشنهادفكركرد**.** آيامردمومقاومتگراندرطيمبارزهبـاانضباطومنشغيرخشونتآميزرفتارخواهندكرد؟آياميتواننددربرابرمحركهايخشونتآميزمقاومتكننـد؟برنامهريزانبايددربارهاينكهچهاقداماتيبايدبـرايحفـظانـضباطغيرخـشونتآميـزوادامـهمقاومـتبـاوجـودبيرحميهابهعملبيايند،فكركنند **.** آياايناقدامات،ازجملهتعهدات،اطلاعيههايمشخصكنندهخطمشيهـا،جزوههايانضباطي،برقراركنندگاننظمتظاهراتوتحريمافرادوگروههايخشونتطلبممكـنومفيـداسـت؟رهبرانبايدهميشهنسبتبهحضوركارگزارانتحريككنندهكهماموريتآنهابهخشونتكشاندنتظاهراتاستهوشيارباشند**.**

**وفاداري به برنامه استراتژيك**

يكباركهبرنامهاستراتژيكدرستبهاجراگذاشتهشد،نيروهايدموكراتيكنبايدباحركـاتفرعـيديكتـاتوركـهممكناستآنهاراازاستراتژيبزرگواستراتژيهايمرتبطبايكسلسلهعملياتخـاصمنحـرفكنـدوباعـثشودكهاقداماتعمدهمصروفمسائلكماهميتشود،ازمسيرخودمنحرفشوند **.** همينطورنبايـدبـهاحـساساتلحظهاي‐شايددرواكنشبهبيرحميهايجديدازسويديكتاتور‐اجازهدادهشودكهمقاومتگراندموكراتراازاستراتژيبزرگيااستراتژيهايمرتبطبايكسلسلهعملياتمنحرفنمايند**.** بيرحميهاشايدبادقتايجادشدهباشندتانيروهايدموكراتراخشمگينوتحريككردهتانقشهدقيـقخـودراتـركگفتـهوحتـيوارداقـداماتخشونتآميزشوند،يعنيدرحوزهايكهديكتاتورهابهخوبيميتوانندآنانراشكستدهند**.**

تاوقتيكهتحليلاصليدرستتشخيصدادهشود،وظيفهآزاديخواهان،پيشرويمرحلهبهمرحلهاست **.** مطمئنـادرتاكتيكهاواهدافتغييراتيبهوجودخواهدآمدورهبرانخوبهميـشهبـراياسـتفادهازفرصـتهـاآمـادگيخواهندداشت**.** اينتنظيماتنبايدبااهدافاستراتژيبزرگيااهدافاستراتژيهايمرتبطبايـكرشـتهعمليـاتمغشوششوند **.** اجرايدقيقاستراتژيبزرگانتخابشدهواستراتژيهايمرتبطبايكرشتهمبارزاتخاصسهمبزرگيدررسيدنبهموفقيتايفاخواهدكرد**.**

**فصل هشتم**

**كاربرد مبارزه طلبي سياسي**

دروضعيتهاييكهمردماحساسبيقدرتيوترسميكنند،مهماستكهاوليناقداماتبرايمردمكمخطربودهودرآنهاحساعتمادبهوجودآورد **.** ايننوعاقدامات‐مثلپوشيدنلباسبهطريقهايغيـرعـادي‐مـيتواننـدمخالفتيعموميرابهنمايشبگذارنـدوفرصـتيبـرايمـردمفـراهمكننـدتـابـهصـورتيمعنـيداردراقـداماتمخالفتجويانهشركتنمايند**.** درمواردديگرموضوعيغيرسياسيونسبتاكوچكوسطحي **(** مانندتامينيكمنبعآبمطمئن **)** ميتوانددرمركزتوجهاقداماتگروهيقرارگيرد **.** استراتژيستهابايدموضوعيراانتخـابكننـدكـهارزشآنبرايهمهشناختهشدهبودهودرنتيجهعدمپذيرشآنمشكلباشـد **.** موفقيـتدرايـنرشـتهمبـارزاتكوچكعلاوهبراينكهمشكليكوچكراحلميكند،مردمرانيزنسبتبهدارابودنقدرتيبالقوهمتقاعدميسازد**.**

هدفبيشتراستراتژيهاييكرشتهمبارزاتدريككشمكشدرازمدت،نبايدسرنگونيآنيوكامـلديكتـاتوريباشد،بلكهبهجايآن،ايناستراتژيهابايددرپيكسباهدافمحدودباشند **.** همينطورتمامرشـتهمبـارزاتهـمنيازيبهمشاركتتماميبخشهايجامعهندارند**.**

بههنگامتفكردربارهيكرشتهعملياتبخصوصبرايپيشبرداستراتژيبزرگ،استراتژيستهايمبارزهطلـبنيـازدارندتابادقتبهتفاوتهايموجوددرمراحلابتدايي،ميانيوپايانييكمبارزهدرازمدتبيانديشند**.**

**مقاومت گزينشي**

درمرحلههاياوليهمبارزه،رشتههايمستقليازمبارزاتبااهدافخاصميتواننـدبـسيارمفيـدباشـند **.** اينچنـينمبارزاتگزينشيايبايديكيپسازديگرياجراشوند**.** گهگاههمدوياسهموردازآنهاممكـناسـتبـهصـورتهمزماناجراشوند**.**

دربرنامهريزياستراتژيبرايمقاومتگزينشيمهماستكه موضوعاتخاصو محدوديامشكلاتيكهبهصـورتيعام ستمگريديكتاتوررانشانميدهند،مشخصشوند **.** اينگونهموضوعاتميتواننداهدافمناسـبيبـرايهـدايترشتهايازمبارزاتباشندكهازطريقآنهاميتوانبهاهدافاستراتژيكميانهدرداخليكاستراتژيكليدسـتيافت**.**

ايناهدافاستراتژيكميانهبايدتوسطظرفيتقدرتفعلينيروهايدموكراتقابلدستيـابيباشـند **.** ايـنمـسالهدستيابيبهيكدنبالهازموفقيتهاراتضمينميكندكهبرايروحيهمردممفيدبودهوهمچنينباعثتغييرموثروافزايشيابندهروابطقدرتدرمبارزهدرازمدتميشود**.**

استراتژيهايمقاومتهايگزينشيبايددرابتدابررويمسائلخاصاجتماعي،اقتصاديياسياسيمتمركزشـوند **.** آنهاميتوانندباهدفخارجكردنبخشيازجامعهوسيستمسياسياززيركنترلديكتاتور،يابرايبازپسگيـريكنترلبخشهاييكهاكنونتوسطديكتاتوركنترلميشوند،يانهايتابهمنظورنفيسلطهديكتاتوربريكمحدودهانتخابشوند **.** همانگونهكهقبلاگفتهشده،اگرممكنباشدرشتهمبارزاتمربوطبهيكمقاومتگزينشيبايـدبـهيكياچندنقطهضعفديكتاتورحملهكنند **.** بهاينوسيلهدموكراتهاقادرخواهندبودتاباظرفيتقدرتموجـودخود،كارآترينضربهراواردكنند**.**

استراتژيستهاسريعانيازخواهندداشتتالااقلاستراتژياولينرشتهمبـارزاترابرنامـهريـزيكننـد **.** امـااهـدافمحدودآنبايدشاملچهچيزهاييباشد؟اينرشتهمبارزهچگونهميتواندبهايفاياستراتژيبزرگانتخابشـدهكمككند؟اگرامكانداشتهباشد،هوشمندانهاستكهلااقل،خطوطكلياستراتژيمربوطبهرشتهعمليـاتدوموسومنيزتنظيمشوند**.** همهايناستراتژيهابايدبهپيشبرداستراتژيبزرگانتخابشدهكمككردهودرمحدودهخطوطكليآنعملنمايند**.**

**مبارزه نمادين**

درهنگامشروعيكرشتهمبارزهبهمنظورضعيفكردنديكتاتوري،احتمالادرابتداميدانعملاقداماتسياسـيمحدودخواهدبود **.** ايناقداماتبايدباهدفسنجشوتاثيرگذاريبرحالوهوايمردموآمادهكـردنآنـانبـرايپيگيريمبارزهازطريقعدمهمكاريومبارزهطلبيسياسيطراحيشوند**.**

نخستيناقداماحتمالابايدنوعياعتراضيااقدامنمادينمحدودياموقتيباشد **.** اگرتعدادافراديكـهعلاقمنـدبـهاقدامهستندكماست،آنگاهنخستيناقدامميتواند،برايمثال،شاملگذاشتنگـلدرمحلـيباشـدكـهاهميتـينماديندارد **.** ازطرفديگر،اگرتعدادكسانيكهخواهانشركتدراقدامهستندبسيارزياداست،آنگاهپنجدقيقـهتوقفكاملوعدمانجامهرگونهحركتيياچنددقيقهسكوتميتواندبهكارگرفتهشود **.** دروضـعيتهـايديگـر،اشخاصمعدوديميتواندبهاعتصابغذا،شبزندهداريدرمحليكهاهميتنماديندارد،تحريمكوتاهكلاسهـا،ياتحصندرمحليمهمدستبزنند **.** تحتيكحكومتديكتاتوري،ايناقـداماتكـهجنبـهتهـاجميتـريدارنـداحتمالاباسركوبيخشنيمواجهخواهندشد**.**

اقداماتنمادينخاص،ماننداشغالفيزيكيمحوطهروبرويقصرديكتاتوريااشغالدفـاترمركـزيپلـيسسياسـيممكناستدارايخطرزياديباشدوبههميندليلبرايشروعرشتهمبارزاتتوصيهنميشوند**.**

اوليناقداماتاعتراضينمادينگاهيتوجهمليوبينالمللي وسيعيبرانگيخته است،مانندتظاهراتخيابانيبرمـهدر ۱۹۸۸ياتصرفواعتصابغذايدانشجوياندرميدانتيانانمنپكندر۱۹۸۹**.** تلفات بالاياينتظاهرات درهردوموردبهتوجهفراوانياستكهاستراتژيستهابايددربرنامهريزيبرايمبارزاتبهآنتوجهكنند،اشارهدارد **.** بـاوجودضرباتعظيماخلاقيورواني،بعيداستكهاينگونهاقداماتبهتنهاييموجبسقوطديكتاتوريشـوند،چـراكهايناقداماتكاملانمادينباقيميمانندوتغييريدروضعيتقدرتديكتاتوريايجادنميكنند**.**

معمولادرهنگامشروعمبارزهامكانجداكردنكاملوسريعمنابعقدرتديكتاتورهاوجودندارد**.** برايتحققايـنامرتماميمردموموسساتيكهتاديروزكاملامطيـعبـودهانـد،بايـدمطلقـارژيـمرانفـيكننـدودريـكآنبـاعدمهمكاريوسيعوقدرتمند،آنرابهمبارزهبطلبند **.** اينموضوعهيچگاهتحققنيافتهودسـتيـابيبـهآننيـزبسيارمشكلاست **.** بههميندليـل،دربيـشترمـواردانتظـاريـكعـدمهمكـاريومبـارزهطلبـيسياسـيسـريع،استراتژيايغيرواقعبينانهبرايمبارزهعليهديكتاتورياست**.**

**توزيع مسووليت**

درطوليكرشتهمبارزهگزينشي،بارمبارزهدرهرزمانبردوشيكياچندبخشازجامعـهاسـت **.** درمبـارزاتبعديوبرايرسيدنبههدفهايديگر،بارمبارزهبايدبردوشگروههايجمعيتيديگرمنتقلشود **.** بـرايمثـال،دانشجويانميتوانندبرايموضوعاتتحصيليبهاعتصابدستبزنند،رهبرانمذهبيوپيروانآنهـاممكـنرويآزاديموضوعيمذهبيتمركزكنند،كارگرانراهآهنممكناستبهصـورتعمـديوفـاداريبـيشازحـديبـهآييننامههايايمنينشاندهندودرنتيجهبازدهيسيستمحملونقلراپايينبياورند،روزنامهنويسهامـيتواننـدبرايمبارزهباسانسوربخشهاييازروزنامهكهحاويمقالاتحذفشـدهاسـتراسـفيدچـاپكننـد،يـاپلـيسميتوانددائمادرتشخيصمحلودستگيريدموكراتهايتحتتعقيقومخالفاشتباهكند**.** مرحلهايكردنرشتهمبارزاتبراساسموضوعوگروههايجمعيتي،درعيناينكهمبارزهادامهمييابد،بهبخشهـايخاصـيازجامعـهفرصتاستراحتخواهدداد**.**

مقاومتگزينشيبخصوصبرايدفاعازموجوديتواستقلالگروههـاوموسـساتمـستقلاجتمـاعي،اقتـصاديوسياسيخارجازكنترلديكتاتوريكهقبلادربارهآنهابحثشده،مهماست **.** اينمراكزقدرتموسساتپايـهايرافراهمميكنندكهمردمازطريقآنهاخواهندتوانستفشارواردكننـديـادربرابـركنتـرلديكتـاتوريمقاومـتنمايند**.** درمبارزه،اينموسساتجزواوليناهدافديكتاتوريخواهندبود**.**

**هدف گيري قدرت ديكتاتور**

همچنانكهمبارزهدرازمدتازاستراتژيهاياوليهبهسـمتمراحـلبلندپروازانـهوپيـشرفتهتـرتوسـعهمـييابـد،استراتژيستهانيازدارندتابررسينمايندكهچگونهميتوانمنابعقـدرتديكتـاتوررامحـدودتركـرد **.** هـدفايـنبررسيبايداستفادهازعدمهمكاريمـردمبـرايرسـيدنبـهوضـعيتسـودمندتراسـتراتژيك،بـهنفـعنيروهـايدموكراتيك،باشد**.**

باقدرتگرفتننيروهايمقاومتگردموكرات،استراتژيستهابايـدمبـارزهطلبـيوعـدمهمكـاريبلندپروازانـهتـريطراحيكنندتاباهدفايجادفلجسياسيتوسعهيابندهودر نهايتفروپاشاندن خودديكتاتوري،منابعقـدرتراازآن جدانمايند**.**

لازماستتادقيقابرنامهريزيشودكهنيروهايدموكراتيكچگونهميتوانندحمايتمردموگروههاييكهپيشازايندراختيارديكتاتورقرارميگرفتندراتضعيفكنند **.** حمايتمردمباآشكارسازيبيرحمـيهـاييكـهازسـويرژيماعمالشده،تضعيفخواهدشد؟باافشاءنتايجاقتصاديمصيبتبارسياستهاياعمالشدهازسويديكتاتورچطور؟يابادركاينموضوعكهديكتاتوريقابلخاتمهدادناست؟حمايتهاييكهازديكتاتورميشودبايدتـاآنجاتضعيفشودكهبهحداقداماتبيطرفانهبرسد **(** نظارهگران **)** ياحتيترجيحـابـهحمايـتفعـالازاقـداماتطرفداردموكراسيتبديلشود**.**

درطولبرنامهريزيواجرايمبارزهطلبيسياسي،وعدمهمكـاري،حمايـتگـرانوپـشتيبانانديكتـاتورازجملـهگروههايداخلي،احزابسياسي،پليس،ماموراناداريوخصوصاارتشبايدموردتوجهومواظبتدقيققرارگيرند**.**

درجهوفادارينيروهاينظامي،چهسربازانوچهافسران،نسبتبـهديكتـاتوربايـدبـادقـتتخمـينزدهشـودومشخصشودكهنيروهايدموكراتيكتوانتاثيرگذاريبرآنهارادارنديانه **.** شايدبسياريازسـربازانعـاديبـهاجباربهسربازيآمدهوناراضيباشند **.** شايدهمبسياريازسـربازانوافـسرانبـهدلايـلشخـصي،خـانوادگييـاسياسينسبتبهحكومتبيگانهشدهباشند**.** كدامعوامـلممكـناسـتسـربازانوافـسرانرادرمقابـلاقـداماتدموكراتيكآسيبپذيرسازد؟

درمراحلنخستينمبارزهآزاديخواهانهبايداستراتژيخاصيبرايايجادارتبـاطبـانيروهـاينظـاميومـامورينديكتاتورتوسعهيابد **.** نيروهايدموكراتيكبايدباكلمات،نمادهاواقداماتخودبهنيروهاينظامياطلاعدهندكـهمبارزهآزاديخواهانهدرنهايتبهپيروزيقطعيوپايداردستخواهديافت **.** نيروهاينظاميبايدمتوجهشـوندكـهاينمبارزه،صرفابرايتحليلبردنقوايديكتاتوراستوزندگيآنهاراتهديدنميكند**.** درنهايتامراينتلاشهاميخواهندروحيهنيروهاينظاميديكتاتورراتضعيفكنندودرپيآنوفـاداريوفرمـانبرداريآنهـانـسبتبـهديكتاتوررابهنفعجنبشدموكراتيكتغييردهند**.** استراتژيهايمشابهيبايدپليسوكارمندانغيرنظاميراهدفقراردهد**.**

بههرحال،تلاشبرايجلبموافقت،ودرنهايت،ايجادنافرمانيدربيننيروهايديكتاتورينبايداشتباهابهتشويقآنانبرايبهشكستكشاندنديكتاتوريباروشهاينظاميتبديلشود **.** ايـننمايـشنامهدرعمـلباعـثبـهكـارگماشتندموكراسينميشودچراكه **(**همانگونهكهقبلابحثكردهايم**)** كودتاعدمتعادلروابطقدرتبينمـردموحكمرانانرااصلاحنميكند**.** بههميندليل،مهمخواهدبودتاطرحيدراينبارهتهيهشودكهچگونهبايدافسرانموافقرامتوجهاينامرنمودكهكودتاياجنگداخليعليهديكتاتوريلازموپسنديدهنيست**.**

افسرانموافقميتوانندنقشيحياتيدرمبارزهدموكراتيكايفاكنند **.** برايمثالآنهاميتوانندحمايتگرگسترشنارضايتيوعدمهمكاريدرنيروهاينظامي،تشويقناكارآمديهـايعمـديوعـدماطاعـتملايـمازدسـتوراتوجلوگيريازاقدامبهسركوبباشند **.** همچنينكاركناننظاميميتوانندبهجنبشهايدموكراتيك،انواعگونـاگونيازهمياريهاي بدونخشونتهمچونگذرگاههايامن،اطلاعات،غذا،تداركاتپزشكيومواردمشابهراارائهكنند**.**

ارتشيكيازمهمترينمنابعقدرتديكتاتورهاستچراكهميتواندازانضباطنظاميواحدهايخودوجنگافزارشمستقيمابرايحملهوتنبيهمردمنافرماناستفادهكند **.** استراتژيستهايمبارزهطلببايدبهيادداشتهباشـندكـهاگر پليس،ماموراناداريونيروهاينظامي كاملاپشتيبانديكتاتورباقيبمانندونسبت بـهدسـتوراتوي مطيـعباشند،شكستدادنديكتاتوريبسيارمشكلياحتيغيرممكنخواهـدبـود **.** بـههمـيندليـلاستراتژيـستهـايدموكراتبايدبهاستراتژيهاييكههدفشانازميانبردنوفادارينيروهايديكتاتوراست،اولويتبالايياختصاصدهند**.**

نيروهايدموكراتيكبايدبهيادداشتهباشندكهنارضايتيونافرمانيدربيننيروهاينظاميوپليسميتواندبراياعضايآننيروهابسيارخطرناكباشد **.** افراداينگروههادربرابرهرگونهنافرمانيبايدانتظارجريمههـايسـنگينودربرابرشورشمنتظراعدامباشند**.** بههميندليلنيروهايدموكراتنبايدازسربازانوافسرانتقاضايشورشهايسريعداشتهباشند **.** بلكه،هنگاميكهارتباطممكناست،بايدروشنكردكـهانـواعبـسيارگونـاگونياز **»**نافرمـانيمبدل**«**١٢وجودداردكهميتواننددرمراحلآغازينمورداستفادهقرارگيرند**.** برايمثال،پلـيسونيروهـايمـسلحميتواننددستوراتمربوطبهسركوبيرابابيكفايتيعمديانجامدهند،محلاختفـايافـرادمـورددرخواسـترااشتباهتشخيصدهند،مقاومتگرانراازسركوبيها،دستگيريهاواخراجهامطلعكنندودرگزارشاطلاعاتمهمبهافسرانمافوقخوداشتباهنمايند **.** افسرانناراضيهمبهنوبهخودميتواننددرزنجيرهانتقالدسـتوراتسـركوباختلالايجادكنند **.** سربازانممكناستبالاترازسرتظاهراتكنندگانراهدفبگيرند **.** بههمينشيوه،كارمنـدانغيرنظاميهمبهسهمخودميتوانندپروندههاوبرگههايدستورراگمنمايند،بابازدهكمكـاركننـدو **»**مـريض **«** شوندتااجازهداشتهباشندكهتاهنگام **»**بهبودي**«** درخانهبمانند**.**

**تغيير در استراتژي**

استراتژيستهايمبارزهطلبيسياسينيازدارندتادائمابرآوردكنندكهاستراتژيبزرگواستراتژيهايمـرتبطبـايكرشتهعملياتخاصبهچهنحودرحالاجراهستند **.** برايمثالممكناسـتكـهمبـارزهآنگونـهكـهانتظـارميرفتادامهپيدانكند **.** دراينحالتلازماستتاتغييراتمورداحتياجدراستراتژيمحاسبهشوند **.** برايافـزايشقدرتجنبشودردستگرفتنابتكارچهكارهاييميشودكرد؟دراينوضعيت،لازماستتـامـشكلمـشخصشود،استراتژيدوبارهارزيابيشود،احتمالامسووليتمبارزهبهگروهديگريازمـردممحـولشـود،منـابعقـدرتديگريبسيجشودودورهجديديازاقداماتتوسعهيابد **.** وقتياينامربهانجامرسيد،طرحجديدبايـدسـريعابـهكاربستهشود**.**

برعكس،اگرمبارزهبسياربهترازآنچهازقبلانتظارميرفتادامهيابدوديكتاتوريزودترازآنچهقبلاپيشبينيشدهبودتحليلرود،نيروهايدموكراتيكچگونهبايدمنافعبهدستآمدهغيرمنتظرهرامتمركـزكننـدوآنرادرجهتازكارانداختنديكتاتوريبهكارگيرند؟پاسخاينسوالرادرفصلبعدبررسيخواهيمكرد**.**

12 Disguised Disobedience

**فصل نهم**

**فروپاشاندن ديكتاتوري**

اثرتجمعيرشتهمبارزهطلبيهايسياسيصحيحهدايتشدهوموفق،ميتواندتقويتمقاومتگـرانوتاسـيسوگسترشبخشهاييازجامعهباشدكهديكتاتوربرايكنترلموثرآنهابامحدوديتهاييمواجـهخواهـدشـد **.** ايـنرشتهمبارزاتهمچنينبايدتجربهايارزشمندازنحوهسرباززدنازهمكاريوچگونگيمبادرتبـهمبـارزهطلبـيسياسيارائهدهند **.** اينتجربههنگاميكهزمانبرايعدمهمكاريومبارزهطلبيگستردهدرمقياسوسيعمناسـبشود،كمكبزرگيخواهدبود**.**

همانگونهكهدرفصلسومديديم،برايباقيماندنديكتاتورهادرقدرت،فرمانبرداري،همكـاريوتـسليممـردمضرورياست**.** بدوندسترسيبهمنابعقدرتسياسي،قدرتديكتاتورتضعيفشدهودرنهايتازبينخواهدرفـت **.** بنابراينبازپسگيريحمايتوپشتيباني،مهمتريناقداملازمبرايفروپاشاندنديكتاتوريميباشد**.** شايدبررسـيشيوهتاثيرگذاريمبارزهطلبيسياسيبرمنابعقدرتسودمندباشد**.**

اقداماتردكنندهنمادينومبارزهطلبيازجملهروشهايموجودبرايتضعيفمشروعيتاخلاقيوسياسيرژيـمديكتاتوريياهمانحقانيتآنهستند **.** هرچقدرمشروعيتنظامبيشترباشد،فرمانبرداريوهمكاريايكهدريافتميكندنيزبيشتروقابلاتكاترخواهدبود **.** برايتهديدموجوديتديكتاتور،عدمپذيرشاخلاقيبايددرعمـلبيـانشود**.** امتناعازهمكاريوفرمانبرداريبرايجداكردنمنابعديگرقدرترژيمموردنيازهستند**.**

دومينمنبعقدرتمهم،منابعانسانيهستند **.** يعنيتعـدادواهميـتافـرادوگـروههـاييكـهازحاكمـاناطاعـتميكنند،باآنانهمكاريمينماينديابهآنانكمكميرسانند**.** اگرعدمهمكاريتوسطبخشهايعمدهايازمـردمبهكارگرفتهشود،رژيمدچارمشكلاتجديايخواهدشد **.** برايمثال،اگركارمندانمدنيبابهرهوريعاديخـودكارنكنندياحتيدرخانهبمانند،دستگاهاداريرژيمشديداتحتتاثيرواقعخواهدشد**.**

بههمينشكل،اگرافرادوگروههاييكهدرعدمهمكاريشركتميكنندشاملآنهاييباشدكهپيشازاينفراهمكنندهمهارتها ودانشتخصصيلازمبودهاند، ديكتاتورشاهدكاهششديدظرفيتخود دراجرايارادهاش خواهدبود**.** احتمالاحتيتواناييويبرايتصميمگيريآگاهانهوتوسعهسياستهايموثرنيزشديداكـاهشپيـداخواهـدكرد**.**

اگرنفوذروانيوايدئولوژيكي‐عواملغيرملموس‐كهمعمولااطاعـتوهمكـاريبـاحاكمـانرابـهمـردمالقـاميكنندتضعيفشوندياواژگونگردند،مردمگرايشبيشتريبهنافرمانيوعدمهمكاريخواهندداشت**.**

دسترسيديكتاتوربهمنابعمادينيزمستقيمابرقدرتويتاثيرميگذارد**.** باتحتكنتـرلگـرفتنمنـابعمـادي،سيستماقتصادي،داراييها،منابعطبيعي،حملونقلووسايلارتباطيتوسطرقبايفعلييابـالقوهرژيـم،منبـعمهمديگريازقدرت،آسيبپذيرشدهوازدسترسديكتاتورخارجخواهـدشـد **.** اعتـصابات،تحـريمهـاوافـزايشخودگردانيواستقلالدربخشهاياقتصادي،ارتباطاتوحملونقلرژيمراتضعيفخواهدكرد**.**

همانگونهكهپيشازاينصحبتشد،تواناييديكتاتورهادرترساندنيابكاربردنضمانتهاياجرايي‐كيفردادنبخشهايسركش،نافرمانومجريعدمهمكاريدرجامعه‐منبعاساسيقدرتآنهـااسـت **.** ايـنمنبـعقـدرتميتواندبهدوشيوهتضعيفشود **.** اول،اگرمردمهمچونمواقـعجنگـيآمـادهباشـندكـهپـيآمـدهايخطرنـاكمبارزهطلبيرابپذيرند،تاثيرگذاريمجازاتهايفعليبهشدتكاهشخواهديافت **(** يعنـيسـركوبگريديكتـاتور،اطاعتموردانتظارراموجبنخواهدشد **).** دوم،اگرخودنيروهايپليسونظاميدلسردشـوند،ممكـناسـتبـهصورتفرديياجمعيازاجرايدستوراتمربوطبهدستگيري،ضربوشتمياشليكبهمقاومتگرانطفرهروندوياآشكاراازاجرايفرامينخودداريكنند **.** اگرديكتاتورديگرنتواندبرايسركوببهپلـيسونيروهـاينظـامياشمتكيباشد،شديداتهديدخواهدشد**.**

بهطورخلاصه،موفقيتدربرابرديكتاتوريمسلح،محتاجتقليلوحذفمنابعقدرترژيمازطريـقبـهكـارگيريعدمهمكاريومبارزهطلبياست **.** بدونبازسازيثابتمنابعضروريقدرت،ديكتـاتوريتـضعيفخواهـدشـدودرنهايتفروخواهدپاشيد **.** بههميندليلبرنامهريزياستراتژيكمناسببرايمبارزهطلبيسياسيعليهديكتاتوريهـابايداصليترينمنابعقدرتديكتاتورراهدفقراردهد**.**

**گسترش آزادي**

رشدموسساتمستقلوخودگرداناجتماعي،اقتصادي،فرهنگيوسياسـيدرطـولدورهمقاومـتگزينـشي،بـههمراهمبارزهطلبيسياسيتدريجاباعثتوسعه **»**فضايدموكراتيك **«** درجامعهوكمترشدنسلطهديكتاتورخواهدشد**.** بههماناندازهكهموسساتمدنيجامعهقدرتميگيرند،قدرتديكتاتوربراياعمالارادهخودتقليلمييابدومردمبهگونهايفزايندهجامعهايمستقلوخارجازسلطهويتشكيلميدهند**.** اگرزمـانيديكتـاتوربـهمنظـورتوقفروندگسترشآزاديواردعملشود،مبارزهغيرخشونتآميزميتواندبرايدفاعازجوآزاديكهبهوجودآمدهبهكاربستهشودوديكتاتوريراباجبههجديديازمبارزهمواجهكند**.**

اينتركيبازمقاومتوساختنموسساتميتواندباعثپيدايشآزاديحقيقيايشودكـهبـهنوبـهخـودخواهـدتوانستديكتاتوريرادرهمشكستهوپيدايشرسمينظاميدموكراتيكراغيرقابلاجتنابسازدچـراكـهروابـطقدرتدرجامعه،اساساتغييريافتهاست**.**

لهستاندر دهه ۱۹۷۰و۱۹۸۰مثالروشنياز بازپسگيريافزايندهكاركردهايجامعـهوموسـساتآن ازطريـقمقاومتاست**.** كليسايكاتوليكتحتآزاروتعقيببودهوليهيچگاهكاملابهزيركنترلكمونيستهادرنيامد**.** در۱۹۷۶روشنفكرانوكارگرانخاصيگروههايكوچكيمثلK.O.R١٣رابرايبهپـيشبـردنعقايـدسياسـيخـودايجادكردند**.** در۱۹۸۰،سازماناتحاديهصنفيهمبستگي١٤باقدرتنماييخوددرايجاداعتصابهايموثر،رسميتيافتنخودرابهدولتتحميلكرد**.** همچنيندهقانان،دانشجويانوبسياريازديگرگروههانيزسازمانهايمستقلويژهخودراتشكيلدادند **.** هنگاميكهكمونيستهادريافتندكهاينگروههاواقعيتهـايقـدرتراتغييـردادهانـد،اتحاديهصنفيهمبستگيقدغناعلامشدوكمونيستهابهحكومتنظاميمتوسلشدند**.**

حتيتحتحكومتنظامي،باوجودبهزندانافكندنهاوشكنجههايشديدمتعدد،موسساتمستقلجديدجامعهبهايفايوظيفهخودادامهدادند **.** برايمثال،چنديندوجينروزنامهومجلهغيرمجازهمچنانبهانتشارخودادامهميدادند**.** درحاليكهنويسندههايمشهور،انتشاراتيهايكمونيستهاوچاپخانههايدولتيراتحريمكردهبودند،چاپخانههايغيرمجازسالانهصدهاكتابمنتشرميكردند**.** اقداماتمشابهيدربخشهـايديگـرجامعـهجريـانداشت**.**

تحتحكومتنظاميجروسلسكي١٥،دولتنظامي‐كمونيستازيكديدگاهباقدرتبرمسندجامعهتكيهزدهبود **.** هنوزصاحبمنصبان،دفاتروساختمانهايدولتيرادرتصرفخودداشتند **.** رژيمكماكانميتوانستباتوسلبـهمجازاتها،دستگيريها،زندانيكردنها،ضبطدستگاههايچاپومواردمشابهجامعهراتحتفشارقراردهد **.** امـا،ديكتاتورينتوانستجامعهراكنترلكند**.** دراينديدگاهتنهانقطهابهام،زمانيبودكهجامعهخواهدتوانسترژيمديكتاتوريراكاملاسرنگونكند**.**

حتيوقتيكهديكتاتوريهنوزموقعيتهايدولتيرادرتصرفخودداردگاهيميتـوانيـك **»** دولـتمـوازي **«** دموكراتيكراسازمانداد **.** اينسازمانميتواندبهگونهايفزايندهبهعنوانيكدولترقيبعملكندكهوفاداري،پذيرشوهمكاريخودراازمردموموسساتاجتماعيدريافتمينمايد**.** درنتيجهديكتاتوريازكاهشروزافـزوناينخصيصههايدولترنجخواهدبرد **.** سرانجام،شايددولتموازيدموكراتيكدرمرحلهايازگـذارخـود،بتوانـدرژيمديكتاتوريراكاملاباسيستميدموكراتيكجايگزيننمايد **.** درآنهنگامميتوانقانوناساسيايتنظيمكردوانتخاباتيرابهعنوانبخشيازدورانگذاربرگزارنمود**.**

**تجزيه ديكتاتوري**

هنگاميكهتحولمبتنيبرموسساتجامعهدرحالوقوعاست،مبارزهطلبيوعدمهمكاريميتوانندشدتيابند **.**

استراتژيستهاينيروهايمقاومتبايدازابتدادراينفكرباشندكهزمانيخواهـدآمـدكـهنيروهـايدموكراتيـكميتوانندازمبارزاتگزينشيقبلي،بهسراغمقاومتهايگستردهبروند **.** دربيشترحالاتبـرايخلـق،سـاختنيـاتوسعهظرفيتهايمقاومتيبهزماناحتياجاستوتوسعهمبارزهطلبيگستردهشايدپسازگذشتچنـدينسـالممكنشود**.** درطولاينزمانسلسلهمبارزاتخاصگزينشيبايدبهسمتمسائلسياسيپراهميتترجهتدهـي

Workers Defense Committee - آميته مقاومت آاگران

Solidarity

Jaruselski

شوند**.** بخشهاي عمدهايازمردمدرتمامي لايههايجامعهبايددراينمبارزاتداخلشوند **.** درطولاين اقـداماتافزايشيابنده،بامبارزهطلبيسياسيمصممومنضبط،ضعفدرونيديكتاتوريبهشدتنمايانخواهدشد**.**

تركيبمبارزهطلبيسياسيقدرتمندانهوايجادموسساتمـستقلاحتمـالاوضـعيتمناسـبيبـرايجلـبتوجـهبينالملليگستردهبهنفعنيروهايدموكراتيكاست **.** اينامرهمچنينممكناستموجباجـرايمحكوميـتهـايديپلوماتيكبينالمللي،تحريمهاوممنوعيتهاييدردفاعازنيروهايدموكراتشـود **(** همچنـانكـهدرلهـستاناينگونهشد **).**

استراتژيستهابايدتوجهنمايندكهدرموقعيتهاييخاصممكناستفروپاشـيديكتـاتوريبـسيارسـريعاتفـاقبيافتد،آنگونهكهدر۱۹۸۹درآلمانشرقيواقعشد **.** اينامرهنگامياتفاقميافتدكهدرپيتنفرشديدمردمازديكتاتوري،منابعقدرتبهصورتگستردهازدولتجداشوند **.** امـاايـنالگـومعمـولنيـستوبهتـراسـتبـرايمبارزهايدرازمدتبرنامهريزيكرد **(** والبتهبرايبرنامهايكوتاهمدتنيزآمادهبود **).**

درطولدورهمبارزهآزاديخواهانه،موفقيتها،حتيدرمسائلكوچك،بايدموردتجليلقرارگيرنـد **.** آنهـاييكـهپيروزيرابهدستآوردهاندبايدبازشناختهشوند **.** همچنينجشنهاوتجليلهايهوشيارانه،بايدبهحفـظروحيـهموردنيازبرايمراحلآتيمبارزهكمككند**.**

**اداره مسوولانه موفقيتها**

برنامهريزاناستراتژيبزرگبايدپيشاپيششيوههايعمليومرجحيراكهازطريقآنهاميتوانمبارزهايموفـقرابهبهتريننحوبهمنظورجلوگيريازظهوريكديكتاتوريجديدبهپايـانرسـاندوتاسـيستـدريجيسيـستمدموكراسيپايدارراتضميننمود،محاسبهكنند**.**

دموكراتهابايدبرآوردكنندكهچگونهميتواندرپايانمبارزه،گذارازديكتاتوريبهدولتيموقتراادارهنمود**.** بههرحال،دولتجديدنبايدصرفادولتقديميباافرادجديدباشد **.** مهماستتابرآوردشودكـهچـهبخـشهـاييازساختاردولتقبلي **(** مثلاپليسسياسي **)** بايدبهدليلخصوصياتذاتيغيردموكراتيكخودكاملاحـذفشـوندوچهبخشهايبايدموضوعفعاليتهايدموكراتيككنندهآتيقرارگيرند **.** حذفكاملدولتميتواندباعثبهوجودآمدنهرجومرجياديكتاتوريايجديدشود**.**

بايدپيشاپيشفكركردوتصميمگرفتكهپسازفروپاشيديكتاتوريچهسياسيبايددرقبالصاحبمنصبانردهبالايآناتخاذشود **.** برايمثال،آيابايدديكتاتورهارابهمنظورمحاكمهدردادگاهحاضركرد؟آيـابايـدبـهآنهـااجازهدادتابرايهميشهكشورراترككنند؟چهگزينههايديگريدردستاستكهبـامبـارزهطلبـيسياسـي،بازسازيكشوروايجاددموكراسيهمگونباشد؟بايدازايجادقتلعاميكهپيآمدهايحاديبـرايامكـانايجـادسيستمدموكراتيكآتيخواهدداشت،جلوگيريشود**.**

بايدطرحهايخاصدورانگذاربهمنظوراستفادهدرزمانيكهديكتاتوريضعيفشدهيافروميپاشـدآمـادهشـدهباشد**.** اينطرحهاكمكميكنندتاگروهيديگرنتواندازطريقكودتاقدرتدولتيرادردستگيرنـد**.** طـرحهـايينيزبرايتاسيسدولتيدموكراتيكومبتنيبرقانوناساسيباتماميآزاديهايسياسـيوفـرديمـورداحتيـاجاست**.** تغييراتيكهباهزينههايبسياربهدستآمدهاسترانبايدبهخاطركمبودطرحوبرنامهازدستداد**.** درمواجهه بامردميكهدائماقدرتمندترميشوندورشدگروههايمستقلدموكراتيكوموسساتيكـه ديكتـاتورتوانكنترلهيچيكازآنهاراندارد،ديكتاتورهادرمييابندكهاقداماتشانبينتيجهاست**.** تعطيلاتكلانجامعـه،اعتصاباتعمومي،خانهنشينيهايتودهاي،راهپيماييهايمبارزهطلبانهيااقداماتديگربـهگونـهايفزاينـدهباعـثتخريبسازمانهايديكتاتوروموسساتمرتبطباويميگردند**.** پيآمداجرايهوشـمندانهچنـينمبـارزهطلبـيوعدمهمكاريايكهدرطولزمانبامشاركتتودهمردمهمراهمـيشـود،ضـعيفشـدنديكتـاتورودرنهايـتبـهپيروزيرسيدنمقاومتگراندموكرات،بدونتوسلبهخشونت،اسـت **.** ديكتـاتوريدرمقابـلمـردممبـارزهطلـبفروخواهدپاشيد**.**

البتههرتلاشيازايننوعهم،خصوصابهراحتيوسرعت،منجربهپيروزينخواهدشد **.** بايددريادداشتكـهبـههمانتعدادجنگنظاميپيروزمندانهكهوجوددارد،جنگنظاميمنجـربـهشكـستهـمموجـوداسـت **.** اگرچـه،مبارزهطلبيسياسيامكانيعمليبرايپيروزيفراهمميكند**.** همانگونـهكـهپـيشازايـنشـرحدادهشـد،ايـناحتمالراميتوانازطريقتوسعهيكاستراتژيبزرگهوشمندانه،برنامهريزيدقيقاسـتراتژيك،تـلاشسـختومبارزهمنضبطودلاورانهافزايشداد**.**

**فصل دهم**

**زيربناي دموكراسي پايدار**

فروپاشيديكتاتوريمطمئناموجبجشنهايبزرگيخواهدشد **.** مردميكهمدتهارنجكشيدهانـدوبـاهزينـهايبالامبارزهكردهاندشايستگياوقاتيبرايتفريح،استراحتوسپاسگذاريرادارند **.** آنهابايـدبـهخودشـانوتمـامكسانيكهدركنارآنهابرايرسيدنبهآزاديسياسيمبارزهكردهاند،افتخاركنند؛همهبرايديدناينروززنـدهنيستند**.** زندههاومردههابايدهمچونقهرمانانيكهبهشكلگيريتاريخيآزاددركشورشانكمككردهاند،بهيـادآوردهشوند

امامتاسفانه،اينزمان،زمانكاهشهشياريهانيست**.** حتيدرهنگامفروپاشـيموفقيـتآميـزديكتـاتورازطريـقمبارزهطلبيسياسي،بايداحتياطهايدقيقيبـهعمـلبياينـدتـاازبرخاسـتنرژيـمسـركوبگرجديـديازميـانبينظميهايناشيازسقوطرژيمقبليجلوگيريشود **.** رهبراننيروهايپيـشرويدموكراسـيبايـدازقبـلبـرايانتقالمنضبطبهدموكراسيآمادهشدهباشند **.** ساختارديكتاتوريبايدازبينبـرود **.** پايـههـايمتناسـببـاقـانوناساسيوحقوقيواستانداردهايرفتارييكدموكراسيپايداربايدايجادشوند**.**

هيچكسنبايدفكركندكهباسقوطديكتاتوري،سريعاجامعهايايدهآلبهوجودخواهدآمد **.** فروپاشيديكتاتوري،درشرايطپيشرفتهآزادي،تنهابرايتلاشهايدرازمدتبهمنظورپيشبردجامعهوپاسخگوييمكفيبـهنيازهـايانسان،نقطهشروعجديديتداركميبيند**.** مشكلاتجديسياسي،اقتصاديواجتماعيبرايسالهاادامهخواهندداشتكهبرايرفعآنهابههمكاريتعدادكثيريازمردموگروههانيازخواهدبود**.** سيستمسياسيجديدبايدبـهمنظورمواجهبامشكلاتآتي،برايمردميباديدگاههايمختلفومعيارهايمتفاوتفرصتيفراهمكندتابتواننـدبهاقداماتزيربناييخودادامهدهندورويهتوسعهرادنبالنمايند**.**

**تهديدات يك ديكتاتوري جديد**

مدتهاقبلارسطوهشداردادهبودكه **» ...** استبدادهمچنينميتواندبهاستبدادتبديلشود **... «** شواهدتـاريخيبسياريازفرانسه **(**ژاكوبينهاوناپلئون **)**،روسيه **(**بولشويكها**)**،ايران **(**آيتاﷲ**)**،برمه **(**اسلورك١٦**)** وكشورهايديگـروجودداردكهسقوطيكرژيمسركوبگرازديدعدهايازافرادوگروههاصرفافرصتياستبرايآنهاتابـهعنـواناربابانجديدقدمپيشبگذارند **.** انگيزههاياينافرادميتواندمتفاوتباشد،امانتيجهتقريباهميـشهمـشابهاسـت **.**

ديكتاتوريجديدحتيممكناستسمتگرترودركنترلخودازرژيمقبليانحصارطلبترباشد**.**

حتيقبلازفروپاشيديكتاتوري،اعضايرژيمسابقممكناستتلاشكنندتاازطريقبهصحنهآوردنيككودتاكهبرايپيشيگرفتندرپيروزي،نسبتبهمقاومتمردمي،طراحيشـدهاسـت،كمـشكشمبـارزهطلبانـهبـرايدموكراسيرامتوقفكنند **.** اينكودتاممكناستمدعيبركناريديكتاتورباشـد،امـادرحقيقـتتنهـابـهدنبـالتحميلمدليتازهترازسيستمسابقباشد**.**

**جلوگيري از كودتاها**

روشهاييوجودداردكهجوامعتازهآزادشدهبااسـتفادهازآنهـامـيتواننـدكودتاهـاراشكـستدهنـد **.** دانـشيپيشرفتهازاينظرفيتدفاعيميتواندگاهيبرايبازداريازكودتاكافيباشد؛آمادگيميتوانـدباعـثپيـشگيريشود**.**

درستبعدازاينكهيككودتاشروعميشود،توطئهگراننيازمندمشروعيتهستند،يعنيپـذيرشحـقاخلاقـيوسياسيآنانبرايحكومتكردن**.** بههميندليلاوليناصلدفاعضد‐كودتانپذيرفتنمشروعيتتوطئهگراناست**.**

همچنينتوطئهگراننيازدارندتارهبرانمدنيومردمحمايتگرآنان،سراسيمهياصرفامنفعلباشند **.** توطئهگـرانبرايمستحكمكردنكنترلخودبرجامعهنيازمندهمكاريمتخصـصانومـشاوران،مـاموراندولتـيوكارمنـدانمدني،مديرانوقضاتهستند **.** توطئهگرانهمچنيننيازدارندتـاتعـدادزيـاديازمردمـيكـهسيـستمسياسـي،موسساتاجتماعي،اقتصاد،پليسونيروهاينظاميرابهحركتدرميآورندمنفعلانهوظايفمعمولخودراكهبـراساسدستوراتوسياستهايتوطئهگرانتغييريافتهاست،بپذيرندوآنهارابهانجامبرسانند**.**

دوميناصلپايهايدفاعضد‐كودتامقاومتدربرابرتوطئهگرانازطريقعدمهمكـاريومبـارزهطلبـياسـت **.** بايـدهمكاريوهمياريموردنيازراازآنهادريغكرد**.** دراصلروشهاييمشابهباآنچهدرمبارزهطلبيعليهديكتاتورياستفادهشدراميتوانبرايتهديدجديدهماستفادهنمود،امااينهابايـدسـريعبـهكـارگرفتـهشـوند **.** اگـر،هـممشروعيتوهمهمكاريدريغشوند،كودتاازقحطيسياسيخواهدمردوشانسايجادجامعهايدموكراتيكاعادهخواهدشد**.**

16 SLORK

**پيش نويسي قانون اساسي**

سيستمدموكراتيكجديدبهقانوناساسياينيازخواهدداشتكهچارچوبموردتقاضايدولتدموكراتيكرابنـانهد**.** قانوناساسيبايداهدافدولت،محدوديتهايقدرتهايدولتي،روشوزمانبنديهايانتخاباتيكهبراساسآنهاصاحبمنصباندولتيوقانونگذارانانتخابميشوند،حقوقذاتيمردموشيوهارتباطدولتمليباسـطوحپايينتردولترامشخصكند**.**

دردروندولتمركزي،اگردولتبخواهددموكراتيـكبـاقيبمانـد،تقـسيماقتـداريروشـنوصـريحبايـدبـينقانونگذار،مجريقانونوشاخهقضاييدولتايجادشدهباشد **.** محدوديتهاييقدرتمندبايدبراياقـداماتپلـيس،سازمانهاياطلاعاتونيروهاينظاميقائلشدتاامكانهرگونهدخالتسياسيازآنهاگرفتهشود**.**

بهمنظورحفظسيستمدموكراتيكوبازداريازتلاشهاواهدافاستبدادگرايانه،قـانوناساسـيترجيحـابايـدبـهگونهايباشدكهسيستميفدرالباحقوقپيشبينيشدهكافيبرايسطوحمنطقهاي،ايـالتيومحلـيدولـتبنـاكند**.** دربعضيمواقعسيستم **»**بخش**«**١٧هايسوئيسميتوانددرنظرگرفتهشودكهدرآنمناطقينسبتاكوچكبابرخورداريازحقوقيبسيار،درعينحالقسمتيازكلكشورنيزباقيميمانند**.**

اگرپيشازايندرتاريخكشوربهتازگيآزادشده،قانونياساسـيبـااكثـرايـنخـصوصياتوجـودداشـتهاسـت،هوشمندانهاستكهبهسادگيباترميممواردموردنظر،آنرااعادهنمود **.** اگرقانوناساسيقديميايوجودنداشتهباشد،شايدلازمباشدكهيكقانوناساسيموقتبكارگرفتهشود **.** درغيراينصورت،بايدقانوناساسـيجديـديآمادهشود **.** آمادهسازييكقانوناساسيجديدبهزمانوتفكرقابـلملاحظـهاياحتيـاجخواهـدداشـت **.** درايـنفرآيندمشاركتعموميبرايتصويبمتنجديدياترميمي،پسنديدهومورداحتياجاست **.** بايددرمـوردضـميمهنمودنوعدههاييدرقانوناساسيكهممكناستدرآيندهغيرقابلاجراتشخيصدادهشونديامقرراتيكهاحتياجبهيكدولتبسيارمتمركزدارندبسيارمراقببودچراكههردويآنهاميتواننـدظهـورديكتـاتوريايجديـدراتسهيلكنند**.**

جملهبنديقانوناساسيبايدبهراحتيتوسطتعدادزياديازمردمقابـلفهـمباشـد **.** قـانوناساسـينبايـدآنقـدرپيچيدهيامبهمباشدكهتنهاوكلاياديگرنخبهگانبتوانندمدعيدركآنباشند**.**

**سياست دفاعي دموكراتيك**

همچنينكشورآزادشدهممكناستباتهديداتخارجيمواجهشودكهبرايمقابلهباآنهانيـازبـهتـواندفـاعيخواهدداشت **.** بههمينصورتكشورممكناستازطرفخارجيهابرايايجادسلطهاقتصادي،سياسييانظـاميتهديدشود**.**

بهمنظورحفظدموكراسيداخلي،بايدتوجهخاصيبهكاربرداصولاوليهمبارزهطلبيسياسيبرايپاسخگوييبـهنيازهايدفاعمليمبذولشود **.** باقراردادنمستقيمتواندفاعيدردستانشهروندان،كشورهايتازهآزادييافتـهميتوانندازپايهگذاريظرفيتنظاميقدرتمنديكهبهنوبهخودميتوانددموكراسيراتهديـدكنـديـابـهمنـابع

17 Canton

اقتصاديكلاني،كهميتواننددرمحليمفيدترصرفشوند،احتياجداشتهباشدجلوگيريكند**.**

بايدبهيادداشتكهبعضيگروههاآگاهانهازتهيههرگونهقانوناساسيشانهخاليخواهندكردتابتواننـدخـودرابهمقامديكتاتورهايجديدبگمارند **.** بههميندليل،نقشدائميايبرايتماممردموجودخواهدداشتكهعبـارتاستازمبـارزهطلبـيوعـدمهمكـاريدرمقابـلديكتاتورهـاياحتمـاليوحفـظسـاختارها،حقـوقورونـدهايدموكراتيك**.**

**يك مسووليت شايسته**

تاثيرمبارزهغيرخشونتآميزتنهاتضعيفوازميانبردنديكتاتورهانيستبلكهقدرتبخـشيدنبـهمـردمتحـتستمنيزهست **.** اينتكنيك،مردميكهپيشازاينخودراراپيادهشطرنجياقربانياناحساسميكردنـدراقـادرميكندتاباتلاشهايخودقدرترامستقيمابرايدستيابيبهآزاديوعدالتبيشتربـهكـارگيرنـد **.** ايـنتجربـهمبارزاتي،نتايجروانيمهميداردكهميتوانددرافزايشعزتواعتمادبهنفسدرميانبيقدرتانسابقنقشيايفاكند**.**

يكيازنتايجسودمندودرازمدتمهميكهاستفادهازمبارزهغيرخشونتآميزبهمنظورتاسيسدولتيدموكراتيكداراميباشدايناستكهبهجامعهتوانبيشتريبرايسروكارداشتنبامشكلاتآتـيوادامـهراهاهـدامـيكنـد **.** مشكلاتيهمانندسوءاستفادههايدولتيآتيوانحرافآن،بدرفتاريهريكازگروهها،بيعدالتيهاياقتـصاديومحدوديتهاياعمالشدهبركيفيتدموكراتيكبودنسيستمسياسـي **.** مردمـيكـهدراسـتفادهازمبـارزهطلبـيسياسيكارآزمودهشدهباشندكمتردربرابرديكتاتورهايآتيضربهپذيرخواهندبود**.**

بعدازآزادي،آشناييبامبارزهغيرخشونتآميز،شيوههاييبـرايدفـاعازدموكراسـي،آزاديهـايمـدني،حقـوقاقليتهاوحقوقويژهدولتهايمنطقهاي،ايالتيومنطقهايوموسساتغيردولتيفراهممـيكنـد **.** ايـنروشهـاهمچنينراههاييفراهمميكنندكهازطريقآنهامردموگروههاميتواندعقايدافراطيخودبررويمـسائليكـهآنقدرمهمبودهاندكهگروههايمخالفگاهبرايابرازآنهابهتروروجنگچريكيرويآوردهبودهبودنـد،رابيـانكنند**.**

اميداستتاانديشههايمطرحشدهدراينبررسيمبارزهطلبيسياسييامبارزهغيرخشونتآميـز،كمكـيباشـدبرايتماميافرادوگروههاييكهبهدنبالرفعستمديكتاتوريازمردمخودهستندوايجادسيستميدموكراتيكوپايداركهآزاديهايانسانوكنشمردميبرايبهبودجامعهرامحترمشمارد**.**

درانديشههاييكهشرحدادهشدند،سهنتيجهعمدهوجوددارد **:**

آزاديازديكتاتوريممكناست؛

برايرسيدنبهآناحتياجبهبرنامهريزياستراتژيكوانديشهايدقيقاست؛و

برايرسيدنبهآناحتياط،سختكوشيومبارزهمنضبط،حتيباهزينهبالا،مورداحتياجاست**.**

نقلقولمشهور **»** آزادي،رايگاننيست **«**١٨حقيقتدارد **.** هيچنيرويخارجيايبرايبخششآزاديايكـهمـردمتحتستمبسيارخواستارآنند،نخواهدآمد **.** مردمبايديادبگيرندكهچگونهبهخودشانآزاديببخشند **.** وايـنبـهآسانيممكننيست**.**

اگرمردمچيزيكهبرايآزاديخودآنانموردنيازاسترابهچنگبياورند،ميتواننـدمجموعـهاقـداماتيكـهدرنهايت،بهواسطهرنجفراوان،بهآزاديمنجرميشوندراطراحينماينـد **.** آنگـاهآنـان،بـاپـشتكار،مـيتواننـدنظـمدموكراتيكنوينيبنانهندوبرايدفاعازآنآمادهشوند **.** آزاديايكهازطريقاينچنينمبارزهايبهدسـتبيايـد،ميتواندپايدارباشد**.** اينآزاديتوسطمردميسختكوشكهبهحراستوغنابخشيآنمتعهدند،نگهداريخواهـدشد**.**

18 Freedom is not free

پيوست روش هاي اقدام غير خشونت آميز

**روش هاي اعتراض و استدلال غير خشونت آميز اعلام بيانيه هاي رسمي** ۱‐سخنرانيهايعمومي

۲‐نامههاياعلاممخالفتيااعلامحمايت

۳‐بيانيههايسازمانهاوموسسات

۴‐بيانيههايامضاشدهگروهي

۵‐اعلاميههايكيفرخواست **(** دادخواست **)**

۶‐تهيهطومارهايامضاءشدهگروهيوهمگاني

**ايجاد ارتباط با مخاطبين گسترده تر** ۷‐استفادهازشعارها،کاريکاتورهاونمادها

۸‐پرچمها،پوسترهاوارتباطاتبصري

۹‐جزوهها،رسالههايچاپيوكتابها

۱۰‐روزنامههاومجلهها

۱۱‐نوارهايصوتي،راديووتلويزيون

۱۲‐آسماننويسي١٩،زميننويسي **[** وديوارنويسي **]**

**اقدامات گروهي**

۱۳‐اعزامهياتهاينمايندگي

۱۴‐اعطايجايزههايغيرواقعيوظاهري

۱۵‐انجاملابيهاي٢٠گروهي

۱۶‐تشويقکارگرانوکارمندانبهاعتصابودستکشيدنازکار

۱۷‐انجامانتخاباتغيرواقعيوظاهري

اقدامات گروهي نمادين

۱۸‐استفادهازپرچمهاورنگهاينمادين

۱۹‐پوششهاينمادين

19فرآيندنوشتنبااستفادهازدودرنگيكهازهواپيماخارجميشود**.** م

20هرتلاشيازطرفگروههايمستقلياافرادبرايتاثيرگذاريبرتصميماتدولتي**.** م

۲۰‐اجراي نمازودعا

۲۱‐حملاشياءنمادين

۲۲‐درآوردنلباسولختشدنبهنشانهاعتراض

۲۳‐تخريباموالشخصي **[** ونهعمومي **]**

۲۴‐استفادهازنورهاينمادين

۲۵‐نمايشتصاويرافرادوشخصيتها

۲۶‐استفادهازشکلکهاينقاشيشده **[**افرادوشخصيتها**]** بهنشانهاعتراض

۲۷‐استفادهازعلامتهاونامهايجديد

۲۸‐ايجادصداهاينمادين

۲۹‐اعلامنيازهاودرخواستهايعمومينمادين

۳۰‐انجاماداواطوارگستاخانه **(** برايجلبتوجهافراد **)**

**اعمال فشار بر روي افراد**

۳۱‐بازخواستازشخصيتهاوماموران

۳۲‐تمسخرواهانتبهشخصيتها

۳۳‐ملاقاتومذاکرهبامسوولان

۳۴‐تعقيبومراقبتمسوولان

**اجراي تئاتر و موسيقي**

۳۵‐استفادهازميانپردههايطنزوتمسخرآميز

۳۶‐اجرايتئاتروموسيقي

۳۷‐آوازخواني **(** سرودخواني **)**

**راهپيمايي و تظاهرات مردمي** ۳۸‐انجامتظاهراتهمگاني

۳۹‐رژههايمنظممردمي

۴۰‐راهپيماييوتظاهراتمذهبي

۴۱‐انجامسفرهايزيارتي

۴۲‐تظاهراتخودرويي٢١

**تشييع جنازه**

۴۳‐انجاممراسمسوگواريسياسي

21حرکتجمعيوسايلنقليهدرخيابانها

۴۴‐تشييعجنازههايغيرواقعيوظاهري

۴۵‐تشييعجنازههايهمراهباتظاهرات

۴۶‐تجمعوتظاهراتدرمحلهايخاکسپاريافرادوشخصيتها

**اجتماعات عمومي**

۴۷‐اجتماعاتاعتراضيياحمايتي

۴۸‐تظاهراتاعتراضي

۴۹‐استفادهازتظاهراتغيرمستقيمبااستفادهازرنگها،نمادهاواشکالمتنوع

۵۰‐آموزشهايدرونگروهي **[** بهمنظورافزايشآگاهيهايسياسي‐اجتماعي **]**

**خودداري و انکار**

۵۱‐دستکشيدنوخودداريازکار

۵۲‐سکوت

۵۳‐انکارونفيشخصيتهايشناختهشده

۵۴‐کنارگذاشتنافرادوشخصيتها**[**يسياسي‐اجتماعي **]**

روش هاي عدم همكاري اجتماعي

**طرد افراد و انزواي افراد و شخصيتها**

۵۵‐تحريماجتماعيعمومي

تجريماجتماعيگزينشي‐۵۶ Lysistratic nonaction‐۵۷

۵۸‐طردوتکفيرشخصيتها

۵۹‐تحريم

**عدم همكاري با روندهاي اجتماعي، رسوم و نهادها** ۶۰‐تعليقفعاليتهاياجتماعيوورزشي

۶۱‐تحريماموراجتماعي

۶۲‐اعتصابهادانشجويي

۶۳‐نافرمانياجتماعي

۶۴‐كنارهگيريازموسساتاجتماعي

**كناره گيري از نظام اجتماعي**

۶۵‐درخانهماندن

۶۶‐عدمهمكاريشخصيبطورکلي

۶۷‐گريزازکاركارگران

۶۸‐تحصن

۶۹‐مخفيشدندستهجعمي

۷۰‐مهاجرتاعتراضي **(**هجرت**)**

**روش هاي عدم همكاري اقتصادي تحريم هاي اقتصادي**

**اقدام از سوي مصرفكنندگان** ۷۱‐تحريمازسويمصرفكنندگان

۷۲‐عدممصرفكالاهايتحريمشده

۷۳‐سياسترياضت **(**اقتصادي**)**

۷۴‐خودداريازاجارهدادن **(**مکانها،تجهيزات،ابزارآلات،وسايلو **...)**

۷۵‐خودداريازاجارهکردن **(**مکانها،تجهيزات،ابزارآلاتووسايلدولتي **)**

۷۶‐تحريممليمصرفكنندگان **(**کالا،خدمت، **... )**

۷۷‐تحريمبينالملليمصرفكنندگان

**اقدام از سوي كارگران و توليد كنندگان**

۷۸‐تحريمازسويكارگران

۷۹‐تحريمازسويتوليدكنندگان

**اقدام از سوي واسطهها**

۸۰‐تحريمازسويتدارککنندگانکالاهاوکارپردازان

**اقدام از سوي مالكين و مديران** ۸۱‐تحريمازسويتجاروبازرگانان

۸۲‐خودداريازتحويليافروشکالاها

۸۳‐تعطيلکارخانجاتازسويکارفرمايان

۸۴‐خودداريازکمکهايصنعتي

۸۵‐ **»**اعتصابسراسري**«** ازسويتجار

**اقدام از سوي صاحبان منابع مالي** ۸۶‐بيرونکشيدنسپردههايبانكي

۸۷‐خودداريازپرداختهزنيهها،دستمزدها،بدهيهاومالياتها

۸۸‐امتناعازبازپرداختواميابهرهآن

۸۹‐قطعوامهاواعتباراتمالي

۹۰‐خودداريازخرجدرآمدها

۹۱‐امتناعازدريافتپولهاوکمکهايدولتي

**اقدام از سوي دولتها** ۹۲‐تحريمداخلي

۹۳‐تهيهفهرستسياهبازرگانان

۹۴‐تحريمفروشندگانبينالمللي

۹۵‐تحريمخريدارانبينالمللي

۹۶‐تحريمتجارتبينالمللي

**روش هاي عدم همكاري اقتصادي اعتصاب**

**اعتصاب هاي نمادين**

۹۷‐اعتصابکوتاهمدتاعتراضي

۹۸‐اعتصابيکباره **(** برقآساوبدوناطلاعقبلي **)**

**اعتصاب هاي كشاورزي** ۹۹‐اعتصابکشاورزان

۱۰۰‐اعتصابكارگرانمزرعه

**اعتصاب از سوي گروه هاي خاص**

۱۰۱‐خودداريازانجامکارهايطاقتفرسا **(**تحتفشار**)**

۱۰۲‐اعتصابزندانيان

۱۰۳‐اعتصابپيشهوران

۱۰۴‐اعتصابکارشناسانومتخصصين

**اعتصاب هاي صنعتي عمومي**

۱۰۵‐اعتصابتشكيلاتي **(** سازمانيافته **)**

۱۰۶‐اعتصابصنعتي

۱۰۷‐اعتصاببرايابرازهمدرديباسايرگروههاياعتصابکننده

**اعتصاب ها محدود**

۱۰۸‐اعتصابهمراهبااعلامهدفهاوخواستههايخاص

۱۰۹‐اعتصابهمهگيروگسترده

۱۱۰‐اعتصابﹸكندكاري

۱۱۱‐اعتصابخواهاناعمالقانونکار **(**کارگريياکارمندي**)**

۱۱۲‐تظاهربهبيماري

۱۱۳‐اعتصابهمراهباطريقاستعفا

۱۱۴‐اعتصابمحدود **(** دربرابراعتصابنامحدود **)**

۱۱۵‐اعتصابگزينشي

**اعتصاب هاي چند صنعتي (چند بعدي)**

۱۱۶‐اعتصابعموميوسرتاسريسازمانيافته

۱۱۷‐اعتصابکلي **(**غيرسازمانييافته**)**

**ترکيب اعتصابها و تعطيليهاي اقتصادي** ۱۱۸‐اعتصابعموميسرتاسري **(**هارتال٢٢**)**

۱۱۹‐تعطيلکردنموقتفعاليتهاياقتصادي

شيوه هاي عدم همكاري سياسي

**نفي مشروعيت**

۱۲۰‐خوددارييابازپسگيريبيعتسياسي **(** بارهبرانسياسيجامعه **)**

۱۲۱‐خودداريازاعلامحمايتعمومي **(** ازدستوراتومشروعيتحکومت **)**

۱۲۲‐انتشارمتونچاپيوانجامسخنرانيهايمبتنيبرتشويقمفاومت **(** مردمدربرابرحکومت **)**

**عدم همكاري شهروندان حکومت**

۱۲۳‐تحريمعناصروبدنههايقانونگذاري

22 بهزبانسيلاني **(** سريلانكايي **)** بهمعناياعتصابعمومياستكهدرسال۱۹۵۳ازسوياحزابماركسيستبهمنظورنشاندادننارضايتيعموميازبالارفتنهزينههايزندگي**(** بخصوصقيمتبرنج **)** ترتيبدادهشد**.**

۱۲۴‐تحريمانتخابات

۱۲۵‐تحريممسووليتهاومشاغلدولتي

۱۲۶‐تحريمادارهها،موسسههاوسايرعناصردولتي

۱۲۷‐خروجازمدرسههايآموزشيدولتي

۱۲۸‐تحريمسازمانهايتحتپوششوحمايتدولت

۱۲۹‐خودداريازکمکبهمامورانوکارگزاراناجرايي **[**دولت**]**

۱۳۰‐جابجاييعلائمومکاننماهايشخصي

۱۳۱‐خودداريازقبول **(** وهمکاريبا **)** مامورانانتصابي **[**دولت **]**

۱۳۲‐خودداريازانحلالسازمانهاوموسسههاي موجود

**گزينه هاي نوع اطاعت شهروندان**

۱۳۳‐ابرازعدمتمايل **(** بيميلي **)** وپذيرشكند **(** باتاخير **)**

۱۳۴‐نافرمانيدرزماننبودنظارتمستقيم

۱۳۵‐نافرمانيهمگاني

۱۳۶‐نافرمانيپنهان **(**غيرآشکار**)**

۱۳۷‐خودداريازشرکتدريکتجمعيااجلاسبهمنظورانشقاق

۱۳۸‐تحصن

۱۳۹‐عدمهمكاريبههنگامخدمتاجباري **(** تحتفشار **)** وتبعيد

۱۴۰‐مخفيشدن،فراركردنواستفادهازهويتهايجعلي

۱۴۱‐نافرمانيمدنيدربرابرقوانين **»**غيرمشروع**«**

**اقدام از سوي كارمندان دولت**

۱۴۲‐خودداريگزينشيدرموردکمکبهتحققهدفهايدولتي

۱۴۳‐مسدودكردنخطوطفرماندهيوانتقالاطلاعات

۱۴۴‐بهتعويقانداختنوايجادمانعدرکارها

۱۴۵‐عدمهمكاريهاياداريواجراييعمومي

۱۴۶‐عدمهمکاريقضايي

۱۴۷‐عدمكاراييآگاهانهونيزعدمهمكاريباعناصروکارگزاراناجرايي

۱۴۸‐تمردوشورش

**اقدامات دولت در سطح داخلي**

۱۴۹‐طفرهرفتنوتاخيرهايشبهقانوني

۱۵۰‐عدمهمكاريباواحدهايمتشكلدولتي

**اقدامات دولت در سطح بينالمللي**

۱۵۱‐انجامتغييراتدرکادرديپلماتيكوسايرنمايندگيها**[**يسياسيواقتصادي**]**

۱۵۲‐تاخيرانداختنولغواقداماتورخدادهايديپلماتيک

۱۵۳‐خودداريازشناساييديپلماتيک **[**کشورها،نهادهاو **...]**

۱۵۴‐قطعروابطديپلماتيک

۱۵۵‐لغوعضويتدرسازمانهايبينالمللي

۱۵۶‐خودداريازعضويتدرنهادهايبينالمللي

۱۵۷‐اخراج **[**يکعضو**]** ازسازمانهايبينالمللي

روش هاي تهاجم غيرخشونت آميز

**تهاجم رواني**

۱۵۸‐سخنگفتنوابرازنظرشخصيوبيپردهوصريحدربرابرديگران

۱۵۹‐روزهگرفتن

الف**)** روزهفشاراخلاقي **(**روزهسياسي**)** ب**)** اعتصابغذا

ج**)** روزهمقاومتمنفي **(**ساتياگراها**)**

۱۶۰‐محکمهنمايشي

۱۶۱‐تحملمصيبتوآزادغيرخشونتآميز **(** نظيرخـودرابـهزنجيـرکـشيدن،چـسببـردهـانزدن،دوختندهانو **.. )**

**تهاجم فيزيكي**

۱۶۲‐تحصننشسته **(** بستنشستن **)**

۱۶۳‐تحصنايستاده

۱۶۴‐ابرازاعتراضسواره **(** بااستفادهازاتوموبيل،دوچرخه،اسب، **... )**

۱۶۵‐هجومآوردنبهسويافرادوشخصيتها

۱۶۶‐خردکردناعصاب **(** باروشهايگوناگون **)**

۱۶۷‐اجرايدعاونيايشبرايتحققاهداف

۱۶۸‐حملاتغيرخشونتآميز

۱۶۹‐پرتابهايغيرخشونتآميز **(** نظيرتخممرغ،گوجهفرنگي، **... )**

۱۷۰‐تهاجموپيشرويفيزيکيغيرخشونتآميز

۱۷۱‐توليدصداهايغيرخشونتآميز **(** همچونسوت،هوکردنو **... )**

۱۷۲‐کارشکنيواختلالغيرخشونتآميزدرروندجلساتگوناگون **(**سـخنرانيهـا،پارلمـانهـا، **... )** وازرسميتانداختنآنها

۱۷۳‐اشغالغيرخشونتآميز **(**مکانهايعموميودولتي،وزارتخانهها،سفارتخانههاو **... )**

**تهاجم اجتماعي**

۱۷۴‐ايجادالگوهايجديداجتماعي

۱۷۵‐ترتيباستفادهبيشازحدمجازوظرفيتازتجهيزاتوامکاناتموجودبرايمختلکردنعملکـردآنها

۱۷۶‐استفادهازروشسکوتوبياعتنايي **(**نسبتبهوقايع**)**

۱۷۷‐صحبتواظهارنظرفعالدرموردمسائلسياسيواجتماعي

۱۷۸‐نمايشهايچريکي

۱۷۹‐ايجادنهادهاياجتماعيجايگزين

۱۸۰‐ايجادسيستمهايارتباطيجايگزين

**تهاجم اقتصادي**

۱۸۱‐اعتصابتمديدي **(**ازنظرمدت**)**

۱۸۲‐اعتصابنشسته **(**درمحلکار**)**

۱۸۳‐تصرفغيرخشونتآميزيکزمين

۱۸۴‐ايجادراهبنداندرخيابانوجادهها

۱۸۵‐جعلوتقلبباانگيزههايسياسي

۱۸۶‐جلوگيريومحدودکردنمعاملاتاقتصادي

۱۸۷‐تصرفداراييها

۱۸۸‐دامپينگ٢٣

۱۸۹‐حمايتگزينشي **(** ازيککالاياخدمت **)**

۱۹۰‐انتخاببازارهايجايگزين

۱۹۱‐انتخابوسايلنقليهجايگزين **[** برايوسايلنقليهعموميودولتي **]**

۱۹۲‐انتخابنهادهاياقتصاديجايگزين

**تهاجم سياسي**

۱۹۳‐ترتيباستفادهبيشازتوانوظرفيتسازمانهاياداريموجود

۱۹۴‐افشارهويتمامورانوسازمانهايمخفي **(**اطلاعاتي**)**

۱۹۵‐تلاشبرايزندانيشدن **(**بهوسيلهدولت**)**

۱۹۶‐نافرمانيمدنيدربرابرقوانين **»**خنثي**«**

۱۹۷‐انجاميکاقدامبدونهمکاروهمدست

۱۹۸‐ايجادحاکميتدوگانهودولتموازي

23فروختنيککالابهميزانزيادباقيمتکمترازحدمعمول **(** برايرقابتبايکشخصيانهاد **)**

**درباره نويسنده**

جينشارپ،دكترفلسفهدانشگاهآكسفورد،استادارشددرموسسهآلبرتانيشتيندركمبريجماساچوسـتاسـت **.**

ويهمچنينپروفسورافتخاريعلومسياسيازدانشگاهماساچوستدارتموند،وعضوپيوستهمركزاموربينالملـلدانشگاههاروارداست **.** وينويسندهكتابهايزيادياستازجمله،سياستهاياقـدامغيرخـشونتآميـز **(**۱۹۷۳**)**،قدرتاجتماعيوآزاديسياسي **(**۱۹۸۰**)** ودفاعمبتنيبراشخاصغيرنظامي **(**۱۹۹۰**).**



انجمن بدون مرز